بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد

قرآن و تعلیمات دینی (۱)

دین و زندگی

سال اوّل دبیرستان

۱۳۹۱

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تغییر نخواهد کرد.

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : **دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی**

نام کتاب : **قرآن و تعلیمات دینی(۱) دین و زندگی سال اوّل دبیرستان ـ ۲۰۳**

شورای برنامه‌ریزی : **ناصر ابراهیمی، دکتر محمدمهدی اعتصامی، محمود اللهوردی، دکتر عباس جوارشکیان، دکتر فضل‌الله خالقیان، حجة‌الاسلام دکتر حسین سوزنچی، دکتر سیدحمید طالب‌زاده، دکتر حسن ملکی، دکترسیدمحسن میرباقری و مسعود وکیل**

مؤلفان : **دکتر محمدمهدی اعتصامی، دکتر عباس جوارشکیان**

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : **ادارهٔ کلّ چاپ و توزیع کتاب‌های درسی**
تهران: خیابان ایرانشهرشمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش(شهید موسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱ ، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،
وب‌سایت: **www.chap.sch.ir**

طراح گرافیک : **بهرام شامی**

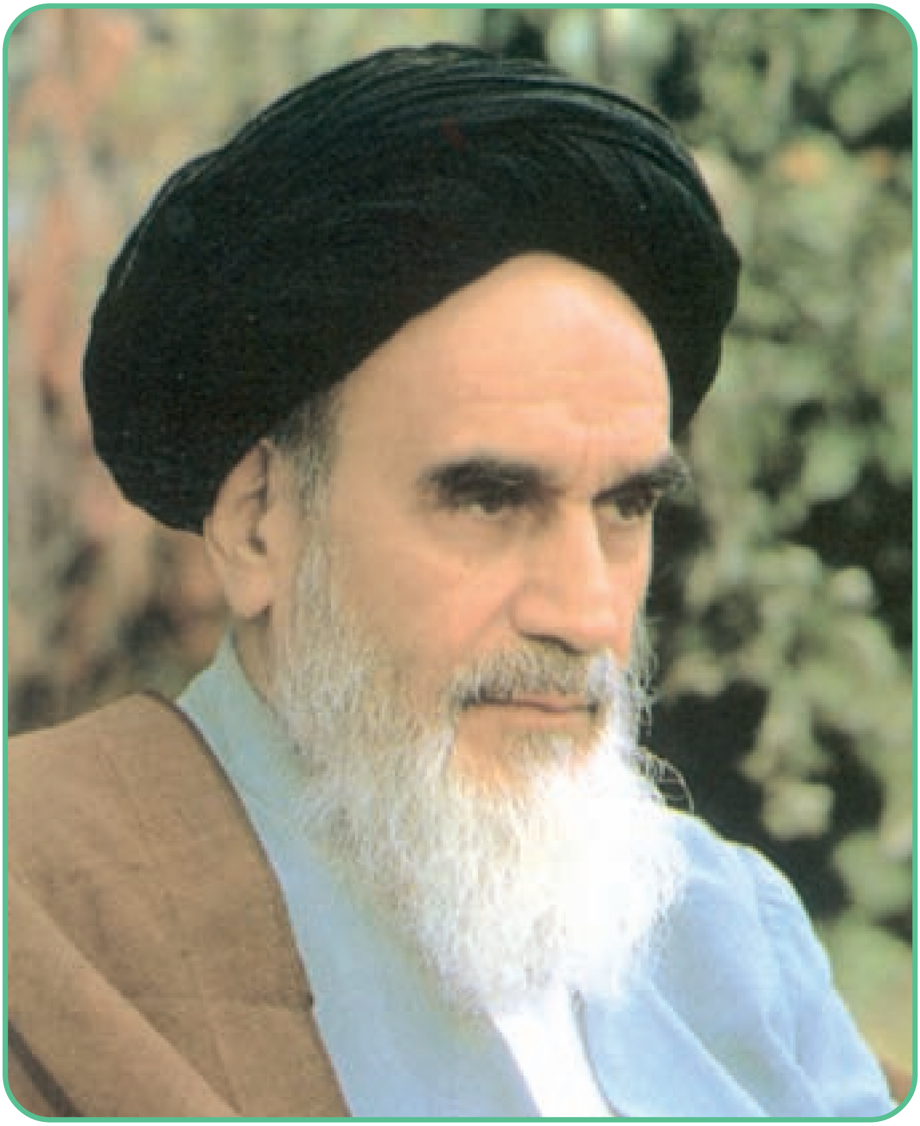
صفحه آرا : **مریم نصرتی**

ناشر : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادّهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش)**
تلفن: ۵ ـ ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ ۳۷۵۱۵

چاپخانه : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران«سهامی خاص»**

سال انتشار و نوبت چاپ : **چاپ دهم ۱۳۹۱**

شابک ۰-۱۱۵۶-۰۵-۹۶۴ ISBN 964-05-1156-0

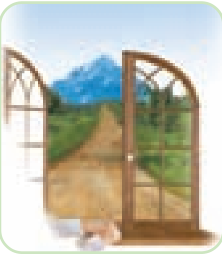


اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید باید از سرمایه‌های عمر و استعداد جوانی استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید.

«امام خمینی»

فهرست

مرحله‌ی اول : آمادگی در اندیشه و قلب



مرحله‌ی دوم: آهنگ سفر



مرحله‌ی سوم: قدم در راه



پیش از مطالعه‌ی کتاب، حتماً این قسمت را بخوانید

دانش‌آموزان گرامی!

دوستان عزیز! سلام بر شما

سرمایه‌ی ما، اندیشه‌های پویا و ذهن‌های مبتکر و خلاق شماست. ما به وجود این سرمایه ایمان داریم و با تکیه بر همین ایمان آماده‌ی مشارکت شما در چهارچوب این کتاب هستیم. می‌دانید که خدای بزرگ در قرآن کریم اطمینان داده است که راه‌های هدایت را به‌آنان که در راه او می‌کوشند نشان می‌دهد.

وَالَّذینَ جاهَدوا فینا — کسانی که در راه ما مجاهدت کنند

لَنَهدِیَنَّهُم سُبُلَنا عنکبوت، ۶۹ — به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم.

آری، قرآن کریم کتاب هدایت است؛ هدایت انسان به سوی زندگانی توأم با رستگاری. پس ضروری است که برای شناخت این زندگی به پیشگاهش برویم و در آیات آن بیندیشیم. همچنین شایسته است راه و روش معصومین بزرگوار صلوات‌اللّه علیهم را فراگیریم و در پیروی از آنان بکوشیم.

شما در سال‌های گذشته، در درس قرآن، توانایی خواندن این کتاب الهی و درک معنای بسیاری از آیات ارزشمند آن را به‌دست آورده‌اید و در درس دینی نیز با اصول دین، اخلاق اسلامی و برخی از احکام آشنا شده‌اید. اینک که به دوره‌ی متوسّطه آمده‌اید، با پیوستن این دو درس به یکدیگر «راه زندگی بر مبنای قرآن» را خواهید آموخت. به‌تدریج آیاتی از این کتاب آسمانی را مطالعه خواهید کرد و از هدایت‌های آن بهره‌مند خواهید شد. می‌توان گفت دو جویبار آموزشی «قرآن» و «دینی» که در دوره های ابتدایی و راهنمایی جاری بودند، در این کتاب به یکدیگر پیوسته‌اند و قرآن کریم چراغ هدایت شما به سوی معرفت دینی شده است. امیدواریم این چراغ همواره فرا راه شما باشد.

اکنون توجه شما را به توضیحاتی پیرامون این کتاب جلب می‌کنیم:

۱ــ قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما در کلاس درس تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارتند از:

ــ معنا کردن برخی از آیات شریفه؛ با این کار، احساس خواهید کرد که با اندکی تلاش می‌توان معنای آیات را فهمید و در آن‌ها تفکّر و تدبّر کرد.

ــ تدبّر در آیات یا احادیث برخی از درس‌ها بر عهده‌ی شماست.

ــ نتایج مورد نظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به‌دست می‌آید.

ـ بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکّر، تحقیق و مطالعه‌ی شما به انجام خواهد رسید.

۲ـ در ابتدای هر درس مقدمه‌ای آمده است که هدف و موضوع اصلی آن درس را بیان می‌کند و ارتباط آن درس را با درس قبلی روشن می‌نماید.

۳ـ در پایان بیش‌تر درس‌ها، با عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام آن‌ها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمره‌ی مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

۴ـ خدای جمیل، خالق زیبایی‌ها و هنر، وسیله‌ی بیان زیبایی‌هاست. پس کتابی هم که می‌خواهد شما نوجوانان عزیز را با زندگی دینی آشنا کند، نمی‌تواند «عاری از هنر» باشد. از این‌رو کوشش ما بر آن بوده که با الهام از قرآن کریم، محتوای علمی کتاب را همراه با طراحی‌های ادبی و هنری به شما عرضه کنیم ؛ امیدواریم در آینده، این کتاب با پیشنهادهای شما زیباتر گردد.

۵ـ برای این که آموزش این کتاب در فضایی فعّال، پویا و با نشاط صورت گیرد، نیازمند حرمت‌نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است، بنابراین :

ـ برنامه‌ی دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

ـ به اظهارنظرهای دوستان خود، احترام بگذارید.

ـ نظرات دوستان خود را با تجزیه و تحلیل دقیق ارزیابی کنید.

ـ بیش از اندازه تحت تأثیر چند نفری از کلاس که احتمالاً بیش‌تر نظر می‌دهند، قرار نگیرید. شما هم با واردشدن در گفت‌وگوها نشان دهید که در فکرکردن توانا هستید.

۶ـ به منظور تقویت توانایی شما در قرائت قرآن کریم، دبیر محترم می‌تواند بخشی از قرآن را برای تمرین قرائت انتخاب کند. در این صورت ارزش‌یابی مستمر و پایانی قرائت، علاوه‌بر آیات کتاب، از این بخش نیز به عمل خواهد آمد.

۷ـ این درس عرصه‌ی حضور احساسات درونی و خلاقیت‌های فکری شماست و موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد ؛ کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. درواقع ما هرگز نخواسته‌ایم درس‌ها به‌گونه‌ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ‌کردن به‌خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به آن امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکرکردن و تحقیق را برایتان فراهم می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزش‌یابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد :

بخش اول: ارزش‌یابی مستمر ؛ شامل موارد زیر :

۱ـ قرائت صحیح آیات شریفه ؛۴ نمره

۲ـ معناکردن آیاتی که در کتاب ترجمه **نشده** است ؛ ۳ نمره

۳ـ انجام فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن ؛ ۵ نمره

۴ـ مشارکت در گفتگو و کار گروهی ؛ ۳ نمره

۵ـ پاسخ به سؤال‌های بخش‌های «اندیشه و تحقیق» ؛ ۳ نمره

۶ـ داشتن دفتر کار منظم و کامل ؛ ۲ نمره

توجه: انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و ارائه‌ی ابتکارهای ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمره‌ی مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم: ارزش‌یابی پایانی ؛ این ارزش‌یابی در پایان هر نیم سال و در دو بخش انجام می‌شود :۱ـ قرائت آیات (۴ نمره) ۲ـ آزمون کتبی (۱۶ نمره). در آزمون کتبی دبیر محترم، سؤال‌هایی را از قسمت‌های مختلف دروس، مانند معنای آیات، محتوای دروس و بخش اندیشه و تحقیق طرح می‌کند. این سؤال‌ها بیش‌تر به‌گونه‌ای خواهد بود که نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل باشد و قدرت تعقل و استنباط شما را نشان دهد. بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخگوی این گونه سؤال‌ها باشید.

۸ـ شما می‌توانید با مراجعه به شبکه‌ی اطلاع‌رسانی رشد (شبکه‌ی ملی مدارس ایران) به مجموعه مطالبی غنی‌تر و جامع‌تر پیرامون مطالب این کتاب دسترسی یابید و همچنین نظرات خود را درباره‌ی کتاب، از طریق شبکه ارسال کنید. برای دسترسی به شبکه‌ی رشد از طریق اینترنت می‌توانید به آدرس www.roshd.ir مراجعه کنید.

۹ـ آن‌چه با عنوان «بیشتر بدانیم» و «پیشنهاد» آمده و در پاورقی ذکر شده برای توسعه‌ی اطلاعات شماست و دبیر محترم می‌تواند در توضیح درس‌ها از آن استفاده کند و نمره‌ی تشویقی برای آن‌ها درنظر بگیرد. امّا در ارزش‌یابی‌های مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود. آیاتی که ترجمه‌ی آن‌ها در کتاب آمده نیز شامل همین حکم است. هم‌چنین فعالیت‌هایی که با علامت ستاره مشخص شده‌اند، فقط برای ارزش‌یابی مستمر است.

۱۰ـ سخن آخر این که، شما در این کتاب اولین درس‌های «راه زندگی» را می‌آموزید، درس‌های دیگر را نیز در سال‌های بعد خواهید آموخت. اگر این کتاب را روزنه‌ای به روشنایی حقیقت یافتید، آن را نگه دارید تا در آینده، در کنار کتاب‌های سال‌های بعد، مجموعه‌ای از شیوه‌ی زندگی اسلامی را در اختیار داشته باشید، خصوصاً که در بخش‌هایی از کتاب، ردّ پایی از فکر بدیع خودتان به جا مانده است. باشد که فردا نسبت به کار امروز خود احساس سربلندی کنید.

خداوند یار و نگهدارتان باد

مؤلفان

راز
شکفتن گل
چیست؟

چه سرّی در دانه‌ی گیاه نهفته است که زمین را می‌شکافد و به‌آرامی از دل خاک سر بر می‌کشد؟

بی‌تردید راز این شکفتن و سربرکشیدن را باید در قابلیتی جست‌وجو کرد که خداوند در دل دانه به امانت نهاده است. دانه از همان هنگام که در خاک قرار می‌گیرد، آماده است که رشد کند، شکوفا شود و بر زیبایی آفرینش بیفزاید. به دیگر سخن، دانه با رشد و شکوفایی و کسب زیبایی و طراوت، به کمال می‌رسد و قابلیت‌ها و استعدادهای خود را ظاهر می‌سازد تا بدین ترتیب به مقصود و غایتی[1] که خداوند برایش مقدّر کرده است، نائل شود.



اکنون شایسته است از خود بپرسیم:

۱ــ کمال ما در چیست و مقصود و غایت ما کدام است؟

۲ــ استعداد و قابلیت چه کمالاتی در ما وجود دارد؟

۳ــ چگونه می‌توان آن استعدادها را شکوفا کرد؟

۱ــ **غایت:** آن هدف نهایی است که در درون هر موجودی هست و به سوی آن در حرکت می‌باشد.

وَ فِی الْاَرْضِ ءایاتٌ لِلْموقِنینَ

وَفی اَنْفُسِکُمْ اَفَلا تُبْصِرونَ

در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی است ؛

و نیز در خودتان، آیا نمی‌نگرید؟! ذاریات ۲۰ و ۲۱

۱. آمادگی در اندیشه و قلب



درس اوّل

کتاب زندگی

قرآن کریم راهنمای زندگی انسان‌هاست و مردم را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند. خداوند، در این کتاب با ما سخن گفته و مردم را مخاطب قرارداده است. دوره‌ی نوجوانی و جوانی بهترین دوره برای توجه به سخنان خداوند است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هر جوان مؤمنی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونش در می‌آمیزد و خداوند او را با فرشتگان بزرگواری که نویسندگان و حاملان قرآنند، همنشین می‌کند. قرآن نیز در قیامت حافظ و نگهبان او خواهد بود.[1]

از این‌رو، ما می‌خواهیم به پیشگاه این کتاب الهی برویم و برنامه‌ی زندگی خود را از آن بگیریم؛ و این روشی است که در سراسر این کتاب دنبال خواهد شد.

۱ــ اصول کافی، ج۴، صفحه‌ی ۴۰۵، انتشارات گل گشت

قرائت

این آیات شریفه را به دقّت و زیبا بخوانید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

قَد جاءَکُم مِنَ اللّٰهِ	....
نورٌ وَ کِتابٌ مُبینٌ	....
یَهدی بِهِ اللّٰهُ	خدا به‌وسیله‌ی آن هر کس که
مَنِ اتَّبَعَ رِضوانَه سُبُلَ السَّلامِ	رضایت او را بجوید به راه‌های سلامت هدایت می‌کند.
وَ یُخرِجُهُم مِنَ الظُّلُماتِ	....
اِلَی النّورِ بِاِذنِه	....
وَ یَهدیهِم اِلیٰ صِراطٍ مُستَقیمٍ	....

مائده، ۱۵ و ۱۶

هٰذا بَیانٌ لِلنّاسِ	....
وَ هُدًی وَ مَوعِظَةٌ لِلمُتَّقینَ	....

آل‌عمران، ۱۳۸

وَ نَزَّلنا عَلَیکَ الکِتابَ	....
تِبیانًا لِکُلِّ شَیءٍ	....

وَ هُدًی وَ رَحـمَـةً وَ بُشـریٰ	....
لِلْمُسْلِمینَ	....

نَحل، ۸۹

وَ اَنـزَلْـنـا اِلَیْـكَ الذِّکْرَ	....
لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُـزِّلَ اِلَـیْـهِمْ	....
وَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرونَ	....

نحل، ۴۴

کِتابٌ اَنزَلْناهُ اِلَیْكَ	....
مُبارَکٌ	فرخنده و مبارک
لِیَدَّبَّروا ءایاتِهِ	....
وَ لِیَتَذَکَّرَ اُولُوا الْاَلْبابِ	....

ص، ۲۹

وَ اوحِیَ اِلَیَّ هٰذَا الْقُرْءانُ	....
لِاُنْذِرَکُمْ بِهِ	....
وَ مَنْ بَلَغَ	و کسی که [این پیام] به او برسد

اَنعام، ۱۹

کَما اَرسَلْنا فیکُمْ رَسولًا مِنْکُمْ	....
یَتْلو عَلَیْکُمْ ءایاتِنا	....
وَ یُزَکّیکُمْ	....
وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ	....

وَ يُعَلِّمُكُمْ ....

ما لَمْ تَكونوا تَعْلَمونَ — آنچه که شما نمی‌توانستید بیاموزید.

بقره، ۱۵۱

ترجمه

به کمک توضیحات زیر ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

لِیَدَّبَّروا : تا تدبر کنند	مُبین : روشن‌کننده
اُولُواالْاَلْبابِ : خردمندان	تِبیان : روشن‌کننده
لِتُبَیِّنَ : تا روشن کنی	یَتَذَکَّرَ : پند گیرد (ند)
نُزِّلَ : نازل شده است	کَما : همان‌طور که

تدبّر در آیات الهی

خداوند مهربان که قرآن کریم را برای راهنمایی انسان‌ها فرستاده، ما را به خواندن این کتاب و تفکر و تدبّر در آن فراخوانده است. زیرا بهره‌مندی از هدایت‌های قرآن و قدم گذاشتن در راه زندگی و مسیر سعادت جز با تفکر و ژرف‌اندیشی در آیات آن به‌دست نمی‌آید.

کلام و سخن، هرچه بلندتر و حکیمانه‌تر باشد، نیازمند دقت بیشتر و تفکر عمیق‌تر است و می‌دانیم که کلام خداوند برترین و حکیمانه‌ترین کلام‌هاست. برتری کلام خدای متعال بر دیگر سخنان مانند برتری خالق بر مخلوقات است.[۱] همان‌طور که وجود محدود، کوچک و فانی ما در برابر عظمت خدای بزرگ چیزی به‌حساب نمی‌آید، سخن بزرگ‌ترین دانشمندان نیز در برابر عظمت کلام او ناچیز و بی‌مقدار است. امّا چون این کتاب، برای هدایت همه‌ی انسان‌هاست، خداوند آن را به‌گونه‌ای نازل فرموده که هر کس متناسب با توان

۱ــ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۹

علمی و ایمان و تقوای خود می‌تواند از آن بهره ببرد و از هدایتش استفاده کند. از این‌رو تدبّر و تفکر در آن و به دست آوردن و گوهرهای معرفت و دانش از دریای بیکران آن پایانی ندارد و به آخر نمی‌رسد. کافی است گوش جان به آیات زیبای الهی دهیم و دروازه‌ی دل به روی هدایت آن بگشاییم تا وجود ما سرشار از معرفت شود و با اطمینان خاطر در راه سعادت قدم برداریم.

پیام آیات (۱)

کدام‌یک از آیات درس، ما را به دقت در قرآن کریم برای فهم بیش‌تر توصیه می‌کند؟ این توصیه با چه کلماتی بیان شده است؟

....

....

سطوح و مراحل تدبّر

تفکر در قرآن کریم از مراحل ساده و عمومی شروع می‌شود و به مراحل پیچیده و تخصصی می‌رسد. درک آیات قرآن کریم، شبیه به درک آیات و نشانه‌های الهی در خلقت است. هر انسانی وقتی به مخلوقات خداوند نگاه می‌کند و آسمان‌ها، زمین، درختان، گل‌ها، پرندگان، ماهی‌ها، حیوانات وحشی و سایر مخلوقات را می‌بیند، به اندازه‌ی توان خود درسی می‌گیرد و نکته‌ای می‌آموزد. امّا علم دقیق و درست درباره‌ی هر نوع از آفریده‌ها در اختیار دانشمندانی است که در آن موضوع درس خوانده‌اند و فیزیک‌دان، شیمی‌دان، ستاره‌شناس و... شده‌اند. این دانش تخصصی است که مبنای تدوین کتب علمی و تدریس دروس دانشگاهی است.

مرحله‌ی ساده‌ی تدبّر و تفکر در قرآن که برای هر فردی لازم و ضروری است و سبب می‌شود که هر انسانی از سفره‌ی گسترده‌ی الهی بهره‌مند شود، با مرحله‌ی تخصصی آن که «تفسیر» نامیده می‌شود و یک دانش تخصصی به‌شمار می‌آید، متفاوت است. «تفسیر» قرآن کریم نیازمند دانش‌های ویژه است که مفسران عالی مقام پس از کسب آن دانش‌ها و آشنایی عمیق با همه‌ی آیات قرآن به تفسیر می‌پردازند و حقایق و معارف عمیق قرآن را تبیین می‌کنند.

در مرحله‌ی ساده‌ی تدبّر، گاهی درک معنا و مفهوم آیه برای دستیابی به پیام آن کافی است. به‌طور مثال، هر کس معنای آیه‌ی شریفه‌ی «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ» را بداند، درمی‌یابد که خداوند واجد دو صفت «رحمان» و «رحیم» است. گاهی نیز با دقت در عبارات یک آیه و ابتدا و انتهای آن، تدبّر به نتیجه می‌رسد و پیام به‌دست می‌آید. مثلاً وقتی در عبارات آیه‌ی شریفه‌ی «وَالَّذينَ جاهَدوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ*» دقت می‌کنیم، می‌یابیم که نتیجه‌ی جهاد و تلاش برای خدا آن است که او راه را نشان دهد و مسیر زندگی به‌درستی طی شود. گاهی دقت از این هم بیشتر می‌شود و نیازمند کشف ارتباط میان چند آیه و یافتن پیام میان آن‌هاست.

پس هر قدر تفکر عمیق‌تر و تدبّر در آیات بیشتر شود، پیام‌های بیشتر با سطوح و لایه‌های عمیق‌تری از قرآن کریم به‌دست می‌آید.

ابزار تدبّر و روش‌های آن

«عقل»، ابزاری است که خداوند به ما عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و به حقایق پی‌ببریم، خوبی‌ها را از بدی‌ها بازشناسیم. دانایی، نتیجه‌ی بهره‌مندی از قوه‌ی عقل و خردورزی است. اگر می‌خواهیم پیام‌های قرآن را دریابیم تا زندگی را براساس آن‌ها بنا کنیم، باید عقل خود را به کار گیریم و با «تفکّر»، «تدبّر» و هم‌چنین با «تعلّم» به این حقایق دست یابیم. البته همواره از خدای رحمان می‌خواهیم در این راه ما را یاری دهد و از هدایت‌هایش بهره‌مند فرماید.

پیام آیات (۲)

در آیات درس بیندیشید و ببینید کدام یک از آیات، ما را به این ابزار راهنمایی می‌کند.

....

....

* عنکبوت، آیه‌ی ۶۹

روش‌های تدبّر به ما کمک می‌کنند که سریع‌تر و آسان‌تر پیام‌های آیات را دریابیم و ارتباط میان بخش‌های مختلف یک آیه یا آیات را درک کنیم. این روش‌ها به تدریج در درس‌های آینده به کار گرفته خواهد شد و اکنون نیز نمونه‌هایی از آن را تمرین می‌کنیم.

پیام آیات (۳)

با تدبّر در آیات درس، پیرامون سؤالات زیر بیندیشید و پاسخ مناسب را بنویسید؛ در پاسخ خود شماره‌ی آیات مورد استفاده را ذکر کنید.

۱ـ هدف از نزول قرآن کریم چیست؟

پاسخ: بنابر آیه‌ی ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی مائده، هدایت انسان‌ها هدف اصلی نزول قرآن بوده است.

۲ـ با داشتن چه ویژگی‌هایی می‌توان از هدایت قرآن کریم بهره‌مند شد؟

۳ـ ثمرات و نتایج هدایت قرآن کریم چیست؟

۱ـ .... ۲ـ ....

۳ـ .... ۴ـ ....

۵ـ .... ۶ـ ....

۷ـ .... ۸ـ ....

۴ــ محدوده‌ی تاریخی و جغرافیایی هدایت قرآن کریم چقدر است؟

از نظر تاریخی: ....

....

از نظر جغرافیایی: ....

....

برترین معلّم قرآن کریم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اوّلین و برترین معلّم و راهنمای ما برای تفکّر در این کتاب است. آیات قرآن کریم بر قلب مبارک ایشان نازل شده و خدای متعال، ظاهر و باطن آن را به ایشان آموخته است.

پیام آیات

کدام یک از آیات درس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان معلّم قرآن کریم معرفی می‌کند؟

آن بزرگوار هم روش تفکّر در قرآن را به ما آموخته است، هم به سؤال‌های مردم درباره‌ی آیات پاسخ داده است و هم چگونگی عمل به احکامی را که در قرآن آمده، به ما نشان داده است. به طور مثال، اگر خداوند، مسلمانان را به اقامه‌ی نماز فرمان داده، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چگونگی انجام آن را یاد داده است.

بیشتر بدانیم

رسول گرامی اسلام، تعلیم قرآن کریم را پس از خودشان به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام واگذار کردند و در حدیث مشهور «ثقلین» همه‌ی مؤمنان را به تمسّک از قرآن کریم و عترت گرامی خود که حاملان علوم الهی و حافظان اصلی قرآن هستند، دعوت نمودند و جدایی ناپذیری قرآن و عترت را یادآور شدند. در موارد متعددی نیز از فضائل علمی امیرمؤمنان سخن گفتند و ایشان را دروازه‌ی شهر علم خود معرفی کردند.

آداب قرائت و تدبّر قرآن کریم

از آن‌جا که این کتاب، کلام الهی است و هیچ کلامی با آن قابل مقایسه نمی‌باشد. بنابراین شایسته است با آدابی خاص و شرایطی ویژه در پیشگاه آن حضور یابیم و به تفکّر در آن بپردازیم.

رعایت ادب در پیشگاه قرآن نشان از آن است که :

۱ــ عظمت خداوند و ارزشمندی کلام او را درک می‌کنیم.

۲ــ به خداوند و کلام او محبت و علاقه‌ی قلبی داریم.

به همین جهت واجب است هنگام گذاردن دست روی آیات قرآن وضو داشته باشیم.[۱] هم‌چنین شایسته است :

۱ــ هنگامی که قرآن خوانده می‌شود گوش فرادهیم و ساکت باشیم.[۲]

۲ــ وقتی می‌خواهیم قرآن بخوانیم، ابتدا «اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ» بگوییم.[۳]

۳ــ هنگام قرائت قرآن وضو داشته باشیم.

۴ــ هنگام قرائت و تدبّر در قرآن، با احترام در مقابل آن بنشینیم.

۵ــ قرآن کریم را روی زمین نگذاریم و در سطحی بلندتر مانند «رحل» یا «میز» قرار دهیم.

۶ــ روزانه قدری از آیات آن را قرائت کنیم و پس از درک معنای آیات در آن‌ها تفکّر کنیم.

۷ــ با معانی و مفاهیم آن آشنا شویم تا بتوانیم با آن انس بگیریم.

۱ــ سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۷۹ ۲ــ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۰۴ ۳ــ سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۸

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ استخراج پیام آیه: روی تعدادی از آیات تأمّل کردیم و پیام اصلی آن‌ها را به دست آوردیم.

۲ــ دریافت پاسخ از آیات: تعدادی سؤال طرح شد و پاسخ آن‌ها را با تأمّل در آیات استخراج کردیم. مثلاً سؤال شد که «محدوده‌ی تاریخی و جغرافیایی هدایت قرآن کریم چقدر است؟» که پاسخ آن با مراجعه به آیات درس داده شد. گاهی به سؤالات دیگران درباره‌ی آیات پاسخ می‌دهیم و یا با استفاده از منابع معتبر پاسخ را جویا می‌شویم؛ و گاهی نیز خودمان درباره‌ی آیه، سؤالی طرح می‌کنیم.

۳ــ ارتباط برقرار کردن میان چند آیه: با ایجاد ارتباط میان عبارات یک آیه یا چند آیه‌ی درس، ثمرات و نتایج تدبّر در قرآن را به دست آوردیم.

بیشتر بدانیم

در سال ۱۸۷۱ میلادی گلادِسْتون وزیر خارجه‌ی انگلستان در مجلس آن کشور در حال نطق، قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان را بلند کرد و گفت: «تا نام محمد ﷺ بر فراز مناره‌ها بلند است و تا کعبه پابرجاست و تا قرآن کتاب راهنمای مسلمین است، امکان ندارد سیاست ما در سرزمین‌های اسلامی پیش‌رود و پا برجا بماند.»[۱] «همفر» جاسوس مشهور انگلیسی نیز در همان سال‌ها گفته بود: «مسلمانان ارزش بسیاری برای قرآن و حدیث قائل هستند و از نظر آنان پیروی از قرآن و حدیث موجب بهشت و ثواب است. لازم است پیرامون قرآن اشکال تراشی کرد، به این بهانه که در آن کم و زیاد شده است و نیز لازم است آیاتی از قرآن را که علیه یهود و مسیحیت و کفار است، از آن حذف کنیم.[۲]»

در آن روز، انگلستان خود را بریتانیای کبیر می‌نامید و بسیاری از کشورهای اسلامی را در اشغال و سلطه‌ی خود داشت و در حال مبارزه با مسلمانانی بود که متوجه عقب ماندگی خود شده بودند و می‌خواستند مستقل زندگی کنند. در آن سال‌ها برخی از اندیشمندان اسلامی، مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی علت عقب‌ماندگی مسلمانان را

۱ــ تاریخ سیاسی ایران، ج۱، ص ۱۸۶ ــ ایدئولوژی و فرهنگ اسلام از دیدگاه ژول لابوم، ص ۱۶

۲ــ خاطرات سیاسی تاریخی مستر همفر در کشورهای اسلامی، محمدباقر حسینی، ص ۶۰

پشت کردن به تعالیم تمدن‌ساز قرآن کریم دانستند و مسلمانان را به تفکّر در این کتاب دعوت کردند. نتیجه‌ی این دعوت موجی از بیدارگری بود که جهان اسلام را فراگرفت و مبارزه با استعمارگران را به دنبال داشت. استعمارگران که منشأ اصلی بیدارگری را شناخته بودند، از همان زمان تصمیم گرفتند با این کتاب مقدس به شکل‌های گوناگونی مبارزه کنند و این مبارزه تا به امروز ادامه دارد. نوشتن کتاب «آیات شیطانی»، چاپ کاریکاتورهای زننده در روزنامه‌ی دانمارکی «یولندپستن» در سال ۲۰۰۵ و پس از آن، در برخی روزنامه‌های اروپایی دیگر، ساخت فیلم‌های فراوانی بر ضد پیامبر اکرم ﷺ و قرآن، مانند فیلم فتنه که توسط نماینده پارلمان هلند تهیه شد، ساخت بازی‌های ضداسلامی، ساختن مذاهب دروغین، برپایی مسابقات نقاشی برای مسخره‌کردن آیین اسلام و پیامبر گرامی ما در سال ۲۰۰۸، نمونه‌هایی از این مبارزه‌ی فرهنگی است.

راستی وظیفه‌ی ما چیست؟ آیا غیرت و عزت ما، عقل و خردمندی ما به ما اجازه می‌دهد دست روی دست بگذاریم و آنان فضای تبلیغاتی از قبیل اینترنت، رسانه‌ها و فیلم‌های سینمایی را در اختیار بگیرند و علیه پیامبر گرامی ما و قرآن ما به هر کار زشتی دست بزنند؟ آیا هر یک از ما نمی‌توانیم به اندازه‌ی توانایی علمی و با همت بلند خود وارد عمل شویم و رسالت و مسئولیت خود را نسبت به کتاب آسمانی‌مان انجام دهیم؟

البته بزرگ‌ترین مبارزه با مستکبرین جهان، آن است که خواندن و تفکر در قرآن کریم را از اصلی‌ترین برنامه‌های زندگی خود قرار دهیم و بکوشیم که به راهنمایی‌هایش عمل کنیم و نگذاریم که این کتاب آسمانی از صحنه‌ی زندگی اجتماعی ما خارج گردد.

بیشتر بدانیم

امام صادق علیه‌السلام، هرگاه قرآن کریم را به دست می‌گرفتند و باز می‌کردند که بخوانند، ابتدا این دعا را می‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّ هٰذا كِتابُكَ	خدایا! گواهی می‌دهم که این، کتاب
اَلْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلٰی رَسولِكَ	توست، فرود آمده از پیشگاه تو بر
مُحَمَّدِبْنِ عَبْدِاللّٰهِ وَ كَلامُكَ النّاطِقُ	فرستاده‌ات محمدبن عبدالله ﷺ و کلام
عَلٰی لِسانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ هادِيًا	گویای تو بر زبان پیام آورت؛ کلامی که

مِنْكَ اِلٰی خَلْقِكَ وَ حَبْلًا مُتَّصِلًا فیما بَیْنَكَ وَ بَیْنَ عِبادِكَ.	آن را از جانب خود راهنمای بر مردم و ریسمانی پیوسته میان خود و بندگانت قراردادی.
اَللّٰهُمَّ اِنّی نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَ کِتابَكَ.	خدایا! پیمان تو و کتاب تو را گشودم.
اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَری فیهِ عِبادَةً وَ قِرائَتی فیهِ فِکْرًا وَ فِکْری فیهِ اعْتِبارًا، وَاجْعَلْنی مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَیانِ مَواعِظِكَ فیهِ وَاجْتَنَبَ مَعاصیكَ	خدای من! نظر کردنم در این کتاب را عبادت، خواندنم را فکر، و تفکّر در آن را با عبرت‌آموزی قرین ساز. مرا از آنانی بگردان که از بیان موعظه‌های تو در قرآن، پند می‌گیرند و از نافرمانیت دوری می‌کنند.
وَ لاتَطْبَعْ عِنْدَ قِرائَتی عَلٰی سَمْعی وَ لاتَجْعَلْ عَلٰی بَصَری غِشاوَةً	خدایا! در آن هنگام که قرآن می‌خوانم بر شنواییم مُهرمزن و بر بیناییم پرده میفکن.
وَ لاتَجْعَلْ قِرائَتی قِراءَةً لاتَدَبُّرَ فیها بَلِ اجْعَلْنی اَتَدَبَّرُ ءایاتِهٖ وَاَحْکامَهٗ ءاخِذًا بِشَرایِعِ دینِكَ	خواندنم را خواندنی تهی از تدبّر قرار مده، بلکه مرا آن گونه بگردان که در آیات و احکام قرآن بیندیشم و قوانین دین تو را برگزینم.
وَلاتَجْعَلْ نَظَری فیهِ غَفْلَةً وَ لاقِرائَتی هَذرًا اِنَّكَ اَنْتَ الرَّئوفُ الرَّحیمُ.[1]	[ای خدای من]، نگاهم در قرآن را نگاهی از سر غفلت و خواندنم را خواندنی بیهوده و باطل قرار مده، خدایا تویی رئوف و مهربان!

چرا امام صادق علیه‌السلام خواندنی را که در آن تفکّر و تدبّر نباشد، نمی‌پسندد و از خدا می‌خواهد که او را گرفتار چنین خواندنی نکند؟

امام، خود دلیل آن را بیان فرموده است ؛ دعا را مطالعه کنید و آن دلیل را بیابید.

رفتار ما مسلمانان در هنگام خواندن قرآن چگونه است؟ شما، خود چگونه هستید؟ اکنون، پس از مطالعه‌ی این دعا چه تصمیمی دارید؟

می‌دانید اگر امروز از یک حداقل شروع کنید، فرداها چه اتفاق زیبایی خواهد افتاد؟

۱ــ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۷

گام نخست

برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از قرآن کریم

قرآن کریم، کتاب زندگی و راهنمای ما به سوی خوشبختی است ؛ هدیه‌ای بزرگ از جانب خداست تا ما راه خود را بیابیم و مسیر رستگاری را بپوییم.

ای خدای مهربان! می‌کوشیم با بهره‌مندی از راهنمایی‌های کتاب تو و پیروی از پیشوایان معصومی که برای ما انتخاب کرده‌ای، هدفی را که تو برای ما برگزیده و راهی را که تو به ما نشان داده‌ای، بیابیم و با پیمودن آن خوشبختی و سعادت را در آغوش گیریم.

خدایا! تو یار و پشتیبان ما باش.

درس دوم

انتخاب بزرگ

حضرت ابراهیم علیه‌السلام یکی از پیامبران بزرگ الهی است که سرگذشت ایشان در چند سوره از سوره‌های قرآن کریم آمده است. یکی از این سوره‌ها داستان انتخاب بزرگ حضرت ابراهیم علیه‌السلام را حکایت می‌کند.

کتاب الهی را می‌گشاییم، آیات شریفه‌ی آن را قرائت می‌کنیم و در آن‌ها می‌اندیشیم تا بدانیم :

۱ــ انتخاب بزرگ حضرت ابراهیم علیه‌السلام چه بود؟

۲ــ ایشان بر چه معیاری انتخاب خود را انجام داده است؟

قرائت

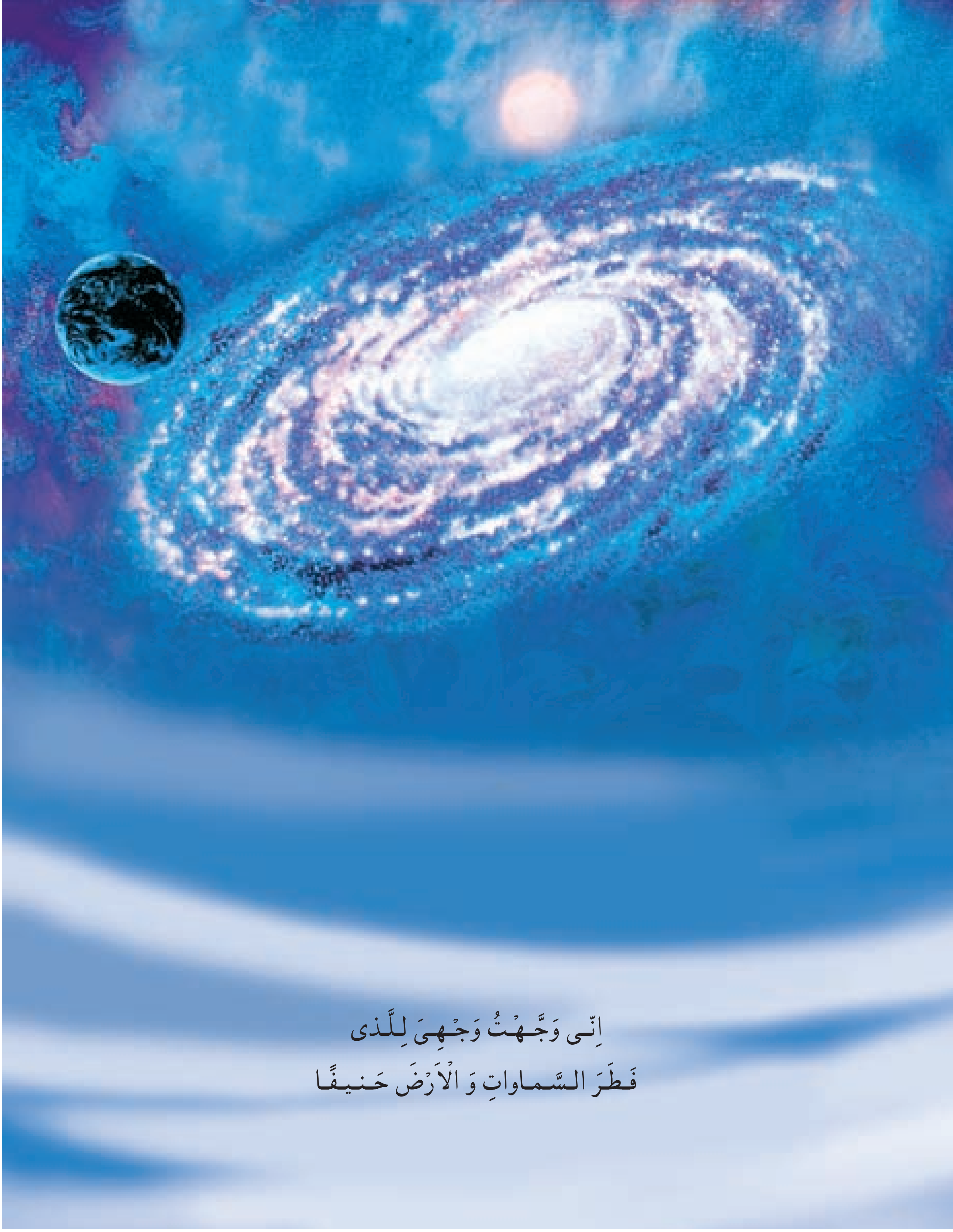
آیات ۷۴ تا ۸۰ سوره‌ی انعام را به دقّت و زیبا بخوانید.

اَعـوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّـيْطانِ الرَّجيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

وَ اِذْ قالَ اِبْراهيمُ لِاَبيهِ ءازَرَ	....
اَتَتَّخِذُ اَصْنامًا ءالِهَةً	آیا بتان را به خدایی می‌گیری؟
اِنّی اَراكَ وَ قَوْمَكَ	....
فی ضَلالٍ مُبينٍ ۷۴	....
وَ كَذٰلِكَ نُری اِبْراهيمَ	و این چنین به ابراهیم نمایاندیم
مَلَكوتَ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ	....
وَ لِيَكونَ مِنَ الْموقِنينَ ۷۵	....
فَلَمّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ	چون شب بر او پرده افکند
رَاٰی كَوْكَبًا	....
قالَ هٰذا رَبّی	....
فَلَمّا اَفَلَ	....
قالَ لا اُحِبُّ الْاٰفِلينَ ۷۶	....
فَلَمّا رَاَی الْقَمَرَ بازِغًا	....
قالَ هٰذا رَبّی	....

فَلَمّا اَفَلَ	....
قالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنى رَبّى	گفت اگر پروردگارم مرا هدایت نکند
لَاَكونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضّالّينَ	قطعاً از گروه گمراهان خواهم بود.
۷۷	
فَلَمّا رَاَى الشَّمْسَ بازِغَةً	....
قالَ هٰذا رَبّى	....
هٰذا اَكْبَرُ	....
فَلَمّا اَفَلَتْ	....
قالَ يا قَوْمِ اِنّى بَرىءٌ	گفت ای مردم! من بیزارم
مِمّا تُشْرِكونَ	....
۷۸	
اِنّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ	به راستی من روی آوردم
لِلَّذى فَطَرَالسَّماواتِ وَالْاَرْضَ	....
حَنيفًا	حق‌گرایانه
وَ ما اَنا مِنَ الْمُشْرِكينَ	....
۷۹	
وَ حاجَّهُ قَوْمُهُ	و قومش با وی ستیزه کردند.
قالَ اَتُحاجّونّى فِى اللّٰهِ	گفت آیا با من درباره‌ی خدا ستیزه می‌کنید؟
وَ قَدْ هَدانِ	....
وَ لا اَخافُ ما تُشْرِكونَ بِهِ	....
اِلّا اَنْ يَشاءَ رَبّى شَيْئًا	....
وَسِعَ رَبّى كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا	دانش پروردگار من همه چیز را فرا گرفته است.
اَفَلا تَتَذَكَّرونَ	....
۸۰	



اِنّـی وَجَّـهْتُ وَجْـهِـیَ لِـلَّذی
فَـطَـرَ الـسَّـمـاواتِ وَ الْاَرْضَ حَـنـیـفًا

ترجمه

به کمک توضیحات زیر ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

اَراكَ (اَرىٰ + كَ) : تو را می‌بینم
لِيَكونَ : تا باشد
بازِغًا، بازِغَةً : درخشان
فَطَرَ : پدید آورد
اَفَلَ : افول کرد، ناپدید شد

تُشْرِكونَ : شریک (برای خدا) قرار می‌دهید
لِلَّذی: لِـ + الَّذی
هَدانِ : هَدانی : هَدىٰ + نـ + ی : هدایت کرد مرا
اَخافُ : می‌ترسم

پیام آیات

با تفکر در آیات، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ـ چرا چیزهایی مانند ماه، ستاره و خورشید لایق پرستش نیستند؟

....

....

۲ـ حضرت ابراهیم علیه‌السلام کدام جهت را برای زندگی خود برگزید؟

....

....

۳ـ چرا حضرت ابراهیم این جهت را انتخاب کرد؟ چه دلیلی بر درستی کار خود آورد؟

....

....

تفکّری در خویش

هر انسانی همواره در حال انتخاب است. امّا نوجوانی را باید آغاز انتخاب‌های زندگی دانست. نوجوانی حضرت ابراهیم علیه‌السلام با یک انتخاب بزرگ آغاز شد. او از سرپرست خود «آزر» جدا شد تا بتواند یکتاپرست بماند و مردم را به یکتاپرستی بخواند. شما نیز حتماً با این‌گونه انتخاب‌ها روبرو شده و به اهمیت آن پی‌برده‌اید؛ به‌ویژه اگر این انتخاب درباره‌ی مهم‌ترین مسائل زندگی باشد. همه‌ی ما زندگی را دوست داریم و خوشبختی خود را در آن جست‌وجو می‌کنیم. موفّقیّت ما در این جست‌وجو با تفکّر درباره‌ی خود گره خورده است؛ همان‌طور که حضرت ابراهیم علیه‌السلام با اندیشه و تفکّر و با استعانت از هدایت الهی بهترین انتخاب را کرد.

راستی آیا انتخاب حضرت ابراهیم علیه‌السلام ریشه در وجود هر یک از ما ندارد؟

آیا هر انسانی اگر صادقانه با خود بیندیشد و خود را به جای آن انسان بزرگ بگذارد، به همان انتخاب نخواهد رسید؟

اندکی در خود نگر تا کیستی — از کجایی در کجایی چیستی

برای رسیدن به پاسخ این سؤال‌ها، دو گام برای تأمّل و تفکّر در احوال خویش برمی‌داریم:

گام اوّل: هر انسانی، میل و استعداد رسیدن به کمالات و خوبی‌هایی را دارد و به میزانی که به آن‌ها می‌رسد، احساس خرسندی و نشاط می‌کند. علم، ادب، شجاعت، عزّت و کرامت از این قبیل کمالات‌اند. یک دانشمند با رسیدن به یک حقیقت علمی یا حلّ مسئله‌ای پیچیده لذّت می‌برد و انسان شجاع از شجاعت خود احساس رضایت می‌کند. هر انسانی این کمالات و زیبایی‌ها را دوست دارد و برای رسیدن به آن‌ها در تلاش است. گویا انگیزه‌ای درونی آدمیان را به سوی آن خوبی‌ها می‌کشاند و به پیش می‌راند.

نام‌گذاری

شما چه نامی برای این میل و گرایش می‌گذارید؟

گام دوّم: بیایید استعدادهای انسانی را با استعدادهای نهفته در گیاهان و حیوانات مقایسه کنیم. اگر بتوانیم از یک گیاه یا حیوان بپرسیم که: «دوست داری به کجا برسی؟» یک یا چند پاسخ

محدود به ما می‌دهد. مثلاً دانه‌ی گندم می‌خواهد بوته‌ای با ده‌ها دانه شود، نهال کوچک خرما در آرزوی رشدکردن و رسیدن به نخل تنومندی است که رطب‌های آن کام دیگران را شیرین کند. حیوانات نیز، هر یک به نوبه‌ی خود، آرزوهایی دارند ؛ از بچه شیر پرجنب‌وجوش جنگل گرفته تا جوجه‌ای که تازه به دنیا آمده است. در هر حال، گیاه و حیوان در محدوده‌ی خاصی استعداد رشد و کمال دارند. امّا استعدادهای انسان بسیار متنوع و گسترده است و استعدادهایی فراتر از موجودات دیگر دارد. او می‌تواند چون گل با طراوت، چون آهو چالاک، چون نسیم لطیف و چون صخره با صلابت باشد.

علاوه بر این، حیوانات و گیاهان وقتی به سرحدّی از رشد و کمال رسیدند متوقف می‌شوند، چنان که گویی راهشان پایان‌یافته و دیگر آرزویی ندارند. امّا انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت‌طلب است و عطش او در دست‌یابی به خواسته‌هایش نه تنها سیراب نمی‌شود، بلکه روز به روز افزوده می‌گردد. او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد و تمام نمی‌شود.

نام‌گذاری

الف: برای این دو ویژگی انسان چه نامی انتخاب می‌کنید؟

۱ــ ....

۲ــ ....

ب: جمله‌ی حضرت ابراهیم علیه‌السلام به ستاره‌پرستان بیانگر کدام یک از این ویژگی‌هاست؟

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

دریافت پاسخ از آیات: به‌طور مثال سؤال «حضرت ابراهیم علیه‌السلام کدام جهت را برای زندگی برگزید» طرح شد و پاسخ آن از آیه‌ی .... سوره‌ی .... به دست آمد.

این شیوه‌ی تدبّر در قرآن کریم، نیازمند پرورش عقل و اندیشه و راهنمایی معلمان و اساتید معارف اسلامی است. قرآن کریم سرشار از استدلال‌های محکم و استوار است که با روشی کاملاً منطقی و در عین حال، ساده بیان شده‌اند. انس با این کتاب آسمانی هم سبب می‌شود که بتوانیم این استدلال‌ها را بهتر و بیش‌تر بیابیم و هم به رشد تعقّل ما کمک می‌کند.

پیشنهاد

۱ــ این داستان را به‌صورت یک نمایش‌نامه بنویسید و آن‌را در کلاس اجرا کنید.

۲ــ داستان زندگی حضرت ابراهیم علیه‌السلام را در کتاب‌هایی که قصّه‌های قرآن را ذکر کرده‌اند، مطالعه کنید و در کلاس حکایت کنید. برای این منظور می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

الف ــ قصّه‌ی پیامبران، از مصطفی زمانی

ب ــ داستان پیامبران، از علی موسوی گرمارودی

۳ــ صحنه‌ای از داستان زندگی حضرت ابراهیم علیه‌السلام را که برای شما جذاب‌تر بوده، به تصویر در آورید.

۴ــ حل مسأله:

برخی معتقدند که:

«جوان تنوع‌طلب است و آن‌هایی که مانع تنوع‌طلبی او می‌شوند، جوان را درک نمی‌کنند. همین تنوع‌طلبی سبب می‌شود که جوانان به دنبال مد بروند و کسانی که با مد مخالفت می‌کنند، تنوع‌طلبی جوان را درک نمی‌کنند.

استفاده‌ی جوان از هر نوع مد لباس و مو و هر نوع فیلم و موسیقی و داخل‌شدن در هر گروه اجتماعی چه خوب و چه بد خاصیت دوران جوانی است؛ اگر بگذاریم جوان جوانیش را بکند، بعد از گذشت دوره‌ی جوانی، خودش آرام می‌گیرد و زندگی معمولی و همسان دیگران را دنبال می‌کند.»

چنین کسانی با پرسش‌های زیر روبرو هستند که باید بدان پاسخ دهند:

۱ــ آیا این‌گونه تنوع‌طلبی جوان را برای رسیدن به آن انتخاب بزرگ یاری می‌کند؟

۲ــ آیا جوان توانایی آن را ندارد که هر نوع مد را با هدف اصلی زندگی خود مطابقت دهد و سپس استفاده کند؟

۳ــ آیا این عقیده بدان معنا نیست که جوان هنوز به قدرت تفکّر و تشخیص نرسیده و بیش‌تر از احساساتش تبعیت می‌کند؟

۴ــ آیا تنوع‌طلبی که ریشه در روح بی‌نهایت طلب انسان دارد، وقتی در این قبیل امور به کار رود، انسان را از هدف‌های اصلی غافل نمی‌کند؟

۵ــ آیا نمی‌توان در انتخاب مُد معیار و میزانی تعیین کرد؟ آن معیار و میزان کدام است؟

۶ــ آیا پیش از انتخاب هر مد بهتر نیست منشأ پیدایش آن را شناخت؟

با دوستان خود درباره‌ی این مسأله بیندیشید و نظر خود را ارائه دهید.

درس سوم

کدامین هدف؟

با اندیشه در آیات قرآن کریم، آموختیم که انسان موجودی بی‌نهایت طلب است. او به دنبال هدف‌هایی است که پایان نیابد و تمام نشود.

اما وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با دنیای حیرت‌انگیزی مواجه می‌شویم ؛ چنان اختلافی در هدف‌ها وجود دارد که ابتدا سردرگم می‌شویم که : راستی ؛ کدام انتخاب درست است؟ کسانی به دنبال پول و ثروت‌اند، برخی دل به کشف اسرار جهان سپرده‌اند، برخی به دنبال جاه و مقامند، یکی به هنرمندی و نقش‌آفرینی در عرصه‌های هنری می‌اندیشد و دیگری در آرزوی قهرمانی در ورزش پیوسته می‌کوشد و … .

منشأ این اختلاف‌ها چیست؟ چرا یکی به این دلبستگی دارد، دیگری به آن؟

آیا معیاری برای داوری وجود دارد؟

آیا می‌توان هدف‌ها را رتبه‌بندی کرد؟

انتخاب هدف زندگی، مهم‌ترین انتخاب هر انسانی است. این انتخاب است که به تمام برنامه‌های ما جهت می‌دهد و رنگ و بوی خاصی به آن می‌بخشد. از این‌رو لازم است بار دیگر درقرآن کریم تفکّر کنیم و از راهنمایی خداوند بهره ببریم تا هدف و جهت زندگی خود را به‌دست آوریم.

قرائت

این آیات را به دقّت و زیبا بخوانید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

مَن کانَ یُریدُ الْعاجِلَةَ	....
عَجَّلْنا لَه، فیها ما نَشاءُ	آن مقدار از آن را که بخواهیم به او می‌دهیم
لِمَنْ نُریدُ	....
ثُمَّ جَعَلْنا لَه، جَهَنَّمَ	....
یَصلاها مَذْمومًا مَدْحورًا	تا با خواری و سرافکندگی در آن وارد شود.
وَ مَنْ اَرادَ الْآخِرَةَ	....
وَ سَعیٰ لَها سَعْیَها	....
وَ هُوَ مُؤْمِنٌ	....
فَاُولٰئِكَ کانَ سَعْیُهُمْ مَشْکورًا	....

اِسراء، ۱۸ و ۱۹

فَمِنَ النّاسِ مَنْ یَقولُ	....
رَبَّنا ءاتِنا فِی الدُّنیا	....
وَ ما لَه، فِی الْآخِرَةِ مِنْ خَلاقٍ	و او را در آخرت بهره‌ای نیست.

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقولُ ....

رَبَّنا ءاتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً ....

وَ فِی الْأٰخِرَةِ حَسَنَةً ....

وَ قِنا عَذابَ النّارِ ....

اُولٰئِكَ لَهُمْ نَصیبٌ مِمّا كَسَبوا اينان از آن‌چه كرده‌اند بهره‌ای دارند

وَ اللّٰهُ سَریعُ الْحِسابِ ....

بقره، ۲۰۰ تا ۲۰۲

وَ ما اوتیتُمْ مِنْ شَیْءٍ آن‌چه به شما داده شده،

فَمَتاعُ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ زینَتُها كالای زندگی دنيا و آرايش آن است.

وَ ما عِنْدَ اللّٰهِ خَیْرٌ وَ اَبْقیٰ ....

اَفَلا تَعْقِلونَ ....

قَصص، ۶۰

اِنّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ ....

اِمّا شاكِرًا وَ اِمّا كَفورًا ....

انسان، ۳

كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ رَهینَةٌ هر كس در گرو كاری است كه كرده است.

مُدَّثِّر، ۳۸

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

نُـریـدُ : می‌خواهیم　　　ءاتِـنـا : به ما ببخش، به ما بده
الْـعـاجِـلَـة : امر زودگذر، دنیا　　　سَـعٰـی : سعی کرد، تلاش کرد
کَـفـور : ناسپاس

هشدار

یکی از تفاوت‌های انسان با گیاهان و حیوانات، در نحوه‌ی رسیدن به کمالات و شکوفایی استعدادهاست. استعدادهای گیاهان به‌طور طبیعی و استعدادهای حیوانات به نحو غریزی شکوفا می‌شوند. اما نهال وجود انسان، صرف‌نظر از برخی جنبه‌های جسمانی او، به دست خودش رشد می‌کند. خداوند نعمت‌های زیادی به انسان بخشیده است، که از میان آن‌ها باید به «قدرت تفکّر» و «قدرت انتخاب» اشاره کرد. انسان با استفاده از «قدرت تفکّر» خوبی‌ها و راه‌های رسیدن به آن‌ها را می‌شناسد و چون «قدرت انتخاب» دارد، می‌تواند آن خوبی‌ها را برگزیند و راه رسیدن به سعادت را بپیماید. به همین جهت است که خداوند انسان را به روشی متفاوت از گیاهان و حیوان‌ها هدایت کرده است ؛ به این صورت که راه رسیدن به خوشبختی را به او نشان داده تا خود آن را بشناسد و با اراده‌ی خود آن را برگزیند. بنابراین، انتخاب ماست که سرنوشت ما را می‌سازد، خوشبختی یا سیه روزی ما در گرو همین تصمیم‌گیری است. تصمیمی به این اهمیت و بزرگی بر دوش ماست ؛ تصمیمی که از آن نمی‌توان شانه خالی کرد و از عواقب آن نیز نمی‌توان فرار نمود.

پس با این انتخاب مهم چگونه روبرو شویم؟ آیا می‌توان آن را جدی نگرفت و غافل و بی‌توجه از کنار آن گذشت؟ آیا نباید همواره در این‌باره فکر کرد، از خدای خود کمک خواست و عقل خود را به کار گرفت تا به بهترین هدف دل ببندیم و در راه رسیدن به آن عمر خود را صرف کنیم؟

پیام آیات (۱)

کدام یک از آیات ابتدای درس، مسئولیت ما را در این تصمیم‌گیری تذکر می‌دهند؟ پیام‌های این آیات را بنویسید.

آیات ....

پیام‌ها: ۱ـ ....

۲ـ ....

۳ـ ....

جمع آوری اطلاعات

۱ـ با تأمّل در حالات دوستان و اطرافیان و شنیده‌هایتان از احوال دیگران، فهرستی از دل‌بستگی‌های مختلف تهیه کنید.

۲ـ دل‌بستگی‌های نزدیک به هم را کنار هم بنویسید و بدین ترتیب آن‌ها را دسته‌بندی نمایید و برای هر دسته نامی انتخاب کنید.

تفاوت بینش‌ها، منشأ تفاوت در هدف‌ها و دل‌بستگی‌ها

همان‌طور که گفتیم، استعدادهای انسان بسیار متفاوت و متنوع است و معمولاً افراد به یک یا چند مورد خاص از این استعدادها، اهمیت بیش‌تر می‌دهند. این اختلاف، ریشه در اندیشه و تفکّر انسان‌ها دارد.

هر کس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی خاص می‌رود. اگر بینش‌ها مختلف باشند، هدف‌ها و دل‌بستگی‌ها نیز مختلف می‌شوند. اگر کسی چنین بیندیشد که محبت به دیگران ارزشمند است، می‌کوشد به دیگران محبت کند. کسی هم که فکر می‌کند برتر از دیگران است، همواره منتظر است که دیگران در خدمت او باشند. اگر کسی مقاصد کوچک در نظرش مهم جلوه کنند، به سوی همان مقاصد می‌رود و آن کسی که کمالات و خوبی‌های متعالی و بزرگ انسان را شناخته، به آن‌ها دل می‌بندد و برای رسیدن به آن‌ها می‌کوشد. «آدم‌های بزرگ مقاصد بزرگ دارند،

زود به پایان نمی‌رسند و تمام نمی‌شوند.»[1]

معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

بنابراین برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل‌بستن به آن‌ها نیازمند معیار و ملاک هستیم؛ معیاری که بتوانیم به وسیله‌ی آن ارزش هدف‌ها را مشخص کنیم و متناسب با ارزشی که دارند به آن‌ها رتبه دهیم. بدین وسیله هدف‌های زندگی را به‌درستی برخواهیم گزید و عمر خود را برای رسیدن به آن‌ها صرف خواهیم کرد. آن‌گاه عمر و زندگی ما ثمر خواهد داد و میوه‌ی رستگاری و سعادت را خواهیم چید.

خدای رحیم و مهربان که خواستار سعادت ماست، در قرآن کریم، در این مورد ما را هدایت و راهنمایی می‌کند و معیار انتخاب هدف‌های اصلی از غیر آن را مشخص فرموده و آثار و نتایج آن‌ها را نیز یادآور شده است؛ او که از همه به ما مهربان‌تر و از خودِ ما به نیازهای ما آگاه‌تر است.

۱ــ رهبر معظم انقلاب اسلامی، سال ۱۳۷۶، در دیدار با جمعی از جوانان

پیام آیات (۲)

برای رسیدن به معیارهای انتخاب، در آیات ابتدای درس تدبّر کنید و با تأمّل در آن‌ها و ارتباط دادن آن‌ها به یکدیگر، پیام‌ها را تکمیل کنید و آیاتی را که این پیام‌ها از آن‌ها استخراج می‌شوند، مشخص نمایید.	**آیات مرتبط با پیام**
۱ـ برخی هدف‌ها و دل بستگی‌ها پایان‌پذیر هستند.	....
۲ـ اگر کسی آن‌ها را به‌عنوان هدف اصلی برگزیند، ممکن است به مقداری از آن برسد.	....
۳ـ اگر کسی فقط این هدف‌ها را انتخاب کند	....
۴ـ برخی هدف‌ها پایان‌ناپذیر و همیشگی هستند.	....
۵ـ اگر کسی آن‌ها را به‌عنوان هدف اصلی برگزیند و .... به هدف خود خواهد رسید.	....
۶ـ هدف‌های پایان‌ناپذیر در تقرّب به خدا به دست می‌آید.	....
۷ـ هدف‌های پایان‌ناپذیر همان هدف‌های اخروی هستند.	....
۸ ـ هدف‌های پایان‌پذیر همان هدف‌های دنیوی هستند.	....
۹ـ اصل قرارگرفتن هدف‌های اخروی، مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شوند.	....
۱۰ـ اگر هدف‌های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدف‌های اخروی می‌شوند.	آیات ۱۸ سوره‌ی اسراء و ۲۰۰ سوره‌ی بقره

نتیجه: برنامه‌ریزی انسان بایددربرگیرنده‌ی اهداف اخروی و اهداف...... باشد و به‌گونه‌ای تنظیم شود که اهداف .... اصل قرار گیرند و هدف‌های دنیوی ...... و تابع آن‌ها باشند.

همان‌طور که می‌بینید، این‌جا سخن از هدف‌های اصلی و فرعی است، که هر دو خوب می‌باشند و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف فرعی را به‌جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن‌قدر به اهداف فرعی دل نبندیم که مانع ما در رسیدن به اهداف اصلی شوند و از رفتن به سوی کمالات بازدارند. تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیا نه‌تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا مرتکب گناه نشویم و آن‌قدر سرگرم آن‌ها نباشیم که از زیبایی‌های پایدار باز بمانیم.

تفکیک

اهداف و دل‌بستگی‌هایی را که در فعّالیت «جمع‌آوری اطلاعات» گردآورده‌اید، با توجه به آن‌چه از آیات قرآنی آموخته‌اید، تفکیک کنید.

اهداف و دل‌بستگی‌های فرعی	اهداف و دل‌بستگی‌های اصلی
۱ـ	۱ـ . . . .
۲ـ	۲ـ . . . .
۳ـ	۳ـ . . . .
۴ـ	۴ـ . . . .
۵ـ	۵ـ . . . .
۶ـ	۶ـ . . . .
۷ـ	۷ـ . . . .
۸ـ	۸ـ . . . .

طرح سؤال: اگر کسی به شما بگوید من به نقاشی یا مهندسی یا نجاری علاقه دارم و می‌خواهم آن را هدف زندگی قرار دهم، به وی چه می‌گویید؟

طبقه‌بندی

تعدادی از زیبایی‌ها و خوبی‌هایی را که همه‌ی ما آن‌ها را دوست داریم، خواستار آن‌ها هستیم و از نوع اهداف پایان‌ناپذیر هستند، مشاهده می‌کنید. این اهداف از نظر اهمیت در یک درجه نیستند؛ برخی در درجه‌ی اوّل اهمیت قرار دارند و برخی در درجات بعد. شما بر اساس نظر خود، آن‌ها را درجه‌بندی کنید و به ترتیب اهمیت، به آن‌ها شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ بدهید.

خوبی‌ها و زیبایی‌ها	درجه	خوبی‌ها و زیبایی‌ها	درجه	خوبی‌ها و زیبایی‌ها	درجه	خوبی‌ها و زیبایی‌ها	درجه
بندگی خداوند		عفو و گذشت		هنرمندی		عفاف و پاکدامنی	
خضوع درپیشگاه خدا		شجاعت		قناعت		خوشرویی با مردم	
عدالت		خشوع در پیشگاه خدا		پاکی ظاهر و باطن		پوشاندن بدی مردم	
یقین به خداوند		دشمنی با ستمگران		غلبه بر شهوت		نداشتن کینه	
عاقل بودن		خلّاقیت		خوف از عذاب خداوند		مروّت و جوانمردی	
امید به رحمت خداوند		ایثار		اقتدار در برابر مستکبران		غیرت نسبت به ناموس	
توکل بر خدا		عزّت و کرامت نفس		زیرکی و تدبیر		مدارا با مردم	
اهل کار بودن		حکمت		ستایشگری خداوند		نظم و قانون‌پذیری	
شکرگزاری خداوند		قدرت و توانایی		کم‌هزینه در زندگی		احسان به پدر و مادر	
حلم و بردباری		علم		حبّ به خداوند		حسن ظن به مردم	
احساس نیاز به خداوند		رحمت		دوستدار آبادانی		صبور و با استقامت	
اخلاص در عمل		کمک به مظلوم		غمخواری برای مردم		شکست‌ناپذیری	
تسلیم به خداوند		بلند همّتی		همراهی با مردم در مشکلات		خیرخواهی مردم	
پرمهر و عطوفت		بصیرت		صداقت با مردم		روح علمی داشتن	
صمیمی بودن با خویشان		شنوا بودن		مهمان‌نوازی		رضایت از خدا	

اندیشه و تحقیق

۱ــ پیام‌های اصلی درس را به ترتیب بنویسید.

شماره	پیام‌های اصلی درس
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....

۲ــ تنوع و گستردگی استعدادهای ما مفید است یا مضر؟ چرا؟

۳ــ چگونه می‌توان هدف زندگی را امور اخروی قرار داد، ولی در دنیا زندگی کرد و برای پیشرفت زندگی مادی و رسیدن به رفاه و آسایش کوشش نمود؟

۴ــ چرا انسان مسئول سرنوشت خویش است؟

۵ــ به نظر شما انسانِ سعادتمند کیست؟

پیشنهاد

با توجه به آموخته‌های درس، هر انسانی با سه گزینه روبروست:

۱ــ فقط هدف‌های پایان‌پذیر را انتخاب کند و به هدف‌های دیگر بی‌توجه باشد.

۲ــ فقط هدف‌های پایان‌ناپذیر را برگزینند و از هدف‌های پایان‌پذیر چشم بپوشد.

۳ــ هدف‌های پایان ناپذیر را به عنوان هدف‌های اصلی برگزینند و به هدف‌های پایان‌پذیر در حد خودشان توجه کند.

در شیوه‌ی زندگی انسان‌های پیرامون خود و نیز انسان‌های گذشته بیندیشید و نمونه‌هایی برای هر یک از این سه گزینه پیدا کنید و نتیجه‌ی انتخاب آن‌ها را توضیح دهید.

درس چهارم

برترین هدف

در درس سوم تفاوت میان دو دسته از هدف‌ها روشن شد و این فرصت با هدایت قرآن کریم برای ما فراهم گردید که بتوانیم هدف‌های اصلی زندگی خود را به درستی انتخاب کنیم و در زندگی سرگردان نباشیم.

یک سؤال اساسی دیگر باقی مانده که می‌خواهیم آن را بررسی کنیم. و آن سؤال این است :

در میان هدف‌های اصلی، برترین و کامل‌ترین هدف کدام است؟

پاسخ به این سؤال روشن می‌کند که چرا حضرت ابراهیم علیه‌السلام با خورشید و ماه و ستاره‌پرستان همراه نشد و راه دیگری را پیش گرفت و به آن انتخاب بزرگ رسید.

قرائت

این آیات را به دقّت و زیبا بخوانید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیم

اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّاهُوَ ....

لَهُ الْاَسماءُ الْحُسنیٰ ....

طه، ٨

اِنّی وَجَّهتُ وَجهِیَ لِلَّذی ....

فَطَرَ السَّماواتِ وَ الْاَرضَ حَنیفًا ....

وَ ما اَنَا مِنَ الْمُشرِکینَ ....

اَنعام، ٧٩

وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤمِنینَ وَالْمُؤمِناتِ ....

جَنّاتٍ تَجری مِن تَحتِهَا الْاَنهارُ ....

خالِدینَ فیها ....

وَ مَساکِنَ طَیِّبَةً فی جَنّاتِ عَدنٍ ....

وَ رِضوانٌ مِنَ اللّٰهِ اَکبَرُ ....

ذٰلِکَ هُوَ الْفَوزُ الْعَظیمُ ....

توبه، ٧٢

مـا عِـنْـدَكُـمْ یَـنْـفَـدُ ....

وَ مـا عِـنْـدَاللّٰـهِ بـاقٍ ....

وَلَـنَـجْـزِیَـنَّ الَّـذیـنَ صَـبَـروا اَجْـرَهُـمْ و قطعاً به کسانی که صبر پیشه کردند

بِـاَحْـسَـنِ ما کـانـوا یَـعْـمَـلـونَ مطابق بهترین اعمالشان پاداش خواهیم داد.

نحل، ۹۶

ترجمه

به کمک توضیحات زیر ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

الْـحُـسْـنٰی : نیکو، نیکوتر، بهترین رِضـوان : خشنودی، رضایت

یَـنْـفَـدُ : فانی می‌شود

غالباً این بیت زیبای مولوی را شنیده‌ایم که می‌گوید :

نام احـمـد نـام جـمـلـه انـبـیـاسـت چون که صد آمد نود هم پیش ماست[۱]

مصرع دوم این بیت را، به صورت یک ضرب‌المثل در جایی که یک چیز، جامع و در بردارنده‌ی چیزهای دیگر است، استفاده می‌کنند.

هدف‌های زندگی ما نیز این‌گونه‌اند، چه هدف‌های زودگذر و چه هدف‌های پایا و ماندگار. به طورمثال، کسی که ورزش کوهنوردی را انتخاب می‌کند، هم تندرستی و سلامت خود را تأمین می‌نماید، هم از مناظر زیبای طبیعت لذت می‌برد، هم استقامت و سخت‌کوشی خود را افزایش می‌دهد و به این سه هدف، با هم می‌رسد.

معمولاً آدم‌های زیرک و هوشمند هدف‌های خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که به قول معروف «با یک تیر چند نشان بزنند». نهال وجود ما نیز مجموعه‌ای فراوان از استعدادهای مادی و معنوی است. با توجه به دو ویژگی «متنوع بودن استعدادهای انسان» و «بی‌نهایت‌طلبی او»، اگر هدفی را که انتخاب

۱ــ مثنوی، دفتر اوّل. «احمد» نام دیگر پیامبر بزرگ ماست که در قرآن کریم آمده است. مقصود از این بیت آن است که پیامبر اکرم ﷺ برتر از همه‌ی پیامبران است و تمام کمالات آن‌ها را در خود دارد؛ به همین جهت، گویا او به تنهایی، همه‌ی پیامبران است.

می‌کنیم، بهتر بتواند پاسخگوی این دو ویژگی باشد، آن هدف، کامل‌تر است. بنابراین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه‌ی استعدادهای متنوع ما را دربر گیرد و در جایی متوقف نشود و نهال وجود ما را به درختی پربار و زیبا تبدیل کند به‌طوری که سراسر وجود ما را شادابی، بالندگی، شور و نشاط فراگیرد.

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام را ببینید! ایشان رشد و تکامل خود را زیر نظر و با تربیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز کرد و جلوه‌گاه همه‌ی کمالات و زیبایی‌ها شد. وقتی به شخصیت ایشان می‌نگرید، می‌بینید که ایشان در میدان علم و دانش، رشادت و جنگاوری، سخنوری و خطابه، مهربانی و دوستی، جوانمردی و مروّت، نیایش و عبادت، حق‌طلبی و عدالت، پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بی‌نظیر است. راستی، ایشان چه چیزی را مقصود و هدف خود قرارداده که به همه‌ی این زیبایی‌ها دست یافته است؟ بار دیگر به سراغ کتاب خدا می‌رویم تا پاسخ سؤال خود را دریابیم و با تصمیمی جدی و همتی بلند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرمؤمنان علیه‌السلام را اسوه‌ی خود قرار دهیم و قدم در مسیری بگذاریم که ابراهیم علیه‌السلام پیمود و به هدف رسید.

پیام آیات

در آیات ابتدای درس تدبّر کنید و توضیح دهید که:

۱ـ از کدام آیه می‌توان فهمید خداوند همه‌ی صفات خوب و زیبا را دارد؟ چرا؟

....

۲ـ از کدام آیه می‌توان فهمید که منبع همه‌ی صفات پایان‌ناپذیر خداست؟

چرا؟

....

۳ـ از کدام آیات می‌توان دریافت که او سرچشمه و منبع همه‌ی کمالات است؟

چرا؟

....

۴ـ از کدام آیه می‌توان دریافت که خوبی‌ها و زیبایی‌های بهشت درجات دارد؟ چرا؟

....

۵ـ چگونه می‌توان از ارتباط برقرارکردن میان آیات دریافت که بهترین و برترین هدف، نزدیکی به خداوند است؟

....

نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. چه بسا دو نفر در یک مکان در کنار هم باشند ولی هیچ نزدیکی به هم احساس نکنند. نزدیکی به خدا یک نزدیکی حقیقی است، همان‌طور که دوری از او هم بدترین نوع دوری است. خدا سرچشمه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند، تجلّی بخش صفات زیبای او شده‌اند و به او تقرب یافته‌اند.

پیشوایان ما و در رأس آن‌ها رسول خدا ﷺ تنها به خدای خود دل‌بسته بودند و زندگی خود را وقف رسیدن به او کرده بودند و در تنهایی‌ها با او نجوا می‌کردند و اشتیاق خود را در ضمن زیباترین جمله‌ها با او در میان می‌گذاشتند. امام سجاد علیه‌السلام در یکی از مناجات‌های خود می‌گوید:

یا مُنیٰ قُلوبِ الْمُشْتاقینَ	ای آرمان دل‌های مشتاقان
وَ یا غایَةَ ءامالِ الْمُحِبّینَ	و ای نهایت آرزوهای عاشقان
اَسْألُكَ حُبَّكَ	دوست‌داشتن تو را از خودت درخواست می‌کنم.
وَ حُبَّ مَنْ یُحِبُّكَ	و دوستی آنان را که تو را دوست دارند.
وَ حُبَّ کُلِّ عَمَلٍ یوصِلُنی اِلیٰ قُرْبِكَ	و دوستی هر کاری که مرا به قرب تو می‌رساند
وَ اَنْ تَجْعَلَكَ اَحَبَّ اِلَیَّ	و می‌خواهم که خودت را نزد من
مِمّا سِواكَ	محبوب‌تر از هر چیز دیگر قرار دهی
وَ اَنْ تَجْعَلَ حُبّی اِیّاكَ	و عشقم به خودت را
قائِدًا اِلیٰ رِضْوانِكَ	به سوی خشنودی‌ات بگردانی
وَ شَوْقی اِلَیْكَ	و شوقم به خودت را
ذائِدًا عَنْ عِصْیانِكَ[1].	بازدارنده از نافرمانی‌ات سازی.

۱ــ مناجات المحبّین از کتاب مفاتیح‌الجنان، مناجات خمس عشرة

هر کس اندکی تأمّل کند، می‌بیند که در ذات خود در جست‌وجوی سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن منبع و مبدأ نرسد، آرامش نیافته و از پای نخواهد نشست. پس مقصود و محبوب نهایی ما ذات مقدس خداوند است. به‌راستی جز او چه کسی و چه چیزی می‌تواند شایسته‌ی بالاترین دل بستگی‌ها باشد؟ چه کسی جز او می‌تواند روح پایان‌ناپذیر انسان را سیراب کند. اگر روح انسان بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌ها را به‌صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است که تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصد نهایی او باشد.

البته این مقصد، به همان میزان که بسیار بزرگ و ضامن خوشبختی‌ماست، همّت بزرگ و اراده‌ی محکم می‌طلبد. همان‌طور که دست‌یابی به گوهرهای گرانقدر دریاها پشتکاری شگرف می‌خواهد، تقرب به برترین محبوب و مقصود نیز سهم بلندهمّتان با پشتکار و کوشاست.

بار دیگر به داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام در درس دوم باز می‌گردیم. ایشان پس از تماشای ظهور و افول ماه و خورشید و ستاره فرمود : «من آنچه را که افول می‌کند، دوست ندارم». در حقیقت ایشان به مردم آموخت، نباید در زندگی به هدفی دل بست که گذراست و پایان می‌پذیرد. بلکه باید روی به سوی کسی نمود و دل به کسی بست که پایانی ندارد و خالق جهان آفرینش است. او سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها، و لذا برترین و بهترین محبوب و مقصود انسان است.

ای دوست شکر بهتر یا آنکه شکر سازد؟   خوبی قمر بهتر یا آنکه قمر سازد؟
ای باغ تویی خوش‌تر یا گلشن و گل در تو؟   یا آنکه برآرد گل، صد نرگس تر سازد؟
ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش   یا آنکه به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟
بیخود شده‌ی آنم، سرگشته و حیرانم   گاهیم بسوزد پر، گاهی سر و پر سازد
دریای دل از لطفش پرخسرو و پرشیرین   وز قطره‌ی اندیشه صد گونه گهر سازد

دیوان شمس، مولوی

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ دریافت پاسخ از آیات: در متن درس، سؤال‌های پنج‌گانه طرح شد و با تدبّر در آیات، پاسخ آن‌ها به دست آمد.

۲ــ ارتباط برقرار کردن میان چند آیه: از پیوند میان آیه‌ی ۸ سوره‌ی طه و .... دریافتیم که خداوند سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات و زیبایی‌هاست.

و از پیوند میان آیات .... و ...... دریافتیم که قرب و رضای الهی برترین هدف زندگی است.

گام دوم

انتخاب هدف

با نگاهی ژرف به زندگی، می‌کوشم هدف‌های خود را بهتر بشناسم و معرفت خود را به خدا افزایش دهم، خدایی که تقرب به او نهایت مقصود است. برای این شناخت هم از خودش یاری می‌جویم و هم به زندگی کسانی نظر می‌کنم که او را به‌خوبی شناختند و در جوار آن محبوب یگانه و معبود حقیقی به سرور و سربلندی جاوید رسیدند، یعنی رسول خدا و اهل بیت پاک آن حضرت که سلام و درود خدا بر همه‌ی آنان باد.

خدایا سعی خواهم کرد در نیایش عاشقانه‌ی همه‌روزه‌ام این عبارت ملکوتی را با همه‌ی وجود ادا کنم که:

اِیّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعینُ

اندیشه و تحقیق

۱ــ پیام‌های اصلی را به ترتیب در جدول زیر تنظیم نمایید.

شماره	پیام‌های اصلی درس
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....
.....	....

۲ــ بزرگی انسان‌ها و عظمت زندگی آن‌ها به چه چیزی بستگی دارد؟ چرا؟

۳ــ عبارت‌های زیر را تکمیل کنید :

الف ــ اگر هدف‌ها و دل بستگی‌هایم را درست انتخاب کنم و هریک را...............قرار دهم، درخت وجود من ....

ب ــ برترین محبوب .... زیرا ....

۴ــ چه ارتباطی میان درس دوم و درس چهارم برقرار است؟

پیشنهاد

۱ــ به قرآن کریم مراجعه کنید و در آیات ۱۱ و ۸۸ سوره‌ی واقعه و آیات ۲۲ و ۲۸ سوره‌ی مطففین و آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی آل عمران تفکّر کنید و ببینید که خداوند درباره‌ی واژه‌های «مقربین» و «مقربون» چه می‌فرماید.

۲ــ آیا درباره‌ی انتخاب بزرگ زندگی خود، فکر کرده اید؟ درباره‌ی آن بیندیشید و تصمیم خود را بگیرید.

تفسیر کنید



درس پنجم



تو را چگونه بخوانم؟

در درس‌های گذشته دانستیم که هدف‌های اصلی زندگی کدامند و برترین محبوب و مقصود انسان کیست. برای این‌که عشق و محبت خود را به خداوند افزایش دهیم و در راه نزدیکی به او قدم برداریم، باید او را هر چه بیشتر و عمیق‌تر بشناسیم و بر معرفت خود بیفزاییم. از این‌رو در این درس می‌خواهیم بدانیم :

از چه راه‌هایی می‌توان خدا را بهتر شناخت و به اوصاف زیبای او پی‌برد؟

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا بخوانید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

فاطِرُ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ	....
جَعَلَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجًا	همسرانی از جنس خودتان برایتان آفرید
وَ مِنَ الْاَنْعامِ اَزْواجًا	و از چارپایان نیز جفت‌هایی آفرید.
یَذْرَؤُکُمْ فیهِ	شما را در این [طریق] بسیار و پراکنده می‌گرداند
لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ	....
وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ	....

شوری، ۱۱

وَ لَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلیٰ	برای اوست صفت برتر
فِی السَّماواتِ وَالْاَرْضِ	....
وَ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ	....

روم، ۲۷

وَ فِی الْاَرْضِ ءایاتٌ لِلْموقِنینَ	در زمین برای اهل یقین نشانه‌هاست ؛
وَ فی اَنْفُسِکُمْ	و نیز در خودتان،
اَفَلا تُبْصِرونَ	آیا نمی‌نگرید؟!

ذاریات، ۲۰ و ۲۱

سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ	پاک است پروردگارت، خداوند عزّت،
عَمّا یَصِفونَ	از آن‌چه وصف می‌کنند.

صافات، ۱۸۰

وَ ءایَةٌ لَهُمُ الْاَرْضُ الْمَیْتَةُ	....
اَحْیَیْناها	آن را زنده کردیم
وَ اَخْرَجْنا مِنْها حَبًّا	....
فَمِنْهُ یَأْکُلونَ	....

یس، ۳۳

وَ جَعَلْنا فیها جَنّاتٍ	....
مِنْ نَخیلٍ وَ اَعْنابٍ	....
وَ فَجَّرْنا فیها مِنَ الْعُیونِ	....

یس، ۳۴

لِیَأْکُلوا مِنْ ثَمَرِهِ	تا بخورند از میوه‌ی آن
وَ ما عَمِلَتْهُ اَیْدیهِمْ	در حالی که حاصل عمل آن‌ها نیست
اَفَلا یَشْکُرونَ	....

یس، ۳۵

سُبْحانَ الَّذی ....

خَلَقَ الْاَزْواجَ کُلَّها ....

مِمّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ — از آنچه زمین می‌رویاند

وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ ....

وَ مِمّا لا یَعْلَمونَ ....

یس، ۳۶

وَ ءایَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ ....

نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ — روز را از آن می‌گیریم

فَاِذا هُمْ مُظْلِمونَ — و آن‌گاه آنان در تاریکی فرو می‌روند

یس، ۳۷

وَ الشَّمْسُ تَجْری ....

لِمُسْتَقَرٍّ لَها — به‌سوی قرارگاه خود

ذٰلِکَ تَقْدیرُ الْعَزیزِ الْعَلیمِ ....

یس، ۳۸

وَ الْقَمَرَ قَدَّرْناهُ مَنازِلَ — و برای ماه منزل‌هایی معیّن کردیم

حَتّیٰ عادَ کَالْعُرجونِ الْقَدیمِ — تا مانند شاخه‌ی خشک خرما هلالی شکل شود.

یس، ۳۹

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

فـاطِر : آفریننده	الْـعُـیـون : چشمه‌ها
الْـمَـیْـتَـة : مرده	مِـمّـا : مِن + ما
یَـأْکُـلونَ : می‌خورند	فَـجَّـرْنـا : روان کردیم
نَـخیـل : درختان خرما	تَـجْـری : روان است
اَعْـنـاب : درختان انگور	تَـقـدیر : اندازه‌گیری، تقدیر
حَـبّ : دانه	

تأمّل در متن

متن زیر را که نجوایی با خداست، بخوانید و سپس با دقّت و تأمّل در عبارت‌های آن به سؤال‌های طرح شده پاسخ دهید.

- در وصف تو چه بگویم؟ تو را چگونه بخوانم؟ و شعر بندگی‌ام را چگونه سرایم؟

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
وز هرچه دیده‌ایم و شنیدیم و خوانده‌ایم[1]

تو را با کدامین کلام بر زبان جاری کنم؟
همّت‌های بلند و اندیشه‌های ژرف به ساحت قدس تو راه نیابند و پویندگان وادی معرفت چنان که شایسته است، تو را نشناسند.

ما عَـرَفْـناكَ حَـقَّ مَـعْـرِفَـتِـكَ[2]

۱ــ سعدی
۲ــ آن‌چنان‌که شایسته‌ی معرفت توست، تو را نشناختیم ــ رسول خدا ﷺ ــ بحارالانوار ج ۷۱ ص ۲۳

چگونه خِرَد محدود را یارای آن باشد که به معرفت خالق نامحدودش دست یابد؟ و چگونه مخلوقی را سزد که بر ذات خالق خویش احاطه پیدا کند؟

●● ای خدای من! چشمان اندیشه را یارای نظر بر ذات بی مثال تو نیست و من از معرفت تو، آن‌گونه که لایق توست، محرومم؛ پس تو را در آیینه‌ی هستی نظاره می‌کنم و اوصاف تو را در یکایک آفریدگانت سراغ می‌گیرم. کتاب هستی را ورق می‌زنم و «نام‌های نیکویت» را بر آن می‌خوانم.

پروردگارا! در هر کرانه‌ی این جهان پرشکوه زمزمه‌ی نام توست و هرکه و هرچه، نشانی از تو دارد، از تو می‌گوید و به تو راه می‌نماید. زیبایی‌های عالم جلوه‌ی جمال تو و خوبی‌های آن روایت‌گر کمال تو و عظمت‌های آن پرتوهایی از شکوهمندی و جلال تواند.

خدایا! اگر تو خود صاحب این خوبی‌ها و کمالات نبودی، چگونه می‌توانستی این گونه به دیگران خوبی و کمال ببخشی؟[1]

پس ای خدای من! تو را با نام همه‌ی خوبی‌ها می‌خوانم و با همه‌ی اسم‌های نیکو صدا می‌زنم.[2]

خداوندا! همراه با تأمّل در کتاب هستی، کتاب زندگی را نیز می‌گشایم، همان کتابی که کلام توست و تو خود به من هدیه کرده‌ای. در همین کتاب نیز ما را به نظاره‌ی کتاب هستی فراخوانده‌ای و آیاتی از کتاب آفرینش را برای ما به نگارش آورده‌ای، تا از این نشانه‌ها اسم‌های زیبایت را بیابیم.

خدای من! شیرین‌تر برای من نام‌هایی است که تو خود را با آن‌ها خوانده‌ای و برگ برگ کتابت را با آن‌ها مزیّن ساخته‌ای! یکایک این نام‌ها را در این کتاب خواهم یافت و با همان‌ها تو را خواهم خواند و رازهای دلم را برایت حکایت خواهم کرد.

●●● خدای من! گرچه لطف و رحمتت در جهان گسترده است و خوبی‌هایت همه‌ی عالم را پُر کرده است، امّا می‌دانم که مثل هیچ‌یک از آن‌ها نیستی. زیرا تو خالقی و آن‌ها مخلوق، تو سرچشمه‌ی نوری و آن‌ها پرتو نور، تو اقیانوس بی‌کرانه‌ای و آن‌ها جویبارانی خُرد در دل کوهساران. همه ناقصند و تو کامل، همه محدودند و تو نامحدود، همه فانی‌اند و تو جاوید.

۱ــ ذات نایافته از هستی بخش　　　　کی تواند که شود هستی بخش؟

۲ــ وَلِلّٰهِ الْاَسماءُ الْحُسْنیٰ فَادْعوهُ بِها ــ اعراف، ۱۸۰

پس چگونه تو را با غیر تو می‌توان قیاس کرد؟ چه رسد که همتا و قرینی برایت فرض کردن!

پس ای خدای من! مرا یاری کن تا بدون قیاس تو با هیچ‌کس و هیچ‌چیز نام‌های زیبایت را در کتاب خلقت و کتاب زندگی بیابم. آن‌ها را بر صفحه‌ی دل بنگارم و در هر بامداد، روزم را با آن‌ها آغاز کنم و در هر شامگاه با جاری کردن آن‌ها بر زبان، دفتر ایّام را ورق زنم.

ای خدای پاک و بی‌انباز و یار — دست گیر و جرم ما را واگذار

یاد ده ما را سخن‌های دقیق — کان به رحم آرد تو را ای خوش رفیق

گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن — مصلحی تو، ای تو سلطان سُخُن

کیمیا داری که تبدیلش کنی — گرچه جوی خون بُوَد، نیلش کنی

این چنین میناگری‌ها کار توست — این چنین اکسیرها ز اسرار توست

مولوی

اکنون که متن را مطالعه کرده‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱ــ با اندیشه در قسمت اوّل مناجات، بگویید که چرا خداوند را آن‌گونه که شایسته‌ی اوست نمی‌توان شناخت. کدام آیه بیان‌کننده‌ی این حقیقت است؟

مقدمه : . . . .

. . . .

. . . .

. . . .

نتیجه: . . . .

. . . .

آیه: . . . .

. . . .

۲ــ با توجه به قسمت دوّم مناجات، توضیح دهید که چه راهی برای معرفت به خدا و توصیف او پیشنهاد شده است. چرا؟ کدام آیات بیانگر این حقیقت‌اند؟

مقدمه : . . . .

. . . .

. . . .

. . . .

نتیجه: . . . .

. . . .

آیات: . . . .

. . . .

. . . .

. . . .

۳ــ با اندیشه در قسمت سوم بگویید که چرا خداوند مانند مخلوقات نیست؟
کدام آیات بیانگر این حقیقت‌اند؟

مقدمه : . . . .

. . . .

. . . .

. . . .

نتیجه: . . . .

. . . .

آیات: . . . .

پیام آیات

در جدول زیر، برخی از اسماء الهی آمده است. هر اسم را توضیح دهید و شماره‌ی آیه‌ی مربوط به آن را در مقابلش بنویسید.

مُحیی		
قادِر	خداوند بر زنده کردن موجودات، حرکت منظم ستارگان و ... تواناست.	یس، ۳۳ تا ۳۹
رازِق		
خالِق		
مُدَبِّر		
مُقَدِّر		
حَکیم		
رَحیم		
عَلیم		

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ میزان قرار دادن آیه: در این درس، متن نوشته شده با بهره گرفتن از آیات درس تنظیم گردید و معلوم شد که مطالب نوشته شده، از آیات به‌دست آمده‌اند.

۲ــ استخراج مفهوم از آیه: در این درس مفاهیمی مانند «محیی»، «قادر» و «رازق» با تأمّل در آیات ابتدای درس به‌دست آمد.

اندیشه و تحقیق

۱ــ اسماء و صفات[1] خدا را که در سوره‌ی توحید، سوره‌ی حمد، آیات ۲۵۵ و ۲۵۶ سوره‌ی بقره و آیه چهارم سوره‌ی آل عمران آمده است، در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

ردیف	سوره	اسم و صفت
۱	توحید	اللّٰه، اَحَد، ...
۲	حمد	اللّٰه، رَبّ، ...
۳		

۱ــ خداوند دارای نام‌هایی است که این نام‌ها برگرفته از صفات او هستند. مثلاً خداوند، صفات علم و قدرت را دارد، به همین خاطر او را عالم و قادر می‌نامیم. بنابراین وقتی می‌گوییم اسماء و صفات الهی را بنویسید، تفاوتی نمی‌کند که به صورت اسم نوشته شود یا به صورت صفت.

۲ـ در جدول زیر، در یک طرف آیاتی از قرآن کریم و در طرف دیگر عبارت‌هایی نوشته شده است. مشخص کنید که مضمون هر عبارت با کدام آیه مناسبت دارد؟

۱ـ وَخَلَقَ کُلَّ شَیءٍ فَقَدَّرَهُ تَقدیرًا (فرقان ۲)	چگونه از تو غافل باشم وقتی که تو با من هستی.
۲ـ وَ اِیّاکَ نَستَعینُ (حمد ۵)	به درگاه چه کسی جز تو پناه برم؟
۳ـ قُل اَعوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ (فلق ۱)	از چه کسی جز تو مدد طلبم.
۴ـ وَ نَحنُ اَقرَبُ اِلَیهِ مِن حَبلِ الوَریدِ (ق ۱۶)	بی تو هیچ‌اند، فقیرند، بی تو با نیستی قرینند.
۵ـ قُل اِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحیایَ وَ مَماتی لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ (انعام ۱۶۲)	حیات طیبه‌ای به ما کرامت فرما که با یاد تو، برای تو و به سوی تو زندگی کنیم.
۶ـ کُلُّ مَن عَلَیها فانٍ وَ یَبقیٰ وَجهُ رَبِّکَ ذوالجَلالِ وَ الاِکرامِ (الرحمن ۲۶ و ۲۷)	اندازه‌ها را تو مقدّر داشته‌ای و بهره‌ی هر موجودی را تو معیّن کرده‌ای.

پیشنهاد

۱ ــ عباراتی از دعای کمیل یا دعـای جوشن‌کبیر را مطالعه کنیـد و بـا تـدبّر در آن‌ها پانزده صفت خداوند را استخراج نمایید.

۲ ــ امیدواریم شما بتوانید بـه‌گونـه‌ای، زیباتر از متن این درس، بـا خدا راز و نیاز کنید که در آن، هم، زبان به توصیف خدا بگشایید و هم خواسته‌های خود را با او در میان گذارید.

نوشته یا شعر زیبای خود را به رشته‌ی تحریر درآورید.



درس ششم

در حمد و تسبیح محبوب

در درس قبل دانستیم که از دو راه می‌توانیم به صفات خدای متعال پی‌ببریم : اوّل :تفکّر در کتاب خلقت، دوّم : تدبّر در کتاب زندگی (قرآن).

به‌طور مثال، وقتی نظم و غایتمندی را در مخلوقات می‌بینیم، حکیم بودن خداوند را درمی‌یابیم. هم‌چنین وقتی قرآن کریم را می‌گشاییم و با جمله‌ی «بسم‌اللّٰه الرّحمن الرّحیم» مواجه می‌شویم، رحمان و رحیم بودن او را درک می‌کنیم ؛ بدین ترتیب زیبایی‌های وجود خداوند را کشف می‌کنیم و عشق و محبت خود را به او تقویت می‌کنیم.

در ادامه‌ی این راه، در این درس می‌خواهیم بدانیم :

۱ــ خداوند متعال چه صفاتی را داراست؟ چرا؟

۲ــ از چه صفاتی پاک و منزّه است؟ چرا؟

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

هُوَ اللّٰهُ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ	....
عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ	....
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ	....

حشر، ۲۲

هُوَ اللّٰهُ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ	....
اَلْمَلِكُ الْقُدّوسُ	فرمانروای پاک،
السَّلامُ الْمُؤمِنُ	سلامت و ایمنی‌بخش
الْمُهَیْمِنُ الْعَزیزُ	نگاهبان با عزت مقتدر
الْجَبّارُ الْمُتَکَبِّرُ	صاحب کبریا و بزرگی
سُبْحانَ اللّٰهِ عَمّا یُشْرِکونَ	....

حشر، ۲۳

هُوَ اللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ	....
لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنیٰ	....

يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ....

وَ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ ....

حشر، ۲۴

وَ جَعَلوا لِلّٰهِ شُرَكاءَ الْجِنَّ — برای خداوند شریکانی از جن قرار دادند

وَ خَلَقَهُمْ — در حالی که خدا آن‌ها را خلق کرده است.

وَ خَرَقوا لَهُ بَنينَ وَ بَناتٍ — و برای او پسران و دخترانی پنداشتند،

بِغَيْرِ عِلْمٍ — از روی بی‌دانشی.

سُبْحانَهُ وَ تَعالیٰ عَمّا يَصِفونَ ....

اَنعام، ۱۰۰

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل نمایید.

اَلشَّهادَة : ظاهر، آشکار — اَلْمُصَوِّر : صورت‌بخش، صورتگر

يُشْرِكونَ : شریک (برای خدا) قرار می‌دهند

بارِئ : هستی‌بخش — تَعالیٰ : برتر است

پیام آیات

۱ــ خداوند همه‌ی اسماء و صفات نیکو و زیبا را دارا است.

۲ــ برخی از این صفات زیبا عبارتند از: ....

....

۳ــ خداوند هر صفتی را که نشان‌دهنده‌ی نقص و کاستی باشد، ندارد.

۴ــ برخی از این صفات عبارتند از: ....

....

اکنون به سراغ این پیام‌ها می‌رویم و درباره‌ی آن‌ها می‌اندیشیم :

اوّلاً : چرا خداوند همه‌ی صفات نیکو را دارد؟

دلیل آن به شرح زیر است :

مقدمه: خداوند وجودی کامل است و هر وجود کاملی همه‌ی صفات خوب و نیکو را دارد.

اگر حتی یک صفت خوب را هم نداشته باشد، ناقص می‌شود و از کامل بودن خارج می‌گردد و به دیگران نیازمند می‌شود.

نتیجه: پس خداوند همه‌ی صفات خوب و نیکو را دارد.

ثانیاً : چرا خداوند صفاتی را که نشان نقص و کاستی باشند، ندارد؟

پاسخ این سؤال، با دلیلی که برای سؤال اوّل داده شد، روشن شده است.

پذیرفتن هر عیب و نقصی در خداوند به معنای پذیرش کامل نبودن او و به معنای پذیرش محتاج و نیازمند بودن اوست. در حالی که این مخلوقات هستند که نیازمندند و خداوند مبرّا و منزّه از نیاز است.

در این‌جا ممکن است این سؤال پیش آید که اگر مخلوقات و موجودات جهان، آیات و نشانه‌های الهی هستند و از طریق آن‌ها می‌توانیم به صفات خالقشان پی‌ببریم، آیا می‌توان هر صفتی را که در مخلوقات می‌بینیم به خدای متعال نسبت دهیم؟ به‌طور مثال، آیا می‌توانیم خداوند را دارای جسم و محدود به زمان و مکان بدانیم؟

در پاسخ می‌گوییم: هر حُسن و کمالی که مخلوقات دارند، از خالق دریافت کرده‌اند. کسی

می‌تواند کمال و خوبی به دیگری دهد، که خود آن را دارا باشد. بنابراین خداوند سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات مخلوقات است.

اما صفاتی که از نقص و محدودیت مخلوقات سرچشمه می‌گیرند، در خدای متعال نیست. مثلاً جهل که نبودن علم است، ظلم که نبودن عدل است، ضعف که فقدان قدرت است و جسمانی بودن که به معنای محدود بودن به مکان و زمان است، همه نوعی نقص و کاستی هستند و چیزهایی نیستند که لازم باشد خداوند آن‌ها را دارا باشد.

نتیجه این‌که: صفات را در رابطه با خداوند به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌کنیم :

۱ــ صفاتی که جنبه‌ی کمالی دارند ؛ مثل قدرت، علم، عدالت، رحمت، رازقیت، حیات، مهربانی، بخشندگی، حکمت، عزت و کرامت. این صفات را «صفات ثبوتی» می‌نامیم و به خدا نسبت می‌دهیم. یعنی خدا این صفات را داراست.

۲ــ صفاتی که از نقص و نیاز ناشی می‌شوند ؛ مانند جهل، عجز، فقر، مرگ، نیاز به پدر و مادر و نیاز به فرزند. این صفات را «صفات سلبی» می‌نامیم و از خداوند سلب می‌کنیم. یعنی خداوند این صفات را ندارد و از آن‌ها مبرّاست.

تفکیک

صفاتی را که در آیات و تمرین‌های درس قبل و این درس آمده، استخراج کنید و ثبوتی و سلبی بودن آن‌ها را مشخص کنید و در جدولی مانند جدول زیر جای دهید.

صفات ثبوتی	صفات سلبی
....	....
....	....
....	....

حمد و تسبیح

«حمد» به معنی «ستایش» و «تسبیح» به معنی «پاک دانستن» و «منزّه دانستن» است. وقتی می‌گوییم «اَلْحَمْدُلِلّٰه»، می‌خواهیم بگوییم که «هر ستایش برای خداست» و وقتی می‌گوییم «سبحان‌اللّه» می‌خواهیم بگوییم که «خداوند از هر نقصی و عیبی منزّه است». کسی و چیزی قابل ستایش است که کمالات و زیبایی‌هایی در او باشد. امام علی علیه‌السلام را به خاطر شجاعت و علم و عبادت و عدالتش، ابوذر را به خاطر عدالت‌خواهی‌اش، ابن‌سینا را به خاطر تفکّر عمیقش و امام خمینی را به خاطر قیام و جهاد و عرفانش می‌ستاییم. می‌دانیم که همه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌های جهان از خداست. پس ستایش حقیقی و حمد واقعی از آنِ اوست.

وقتی می‌گوییم خدایا تو پروردگار جهانی، تو رحمان و رحیمی، تو بخشنده و مهربانی، او را ستوده‌ایم. در حمد و ستایش، همواره «صفات ثبوتی» خدا را بیان می‌کنیم. و در تسبیح، خداوند را از «صفات سلبی» پاک و منزه می‌داریم. می‌گوییم : خدایا تو نیازمند نیستی، تو شریک نداری، تو فرزند نداری و ... .[1]

نام درس پنجم «تو را چگونه بخوانم» بود. اکنون می‌دانیم او را چگونه بخوانیم. با نام‌های زیبایش او را صدا می‌زنیم و از هر صفت زشتی پاک و مبرّا می‌داریم.

تفکیک

به مناجات زیبای صفحه‌ی بعد توجه کنید. در این مناجات، شاعر از صفات ثبوتی و سلبی استفاده کرده است. این صفات را مشخص کنید و از یکدیگر تفکیک نمایید.

صفات ثبوتی: ....

....

صفات سلبی: ....

....

۱ــ جهان‌بینی توحیدی، استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی   نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم   همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی   تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

بری از رنج و گدازی بری از درد و نیازی   بری از بیم و امیدی بری از عیب و خطایی

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی   نتوان شبه تو جستن که تو در وهم نیایی

نبد این خلق و تو بودی نبود خلق و تو باشی   نه بجنبی نه بگردی نه بکاهی نه فزایی

همه عزی و جلالی همه علمی و یقینی   همه نوری و سروری همه جودی و سخایی

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی   همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی

احد لیس کمثله صمد لیس له ضد   لمن الملک تو گویی که مرآن را تو سزایی

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

سنایی



نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ استخراج پیام: با تفکّر در آیه‌ی .... دانستیم که خداوند همه‌ی صفات زیبا و نیکو را دارد.

با تفکّر در آیـه‌ی .... دانستیم که خداوند هیچ یک از صفات نقص را ندارد.

۲ــ یافتن مصداق‌ها و نمونه‌ها: با مطالعه‌ی آیات .... دانستیم که صفاتی مانند سلام، مؤمن و عزیز مصداق صفات زیبا هستند و صفاتی مانند شریک داشتن و فرزند داشتن از نمونه‌های صفات نقص هستند.

۳ــ استدلال برای یک پیام قرآنی: بعد از استخراج این دو پیام از آیات که خداوند صفات زیبا و نیکو را دارد و صفات نقص را ندارد، به کمک استدلال، دلیل و چرایی آن توضیح داده شد.

اندیشه و تحقیق

الف

۱ــ معیار و ملاک توصیف خداوند به برخی از صفات چیست؟

۲ــ چرا نمی‌توانیم برخی از صفات را به خداوند نسبت دهیم؟

۳ــ چه تفاوتی میان صفات خدا و صفات انسان‌ها وجود دارد؟

ب

چهار جمله به صورت مناجات بنویسید که، خداوند حمد شده باشد. چهار جمله نیز به‌صورت تسبیح بنویسید که بیانگر تنزیه خدا باشد.

پیشنهاد

۱ــ می‌دانید که خداوند جسم ندارد.

شریک هم ندارد.

در مورد یکی از این صفات سلبی تحقیق کنید و نتیجه را به صورت مقاله‌ای بنویسید و در کلاس بخوانید.

۲ــ با مراجعه به آیات ۵۴ و ۱۵۰ آل‌عمران، ۱۱۴ مائده، ۵۷ انعام، ۸۷ و ۸۹ و ۱۵۵ اعراف، ۶۴ یوسف، ۸۹ انبیاء، ۵۸ حج و ۱۰۹ مؤمنون، صفاتی که خداوند در آن‌ها خود را بهترین نامیده است، مشخص نمایید.



درس هفتم

در پناه ایمان

تنها شناخت یک هدف برای حرکت به سوی آن کافی نیست. قرآن کریم ایمان به آن هدف را نیز لازم دانسته است. از این‌رو در این درس می‌کوشیم نقش ایمان را بررسی کنیم و به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم :

۱ــ حقیقت ایمان چیست؟

۲ــ چرا علاوه بر شناخت هدف، ایمان به آن نیز لازم است؟

۳ــ چه تفاوتی میان «شناخت» و «ایمان» وجود دارد؟

قرائت

آیات شریفه‌ی زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحیمِ

اِنَّ هٰذَا الۡقُرۡءانَ	....
یَهۡدی لِلَّتی هِیَ اَقۡوَمُ	به آنچه استوارتر و درست‌تر است هدایت می‌کند.
وَ یُبَشِّرُ الۡمُؤۡمِنینَ	....
الَّذینَ یَعۡمَلونَ الصّالِحاتِ	....
اَنَّ لَهُمۡ اَجۡرًا کَبیرًا	....

اِسراء، ۹

مَنۡ عَمِلَ صالِحًا	....
مِنۡ ذَکَرٍ اَوۡ اُنۡثیٰ	چه مرد و چه زن
وَ هُوَ مُؤۡمِنٌ	....
فَلَنُحۡیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَةً	او را به حیاتی پاک زنده می‌کنیم
وَ لَنَجۡزِیَنَّهُمۡ اَجۡرَهُمۡ	و قطعاً به آن‌ها پاداش خواهیم داد،
بِاَحۡسَنِ ما کانوا یَعۡمَلونَ	مطابق بهترین اعمالشان.

نَحل، ۹۷

قَالَتِ الْاَعْرابُ ءامَنّا	بادیه‌نشینان گفتند : ما ایمان آوردیم
قُلْ لَمْ تؤمِنوا	بگو : ایمان نیاورده‌اید،
وَ لٰكِنْ قولوا اَسْلَمْنا	بلکه بگویید، اسلام آوردیم.
وَ لَمّا يَدْخُلِ الْايمانُ فی قُلوبِكُمْ	و هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است.
وَ اِنْ تُطيعُوا اللّٰهَ وَ رَسولَه‌ٗ	....
لا يَلِتْكُمْ مِنْ اَعْمالِكُمْ شَيْئًا	از پاداش اعمال شما چیزی نکاهد.
اِنَّ اللّٰهَ غَفورٌ رَحيمٌ	....

حُجُرات، ۱۴

ترجمه

به کمک توضیحات زیر ترجمه آیات را کامل کنید.

یُبَشِّرُ : بشارت می‌دهد، مژده می‌دهد تُطيعوا : اطاعت کنید

چگونه شناخت خود را به عمل برسانیم؟

بسیار اتفاق می‌افتد که فایده‌ی کاری را می‌دانیم، امّا در انجام آن کوتاهی می‌کنیم. هم‌چنین به زیان برخی کارها آگاهی داریم، امّا از انجام آن‌ها دوری نمی‌کنیم. می‌دانیم که چند دقیقه ورزش در روز سلامت و شادابی می‌آورد یا زود خوابیدن در شب و زود برخاستن در صبح، نشاط و طراوت به همراه دارد، امّا برخی از ما برای آن‌ها برنامه‌ریزی نمی‌کنیم.

کسانی هم که قانون‌شکنی می‌کنند، بر نادرستی عمل خویش آگاهند و زیان کار خود را می‌دانند، امّا باز هم به انجام آن اقدام می‌کنند.

چرا با این‌که می‌دانیم برخی کارها نتیجه و ثمرات خوبی دارند، امّا بدان عمل نمی‌کنیم؟ و با این‌که می‌دانیم نتیجه‌ی برخی کارها به زیان ما، خواهد بود، از انجام آن‌ها خودداری نمی‌ورزیم؟

به سراغ آیات ابتدای درس می‌رویم تا به این سؤال‌ها پاسخ دهیم.

پیام آیات

در آیات ابتدای درس تدبّر کنید و جملات زیر را کامل نمایید.	شماره‌ی آیه
۱ــ میان ایمان و عمل صالح رابطه است. «.........» ثمره و نتیجه‌ی «.........» است.	
۲ــ ایمان، معیار ارزشمندی عمل صالح است. زیرا........................	
۳ــ ممکن است کسی به زبان بگوید ایمان دارم، امّا واقعاً بی‌ایمان باشد. زیرا ایمان یک امر .... است و جایگاه آن .... است.	

بنابراین شناختی که از یک کار خوب یا یک هدف بزرگ یا راه رستگاری به‌دست می‌آوریم، وقتی منجر به عمل خواهد شد، که آن شناخت به مرحله‌ی ایمان برسد. علم و شناخت مانند چراغی است که راه را نشان می‌دهد. امّا داشتن این چراغ به تنهایی انگیزه‌ی لازم برای رفتن به آن راه را در انسان ایجاد نمی‌کند. ایمان برانگیزاننده و محرک انسان به سمت عمل است.

به همین جهت حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

اَلْایمانُ وَ الْعَمَلُ — ایمان و عمل

اَخَوانِ تَوْاَمانِ — دو برادرِ همراه

وَ رَفیقانِ لایَفْتَرِقانِ[1] — و دو دوست جدایی ناپذیرند.

۱ــ غُرَرُ الْحِکَمِ وَ دُرَرُ الْکَلِمِ ج ۲ ص ۱۳۶

حقیقت ایمان

حال این سؤال مهم پیش می‌آید که «ایمان» چیست و جایگاه آن کجاست؟

انسان با عقل و اندیشه‌ی خود فکر می‌کند و علم به‌دست می‌آورد. بنابراین جایگاه علم و شناخت، عقل و اندیشه‌ی آدمی است. اما قرآن کریم جایگاه «ایمان» را قلب معرفی می‌کند. عقل ابزار فهمیدن است. عقل، با تفکّر در آیات الهی و با استفاده از راه‌های معرفت بخش، می‌تواند خوب را از بد تشخیص دهد و به ما معرفی کند. امّا این کار عقل برای انتخاب خوبی‌ها و رفتن به سوی آن‌ها کافی نیست. قلب هم باید به کمک بیاید.

قلب کانون وجود آدمی است. اگر به چیزی گرایش داریم یا با کسی دوستی می‌ورزیم، و اگر از چیزی متنفریم یا با کسی دشمنی داریم، مربوط به قلب ماست. قلب است که گاه لبریز از عشق و محبت و لطافت است و گاه آکنده از کینه و نفرت و خشونت، گاه در اطمینان و آرامش و گاه در اضطراب، گاه در یقین و گاه در شک و تردید. این قلب است که اگر به حقیقتی معتقد شود، شوق و حبّ نسبت به آن پیدا می‌کند و همت انسان را به سوی آن برمی‌انگیزد و در این حالت است که اطمینان و آرامشی وجود آدمی را فرا می‌گیرد، و حرکت به سوی عمل آغاز می‌شود و این با مفهوم ایمان که از «امن» گرفته شده و با «امنیت» و «امان» هم خانواده است، سازگار می‌باشد.

ایمان، همان باور و اعتقاد قلبیِ همراه با حبّ و دوستی به حق و اعتماد و اطمینان است که شوق به سوی عمل را در انسان ایجاد می‌کند.



بدین ترتیب درسی بزرگ از قرآن کریم می‌آموزیم :

اگر می‌خواهیم به هدفی که برای زندگی خود شناخته‌ایم، ایمان بیاوریم و به سوی آن حرکت کنیم،
باید قلب خود را برای پذیرش آن هدف آماده سازیم.

نام‌گذاری

با توجه به نقش ایمان در رسیدن انسان به عمل، چه نامی می‌توان برای این نقش انتخاب کرد؟

قلب در صورتی برای پذیرش حقیقت و راه زندگی آماده می‌شود که از زشتی‌ها دور و به زیبایی‌هایی آراسته گردد. قرآن کریم این زشتی‌ها و زیبایی‌ها را به ما نشان می‌دهد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم :

زیبایی‌ها

۱ــ بینایی قلب برای مشاهده‌ی حقایق و زیبایی‌های زندگی.[۱]

۲ــ باز بودن قلب بر روی آنچه با تفکّر به‌دست آمده است.[۲]

۳ــ سلامتی قلب از بیماری‌ها و گناهان.[۳]

۴ــ توجه قلب به هدف‌های زیبای زندگی و یاد خدا.[۴]

زشتی‌ها

۱ــ داشتن حالت انکار و تکبر در مقابل حقیقت.[۵]

۲ــ سخت‌شدن قلب و نداشتن احساس در مقابل خوبی‌ها و زیبایی‌ها.[۶]

۳ــ بسته‌شدن قلب بر روی حقایق و آنچه با تفکّر به‌دست آمده است.[۷]

۴ــ غفلت از هدف‌های زیبای زندگی و یاد خدا.[۸]

علت‌یابی

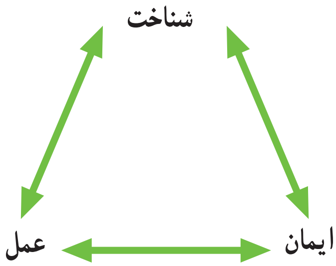
زیبایی‌ها و زشتی‌های ذکر شده برای قلب را مورد بررسی قرار دهید و توضیح دهید چرا این ویژگی‌ها به قلب آمادگی لازم را برای تقویت یا تضعیف ایمان می‌دهند. درباره‌ی هر یک بحث و گفت‌وگو کنید.

۱ــ حج ۴۶ ‌ ۲ ــ محمد ۲۴ ‌ ۳ــ شعراء ۸۹ و بقره ۱۰ ‌ ۴ ــ کهف ۲۸

۵ ــ نحل ۲۲ ‌ ۶ــ مائده ۱۳ ‌ ۷ــ بقره ۷ ‌ ۸ ــ کهف ۲۸

رابطه‌ی شناخت، ایمان و عمل

درست است که ما باید ابتدا خوبی‌ها را بشناسیم و به آن‌ها ایمان آوریم تا به عمل برسیم ؛ امّا همین که به عمل صالح پرداختیم، خود این عمل، هم ایمان ما را تقویت می‌کند و هم شناخت ما را عمیق‌تر می‌سازد. از این‌رو می‌توان گفت میان این سه، رابطه‌ی متقابل است و هر کدام، دیگری را تقویت می‌کند.



ایمان درختی است که در قلب جوانه می‌زند، تناور می‌گردد و بر شاخه‌های آن اعمال شایسته و نیکو پدیدار می‌شود. اکنون شایسته است از خود بپرسیم :

قلب ما منزلگاه کیست؟

برای کدام دوست می‌تپد و با مهر چه کسی گرم است؟

قلب، مقدس‌ترین حرم عالم هستی است ؛ در این حرم چه کسی حضور دارد؟

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ـ دریافت پاسخ از آیات: این سؤال طرح شد که چرا شناخت به عمل منجر نمی‌شود. با استفاده از آیات .... معلوم شد که باید ایمان نیز به کمک شناخت بیاید.

۲ـ استخراج پیام: از آیه‌ی .... این پیام به‌دست آمد که ایمان معیار ارزشمندی عمل است.

۳ـ ارتباط برقرار کردن میان چند آیه: آیات متعددی کنار هم گذاشته شد تا زیبایی‌ها و زشتی‌های قلب به‌دست آید و دسته‌بندی شود.

اندیشه و تحقیق

الف

۱ــ چگونه ایمان بین شناخت و عمل پیوند ایجاد می‌کند؟

۲ــ بعد از این که زیان یک کار را فهمیدیم، قلب ما چه نقشی در ترک آن دارد؟ مثال بزنید.

ب

استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب «انسان و ایمان» تفاوت‌های علم و ایمان را بیان کرده است. براساس آن کتاب، تفاوت‌های گفته شده را در مقابل یکدیگر، در جدولی مانند جدول زیر، بنویسید.

ردیف	علم	ایمان
۱	...... توانستن	...... خوب خواستن ......
۲	....	....
۳	....	....
۴	....	....
۵	....	....

پیشنهاد

۱ــ ایمان به خدا و اعتقاد به دین اسلام دارای آثار فردی و اجتماعی فراوانی است که باید در حیات فرد و جامعه تجلی کند. برای آشنایی با این آثار، به آیات زیر در قرآن کریم مراجعه کنید و آن آثار را یادداشت نمایید:

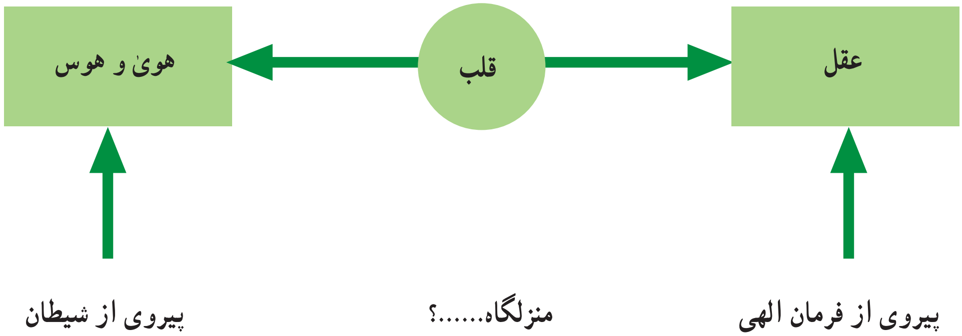
بقره: ۲۵، ۶۲، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۷۲، ۲۰۸، ۲۵۴ و ۲۶۷،
آل‌عمران: ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۰ و ۱۴۹، نساء: ۳۹، ۵۹، ۷۶، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۲ و ۱۷۵،
مائده: ۶۹ و ۸۱، انعام: ۴۸، ۵۴ و ۹۲، اعراف: ۲۷، انفال: ۲ توبه: ۱۸

۲ــ آثار ایمان را در زندگی انسان‌های بزرگ، بخصوص پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام مطالعه کنید و نتیجه را در کلاس بیان نمایید.

۳ــ خاطراتی را از زندگی خود یا دوستان و آشنایان، که بیانی از حالات ایمانی باشد، بنویسید و در کلاس بخوانید.

۴ــ برای بهترین جمله‌های درس، یک طرح مناسب هنری انتخاب کنید و به اجرا درآورید.

تفسیر کنید



....

....

....



درس هشتم

در وادی امن

در درس قبل با حقیقت ایمان و ضرورت آن آشنا شدیم. امّا هنوز با سه مسأله اساسی در قلمرو ایمان روبه‌رو هستیم که نیازمند بررسی است :

۱ــ چگونه شناخت خود را به مرحله‌ی ایمان برسانیم؟

۲ــ چگونه ایمان را تقویت کنیم و بر ایمان خود بیفزاییم؟

۳ــ ایمان به خدا و تقرب به او چه ثمراتی برای ما دارد؟

قرائت

آیات شریفه‌ی زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنونَ ....

اَلَّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِمْ خاشِعونَ ....

وَ الَّذینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضونَ ....

وَ الَّذینَ هُمْ لِلزَّكاةِ فاعِلونَ ....

مؤمنون، ۱ تا ۴

اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ ....

وَاخْتِلافِ الَّیلِ وَ النَّهارِ ....

لَأیاتٍ لِاُولِی الْاَلْبابِ ....

آل‌عمران، ۱۹۰

یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا ....

اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثیرًا ....

وَسَبِّحوهُ — و او را تسبیح گویید

بُكْرَةً وَ اَصیلًا — بامداد و شامگاه

احزاب، ۴۱ و ۴۲

یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا	....
اذْکُروا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ	....

احزاب، ۹

اِنَّمَا الْمُؤْمِنونَ الَّذینَ	....
ءامَنوا بِاللّٰهِ وَ رَسولِهِ	....
ثُمَّ لَمْ یَرْتابوا	سپس شک نکردند
وَ جاهَدوا بِاَمْوالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ	....
فی سَبیلِ اللّٰهِ	....
اُولٰئِکَ هُمُ الصّادِقونَ	....

حجرات، ۱۵

اَحَسِبَ النّاسُ	آیا مردم پنداشته‌اند
اَن یُتْرَکوا	آن‌ها را وامی‌گذارند
اَن یَقولوا ءامَنّا	به صرف این‌که بگویند ایمان آوردیم
وَ هُمْ لایُفْتَنونَ	و آزموده نمی‌شوند؟

عنکبوت، ۲

اِنَّمَا الْمُؤْمِنونَ الَّذینَ	....
اِذا ذُکِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلوبُهُمْ	وقتی یاد خدا می‌شود دل‌هاشان ترسان است
وَ اِذا تُلِیَتْ عَلَیْهِمْ ءایاتُهُ	و چون آیات خدا بر آن‌ها تلاوت شود
زادَتْهُمْ ایمانًا	ایمانشان افزوده می‌گردد

وَ عَلیٰ رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلونَ ....

انفال، ۲

اَلَّذینَ ءامَنوا ....

وَ تَطْمَئِنُّ قُلوبُهُمْ بِذِکْرِ اللّٰهِ ....

اَلا بِذِکْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلوبُ ....

رعد، ۲۸

ترجمه

با استفاده از عبارت‌های زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

اِخْتِلاف : آمد و شد

اُولِی الْاَلْباب : خردمندان

فرصت طلایی

آیا تاکنون درباره‌ی نوجوانی خود تأمّل کرده‌اید؟ خصوصیات روحی، روانی و جسمانی خود را زیر نظر گرفته‌اید؟ به ارزش آن‌ها توجه نموده‌اید؟ آیا می‌دانید خصوصیات و ویژگی‌های این دوره برای آن است که آن تصمیم بزرگ برای خوشبختی، اکنون گرفته شود؟

کودکی که از مادر متولد می‌شود، با قلبی پاک به دنیا می‌آید و هیچ گناهی دلش را آلوده نکرده است. معمولاً، این پاکی و طهارت تا نوجوانی و جوانی باقی می‌ماند. امّا همین قلب که از آب زلال‌تر و از آیینه شفاف‌تر و از گلبرگ لطیف‌تر است، ممکن است به‌تدریج آلوده شود. این تغییر و تحول، کم

یا زیاد، برای برخی از افراد پیش می‌آید. خوشا به‌حال نوجوانان و جوانانی که سلامت و پاکی دل را حفظ می‌کنند و لطافت و خلوص آن را تا پایان عمر نگه می‌دارند. هر اندازه که پاکی دل بیش‌تر باشد درهای لطف و رحمت خداوند به روی انسان بازتر است و به همین علت کودکان، نوجوانان و جوانان به‌آسمان‌ها و ملکوت نزدیک‌ترند. قلب پاک و بی‌آلایش نوجوان و جوان دریچه‌ای گشوده به آسمان و از جنس همان است. باشد که از این دریچه در آسمان پاکی‌ها به پرواز درآییم، پیش از آن‌که فرصت‌ها تمام شود و قدرت پرواز از دست برود.

امام خمینی رحمة اللّه علیه فرموده است :

«شما جوانان از حالا باید شروع کنید به جهاد اکبر و نگذارید که قوای جوانی از دستتان برود. هر چه قوای جوانی از دست برود، ریشه‌های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می‌شود و جهاد مشکل‌تر. جوان زودتر می‌تواند در این جهاد پیروز بشود... نگذارید در اصلاح حال خودتان زمان جوانی به زمان پیری بیفتد. از حیله‌هایی که نفس انسان به انسان می‌زند و شیطان به او پیشنهاد می‌کند این است که بگذار برای آخر عمر خودت را اصلاح کن! حالا از جوانی استفاده کن و بعد آخر عمر توبه کن! این یک طرح شیطنت‌آمیز است که نفس انسان پیاده می‌کند. انسان تا قوای جوانیش هست، تا روح لطیف جوانی هست، تا ریشه‌های فساد در او کم است، می‌تواند خودش را اصلاح کند».[۱]

خدایا ما را موفق کن که از این فرصت استفاده کنیم ؛ و پیش از آنکه دل آلوده شود و خانه‌ی بیگانگان گردد، آن را کانون محبت تو نماییم.

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب
تا در این پرده جز اندیشه‌ی او نگذارم[۲]

۱ــ صحیفه‌ی نور، ج ۷، ص ۲۱۱

۲ــ حافظ

راه‌های رسیدن به ایمان و تقویت آن

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام راه‌های رسیدن به ایمان را به ما نشان داده‌اند. این راه‌ها هم ما را از مرحله‌ی شناخت به مرحله‌ی ایمان می‌رسانند و هم سبب تقویت و محکم شدن آن می‌شوند. به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم :

۱ــ تفکّر پیرامون آیات خدا در گستره‌ی هستی: آنچه در جهان است نشانه‌های زیبایی، علم، قدرت و رحمت خداست. توجه به این نشانه‌ها یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند و لطف و رحمت او را به ما یادآور می‌شود و در نهایت بر دوستی و محبت ما به خدا می‌افزاید.

پیام آیات (۱)

در آیات ابتدای درس تفکّر کنید و ببینید که کدام‌یک از آیات، ما را بـه ایـن راه هدایت می‌کند. پیام‌های آن آیات را نیز استخراج نمایید.

۲ــ توجه دائم به خداوند و ذکر و یاد او: حضور خداوند در خاطر ما در همه‌ی لحظات زندگی، در آغاز صبح، در طول روز و در هنگام کار و تحصیل و در انتهای شب ارتباط ما را با او افزایش می‌دهد و به تدریج به پیوندی استوار می‌انجامد. یکی از حکمت‌های نمازهای پنج‌گانه زنده نگه‌داشتن یاد خدا در تمام طول شبانه‌روز در دل مؤمن است.

پیام آیات (۲)

در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که کدام‌یک از آیات، مـا را بـه ایـن راه هدایت می‌کند. پیام آیات را نیز استخراج نمایید.

نمونه‌یابی

انجام برخی از کارها ما را به یاد خدا می‌اندازد و برخی نیز سبب غفلت ما از خداوند می‌گردد. با مشورت با دوستان این کارها را مشخص کنید و جدول را تکمیل نمایید.

کارهایی که یاد خداوند را در دل زنده می‌کند	کارهایی که ما را از خدا غافل می‌کند
۱ــ قرائت قرآن کریم و تفکّر در آن	۱ــ دوستی با کسانی که هدف خوبی در زندگی ندارند.
۲ــ	۲ــ ....
۳ــ	۳ــ ....
۴ــ	۴ــ ....
۵ــ	۵ــ ....
۶ــ	۶ــ ....

۳ــ توجه به نعمت‌های خدا: اگر به زندگی خود توجه کنیم، نشانه‌های لطف و رحمت خدا را به‌روشنی در آن می‌بینیم، این نشانه‌ها در زندگی هر کس و متناسب با حالات درونی او به صورتی جلوه می‌کند و به یاد آوردن الطاف الهی، یاد او را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد و قلب را به او نزدیک‌تر می‌سازد.

پیام آیات (۳)

در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید کدام‌یک از آیات، ما را به این راه هدایت می‌کند.

۴ــ انجام نیکی‌ها و دوری از گناهان: هر عمل نیک دل را نورانی می‌کند و، هر گناه چون غباری صفحه‌ی دل را می‌پوشاند و به اندازه‌ی خود مانع رسیدن نور حقیقت به آن می‌گردد. باید

بکوشیم دل خود را با عمل به نیکی‌ها نورانی‌تر کنیم و با دوری کردن از گناهان رشته‌ی محبت خود را با خدا استوارتر سازیم.

پیام آیات (۴)

در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید کدام‌یک از آیات، ما را به این راه هدایت می‌کند.

میوه‌های درخت ایمان

آن‌گاه که جوانه‌های ایمان در قلب پدیدار شود و بارقه‌های آن وجود ما را روشن کند، تحولی شگرف وجود ما را فراخواهد گرفت، به‌طوری که گویا تولدی جدید آغاز شده است. قرآن کریم از این تولد دوباره چنین یاد می‌کند:

«آیا آن کس که مرده بود و با [ایمان] زنده‌اش کردیم و برای او نوری قرار دادیم که به‌وسیله‌ی آن در میان مردم راه می‌رود، همانند کسی است که در تاریکی‌هاست و از آن بیرون شدنی نیست؟...»[۱]

حال اگر جوانه‌های ایمان در مجموعه‌ی اعضای یک جامعه پدیدار شود و جامعه‌ی ایمانی شکل بگیرد، آن جامعه نیز به حیات جدیدی دست می‌یابد که با نور خداوند به پیش می‌رود. آری، خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است و آنان را از ظلمات و تاریکی‌ها به نور درمی‌آورد. امّا اولیاء کافران، طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور و روشنایی به ظلمت می‌برند.[۲]

۱ــ انعام، ۱۲۲

۲ــ بقره، ۲۵۷

پیام آیات (۵)

با اندیشه در آیات ابتدای درس، ویژگی‌های مؤمنان را استخراج کنید و شماره‌ی آیه و سوره‌ی آن را مشخص کنید.

پیام آیات	آیه و سوره
....	
....	
....	
....	
....	
....	
....	
....	
....	
....	
....	

بیشتر بدانیم

استاد شهید مرتضی مطهری که از شاگردان بسیار نزدیک به امام خمینی بود، در تاریخ دوّم بهمن ماه ۱۳۵۷، یعنی بیست روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ده روز قبل از آمدن امام خمینی از پاریس به ایران، درباره‌ی ایمان ایشان و تأثیری که این ایمان در پیروزی انقلاب اسلامی داشت، در یک سخنرانی می‌گویند :

«از قراری که به من اطلاع داده‌اند، چند روز پیش، کارتر [رئیس‌جمهور آن زمان آمریکا] به آیت‌الله خمینی راجع به بختیار [آخرین نخست وزیر شاه] اخطار کرد که دو ابر قدرت [یعنی آمریکا و شوروی] بر روی این دولت توافق دارند و شما حساب

کارتان را بکنید. امّا این مرد بزرگ اعتنایی به این تهدید نکرد. من که نزدیک دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده‌ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس، به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه‌ی او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد.

وقتی برگشتم، دوستانم پرسیدند «چه دیدی؟» گفتم : چهار تا «آمَنَ» دیدم. «آمَنَ بِهَدَفِه» به هدفش ایمان دارد ؛ دنیا اگر جمع بشود، نمی‌توانند او را از هدفش منصرف کنند. «آمَنَ بِسَبیلِه» به راهی که انتخاب کرده ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلّم به هدفش و راهش داشت. «آمَنَ بِقَولِه» [به سخنی که می‌گوید ایمان دارد]... و بالاخره بالاتر از همه، «آمَنَ بِرَبِّه» [به پروردگارش ایمان دارد.] در یک جلسه‌ی خصوصی، ایشان به من می‌گفت فلانی این ما نیستیم که چنین می‌کنیم، من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم. آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برمی‌دارد، خدا هم به مصداق «اِنْ تَنْصُروا اللّٰهَ یَنْصُرْکُم» بر نُصرت او اضافه می‌کند ...

پزشکان فرانسه که اخیراً این پیرمرد را که لااقل پانزده سال است دچار جنگ اعصاب و ناراحتی روحی است و اخیراً هم جوانی آن چنان برومند[1] را از دست داده، معاینه کردند، نظر دادند، قلب او نظیر یک جوان بیست ساله است. او که در راه خدا قدم برداشته، آن‌چه را قرآن وعده داده است به تجربه دریافته است.[2]» براستی، آیا رهبری بزرگ‌ترین انقلاب زمان و مقاومت در برابر ستمگران دنیا ثمره و میوه‌ی آن ایمان عظیم نیست؟

۱ــ آیت‌اللّٰه سید مصطفی خمینی

۲ــ پیرامون انقلاب اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری، ۲۰

رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا	پروردگارا، ما شنیدیم
مُنادِیًا یُنادی لِلْایمانِ	ندای نداده‌نده‌ی به ایمان را
اَنْ ءامِنوا بِرَبِّکُمْ	که به پروردگارتان ایمان آورید
فَـئامَنّا	اینک ما ایمان آوردیم.
رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنوبَنا	پروردگارا، گناهان ما را بیامرز
وَ کَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا	و بدی‌های ما را از ما بزدای
وَ تَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ.	و ما را با نیکوکاران بمیران.

آل عمران، ۱۹۳



گام سوم

تلاش برای تقویت ایمان به خدا

می‌کوشم
ایمان و دل‌بستگی خود را به
خدای مهربانی که مقصد و مقصود من است،
به راهی که مرا به او می‌رساند، و به راهنمایان و اسوه‌های
بزرگ انسانی، روز به روز
تقویت کنم.

خدایا!
قلبم را منزلگاه خود قرار ده وجانم را
به محبتت آمیخته نما!

اندیشه و تحقیق

۱ـ چرا حرکت به سوی خدا و کسب سعادت الهی در جوانی و نوجوانی آسان‌تر از بزرگ‌سالی است؟

۲ـ به نظر شما، مهم‌ترین نکته‌ای که در توصیه‌ی امام خمینی «رحمه اللّه علیه» به جوانان وجود دارد چیست؟ چرا؟

۳ـ به نظر شما مهم‌ترین عامل در تقویت ایمان کدام عامل است؟ چرا؟

۴ـ به نظر شما چه عاملی در تضعیف ایمان بیش‌تر مؤثر است؟ چرا؟

۵ ـ چگونه می‌توان دل را حرم همیشگی خدا کرد؟

پیشنهاد

۱ـ ابتدا تحقیق کنید که نهج البلاغه چگونه و به‌دست چه‌کسی جمع آوری شده و شامل چند بخش است. سپس در بخش کلمات قصار، کلمه‌ی شماره‌ی ۳۲۵ را که با «المؤمن...» شروع می‌شود، مطالعه کنید و ویژگی‌های مؤمن را یادداشت نمایید. (شماره‌ی کلمه مطابق نهج البلاغه با ترجمه‌ی فیض الاسلام است)

۲ـ جلوه‌هایی از ایمان رسول خدا ﷺ که در طول زندگی و در حوادث مختلف ظهور کرده است، نام ببرید و با قلم زیبای خود، ادیبانه بنویسید.

۳ـ اگر بخواهید خصوصیات یک انسان مؤمن را، که از شخصیت اجتماعی نیرومندی نیز برخوردار است، در چند بند بنویسید، چه ویژگی‌هایی برای او خواهید نوشت؟

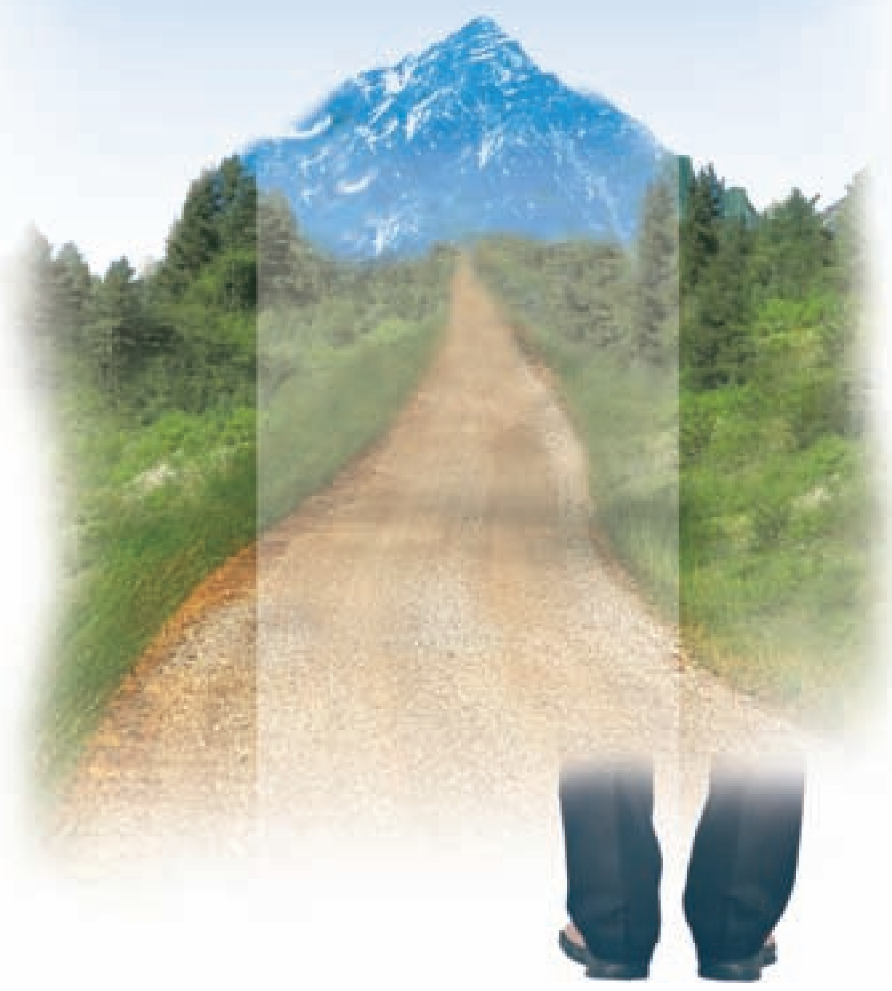
۴ـ اگر رفتاری از خودتان، دوستانتان و یا دیگر افراد جامعه سراغ دارید که موجب تقویت یا تضعیف ایمان شما یا آن‌ها شده باشد، آن را در قالب داستان بنویسید و در کلاس بخوانید.

۵ـ با تأمّل در محتوای دعای صفحه‌ی ۸۲ طرحی به دلخواه خود رسم کنید.

خدایا! می‌دانم که بهترین توشه‌ی مسافر کوی تو عزمی است که با آن خواستار تو شده باشد.[1]

امام کاظم علیه‌السلام

۲. آهنگ سفر



۱ــ مفاتیح‌الجنان، دعای روز ۲۷ ماه رجب

درس نهم

عزم خوب زیستن

در مرحله‌ی اوّل دانستیم که هدف اصلی زندگی ما رسیدن به خوبی‌ها و زیبایی‌های ماندگار و جاویدان است و دریافتیم که مجموعه‌ی این زیبایی‌ها در خدای متعال جمع است و در حقیقت، او محبوب و مقصود و هدف زندگی ماست. هرکس این هدف را دریابد و زندگی خود را صرف رسیدن به آن کند، زندگی لذت‌بخش و مطمئنی را برای خود به وجود خواهد آورد و از سردرگمی نجات خواهد یافت.

امّا دانستیم که تصمیم‌گیری و حرکت به سوی هر هدفِ شناخته‌شده‌ای نیازمند ایمانِ به آن هدف نیز هست و تلاش کردیم راه‌های ایمان به محبوب و مقصود زندگی خود را بشناسیم و آن راه‌ها را بپیماییم.

اکنون به مرحله‌ی تصمیم‌گیری و عزم برای عمل رسیده‌ایم.

بنابراین لازم است بدانیم :

ــ حقیقت عزم و تصمیم چیست؟

ــ تصمیم‌های ما باید درباره‌ی چه چیزهایی باشد؟

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

قَد کانَت لَکُم اُسوَةٌ حَسَنَةٌ	....
فی اِبراهیمَ وَالَّذینَ مَعَه	....

ممتحنه، ۴

وَ مَن اَحسَنُ دینًا	و کیست از جهت دین نیکوتر
مِمَّن اَسلَمَ وَجهَه لِلّٰهِ	از آن که روی خود را تسلیم خدا کرده
وَ هُوَ مُحسِنٌ	....
وَاتَّبَعَ مِلَّةَ اِبراهیمَ حَنیفًا	و از آیین ابراهیم حقگرا پیروی کرده است
وَ اتَّخَذَ اللّٰهُ اِبراهیمَ خَلیلًا	....

نساء، ۱۲۵

وَ مَن یَرغَبُ	کیست که روی بگرداند
عَن مِلَّةِ اِبراهیمَ	....
اِلّا مَن سَفِهَ نَفسَه	مگر آن که نابخردی پیشه کند

بقره، ۱۳۰

وَ مَنْ اَوْفی	....
بِما عاهَدَ عَلَیْهُ اللّٰهَ	بدانچه با آن با خدا پیمان بسته،
فَسَیُؤْتیهِ اَجْرًا عَظیمًا	....

فتح، ۱۰

اِنَّ الَّذینَ یَشْتَرونَ	....
بِعَهْدِاللّٰهِ وَاَیْمانِهِمْ	پیمان خدا و سوگندهایشان را
ثَمَنًا قَلیلًا	به بهایی اندک
اُولٰئِكَ لا خَلاقَ لَهُمْ	آنان را بهره‌ای نیست
فِی الْاٰخِرَةِ	....
وَ لا یُکَلِّمُهُمُ اللّٰهُ	....
وَ لا یَنْظُرُ اِلَیْهِمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ	....
وَلا یُزَکّیهِمْ	....
وَلَهُمْ عَذابٌ اَلیمٌ	....

آل‌عمران، ۷۷

فَاصْبِرْ	....
کَما صَبَرَ اُولُواالْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ	همان‌طور که پیامبران اولوالعزم پایداری کردند.

احقاف، ۳۵

وَ اِنْ تَصْبِروا	....
وَتَتَّقوا	....
فَاِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الاُمورِ	این همان عزم در کارهاست.

آل‌عمران، ۱۸۶

ترجمه

با استفاده از توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

حَسَنَة : نیکو، خوب　　مِلَّة : کیش، آیین　　اَوْفی: وفا کند

فَسَیُؤْتیهِ = فَـ + سَـ + یُؤتی + ه : به‌زودی به او خواهد داد

خَلیل : دوست　　یَشْتَرونَ : می‌فروشند　　یُکَلِّمُ : سخن می‌گوید

یَنْظُرُ : نگاه می‌کند　　اِصْبِر : صبر و پایداری کن

تَصْبِروا : پایداری کنید　　یُزَکّی : پاک می‌گرداند

بیشتر بدانیم

هزاران سال پیش، در شهر حیره، در سرزمین بین‌النهرین، جوانی رشید و برومند به نام «ابراهیم» به ماه و خورشید و ستاره‌پرستان چیزی گفت که هنوز هم جان را شیفته و قلب را مجذوب می‌کند.

«من هر چه را که افول کند و پایان پذیرد دوست ندارم.»

این جوان در نوجوانی نیز به‌گونه‌ای دیگر فکر خود را به دیگران ابراز کرده بود. او که در آن روزها «تصمیم خود را گرفته» و «عزم» را جزم کرده بود تا زندگی خود را بر پایه‌ی عشق به خدای یکتا بنا کند و دل به آن محبوب لایزال ببندد، سرپرست و عموی خود «آزر» را از بت‌پرستی و ساختن بت‌ها برحذر داشت، به بتخانه‌ی نمرودیان درآمد و بدون ترس از آتش خشم نمرود، همه‌ی بت‌ها، جز بت بزرگ را شکست و آنان را به ناتوانی بت‌ها آگاه کرد. پس از آن که آتش بزرگ نمرود بر او گلستان شد، از شهر نمرودیان، «بابل»، هجرت کرد و برای اقدامی به عظمت تمام تاریخ، رهسپار سرزمین‌های دور شد.

او تنهای تنها گام در بیکرانه‌ی صحرا گذارد، بیابان‌ها، درّه‌ها، کوه‌ها و دشت‌ها را پیمود تا به سرزمین فلسطین رسید. سالیانی دراز مردم را به بندگی خدای یگانه فرا خواند و درخت توحید را در این سرزمین تناور نمود.

پس از سال‌ها درنگ در فلسطین، به فرمان خداوند، عازم سرزمین مکه شد و با گذر از بیابان وسیع عربستان و تحمل سختی‌های فراوان به وادی مکه رسید و پس از سال‌ها خانه‌ی خدا را تجدید بنا کرد و آن جا را مرکز توحید قرار داد.

وقتی گَرد پیری بر چهره‌اش نشسته و به دیوار کعبه تکیه داده بود، شادابی و آرامش و رضایت به‌خوبی در نگاهش هویدا بود.

گویا به‌روشنی می‌دید که از نسل فرزندش اسحاق، پیام‌آوران بزرگی چون موسی و عیسی ظهور کرده‌اند و آیین او را به دیگر جهانیان رسانده‌اند و از ذریه‌ی فرزند دیگرش اسماعیل، پیامبری بزرگ به نام «محمد» ﷺ آمده است و توحید را تا دوردست‌های کره‌ی خاک گسترش داده است.

به یاد آن تصمیم در نوجوانی می‌افتاد و خاطرات پرفراز و نشیب یک زندگی طولانی را از نظر می‌گذراند و از پایداری‌ها و موفقیت‌های خود شادمان می‌شد، اما از غرور در او خبری نبود. اکنون او نیز «محبوب» خدا شده بود؛ و خداوند او را «دوست خود» می‌خواند و با او نجوا می‌کرد. آیا لذتی بالاتر از این هست که خداوند به انسانی بگوید «من تو را دوست دارم»؟

چه زندگی موفقیت‌آمیزی! چه عزم قوی و چه اراده‌ی محکمی! چه سرمشق زیبایی! اکنون نوبت ماست. لحظه‌ای درنگ، اندکی تأمّل با خود؛ آیا هریک از ما نمی‌توانیم به نسبت خودمان در تصمیم بزرگ ابراهیم شریک شویم؟

چرا، می‌توانیم! پس ای خدای مهربان! به ما کمک کن تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن بهترین تصمیم زندگی‌مان را بگیریم.



پیام آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و با ارتباط برقرار کردن میان آن‌ها و با توجه به زندگی‌نامه‌ی کوتاه حضرت ابراهیم علیه‌السلام به سؤالات زیر پاسخ دهید.

سؤال	پاسخ	آیه و زندگی‌نامه
۱ــ در این آیات چه فضیلت‌ها و کرامت‌هایی برای حضرت ابراهیم ذکر شده است؟	۱ــ .... ۴ــ .... ۲ــ .... ۵ــ .... ۳ــ ۶ــ	
۲ــ آیا این خوبی‌ها و کرامت‌ها اختصاص به ابراهیم علیه‌السلام یا پیامبران دارد؟	....	
۳ــ این خوبی‌ها و کرامت‌ها، نتیجه‌ی دو موفقیت بزرگ در زندگی ایشان بود. آن دو موفقیت کدام‌اند؟	موفقیت فردی : .... موفقیت اجتماعی :	برگرفته از زندگی‌نامه
۴ــ این موفقیت‌ها را به‌خاطر داشتن کدام ویژگی‌ها و انجام کدام کارها به‌دست آورده بود؟	۱ــ عزم و تصمیم بزرگ ۴ــ .... ۲ــ .... ۵ــ .... ۳ــ ۶ــ	
۵ــ اگر کسی بخواهد در برنامه‌ی زندگی، ابراهیم را اسوه قرار دهد، چه باید بکند؟	۱ــ .... ۳ــ .... ۲ــ ۴ــ	
۶ــ چرا اگر کسی حضرت ابراهیم علیه‌السلام را اسوه قرار ندهد، خداوند او را نادان می‌شمرد؟	....	
۷ــ لازمه‌ی وفای به یک عهد و موفقیت در انجام یک پیمان چیست؟	۱ــ ۲ــ	
۸ــ آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟	۱ــ .... ۳ــ .... ۲ــ ۴ــ	

تصمیم برای یک زندگی هدفدار

یکی از محورهای اصلی در پیام‌ها، داشتن عزم و تصمیم برای آغاز یک زندگی موفق است. عزم به معنی اراده، قصد و آهنگ به سوی هدفی است. آدمی با عزم و اراده ی خود آنچه را انتخاب کرده عملی می‌سازد. به همین جهت عزم، ظهور گوهر انسانیت، یعنی اختیار است و تفاوت

درجات انسان‌ها به درجاتِ‌عزم آن‌هاست.[1] استواری، اعتماد، شکیبایی و تحمل سختی‌ها از آثار عزم قوی است. داستان زندگی رسولان خدا گواه این مدعاست. کار بزرگ عزم بزرگ می‌طلبد. آنان که فاقد عزم و اراده‌اند، در مقابل وزش تندباد حوادث تاب نمی‌آورند و سرنوشت خود را به دست آن حوادث می‌سپارند. قدم گذاشتن در راه زندگی سعادتمندانه نیز نیازمند عزمی قوی است که در فراز و نشیب حوادث سست نشود و عازم راه را تنها نگذارد. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، می گوید :

وَ اصْبِرْ عَلیٰ ما اَصابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمورِ

بر آنچه به تو می‌رسد استقامت کن که این از عزم و اراده‌ی در کارهاست.

لقمان ۱۷

عهد و پیمان با خدا

کسی که راه سعادت را شناخته است و می‌خواهد در مسیر هدایت قدم گذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که در این راه ثابت‌قدم بماند و با عزمی استوار بر سر پیمان خویش بایستد.

چقدر زیباست که خداوند، راه سعادت ما را قرین رضایت خود ساخته است ؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی گام برداریم ؛ و آن‌گاه از ما ناخشنود خواهد بود که شقاوت و ناامیدی بر ما سایه افکنده باشد. پس عهد ما با خدا، هم رضایت او و هم سعادت و رستگاری ما را به دنبال دارد.

امّا از کجا بدانیم که آنچه خداوند، در مسیر بندگی و تکلیف، از ما می‌خواهد فقط برای سعادت ماست؟ در پاسخ باید گفت : او در کمالِ بی‌نیازی است و نقصی ندارد که بخواهد با درخواست از ما، آن را برطرف کند و همچنین ما هم چیزی از خود نداریم که تقدیم خدا کنیم، بلکه هرچه داریم از اوست. چون او سعادت ما را می‌خواهد، آگاهمان می‌کند که : می‌خواهم این راه را بروید، چون می‌دانم سعادت شما در این راه است. پس رضایت خدا در سعادت ما، و اطاعت از او راه سعادت ماست. از این‌رو می‌توان گفت :

میزان دینداری ما به میزان وفاداری ما به عهد و پیمانی است که با خدا بسته‌ایم. هر قدر در پیمان خود استوارتر باشیم، دینداری ما نیز کامل‌تر خواهد بود.

۱ــ امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۷

مقایسه

با اندیشه در آیاتی که خواندید و با استفاده از تجربیات خود، ویژگی‌های انسان‌های صاحب عزم و با اراده را با ویژگی‌های مردم بدون عزم و سست اراده مقایسه کنید و فرق آن‌ها را با یکدیگر مشخص نمایید.

انسان‌های صاحب عزم	انسان‌های فاقد عزم
۱ـ	۱ـ . . . .
۲ـ	۲ـ . . . .
۳ـ	۳ـ . . . .
۴ـ	۴ـ . . . .
. . . .	. . . .

عهد و میثاق میان انسان و خدا معمولاً در سه مرحله انجام می‌پذیرد :

۱ــ قدم گذاشتن در راه

فرد در این مرحله از عهد، جهت زندگی خود را مشخص می‌سازد و مسیر کلی آینده‌ی خود را معین می‌کند. ممکن است در ابتدای حرکت با دستورات الهی چندان آشنا نباشد و لذا در عمل به آن‌ها دچار خطاهایی شود. امّا چون جهت اصلی را درست انتخاب کرده، به‌تدریج افکار و اعمال خود را اصلاح می‌کند و راه را هموارتر می‌سازد.

اعمالی که انجام آن‌ها لازمه‌ی پیمودن راه سعادت است و بدون آن‌ها این راه طی نمی‌شود «واجب» نام دارند و اعمالی که مانع پیمودن راه هستند و ما را از مسیر خوشبختی دور می‌کنند، «حرام» نام دارند. انجام واجبات و دوری از محرمات همان پیمودن راه رستگاری و کسب رضای خداست و محتوای اصلی همان عهدی است که انسان با خدا می‌بندد. اعمال دیگری نیز هستند که عمل به آن‌ها واجب نیست، ولی رفتن به سوی کمال را آسان‌تر می‌کنند و انسان را به درجات برتر رستگاری می‌رسانند، این اعمال را «مستحب» می‌گویند. اعمالی نیز هستند که گرچه مانع رسیدن به سعادت نمی‌شوند، امّا از سرعت حرکت می‌کاهند و توفیق رسیدن به درجات برتر خوشبختی را از فرد سلب

می‌کنند ؛ این اعمال را «مکروه» می‌نامند. به جز این چهار مورد، کارهایی نیز در زندگی وجود دارند که نه واجب‌اند، نه حرام، نه مستحب‌اند، نه مکروه، مانند بازی‌کردن، قدم‌زدن، خوردن، خوابیدن، خریدن و فروختن. این اعمال را مباح می‌گویند. البته اصل انجام دادن یا ندادن این کارها مباح است. امّا هر وقت خواستیم یکی از این کارها را انجام دهیم، باید احکام اسلامی مربوط آن‌ها را رعایت کنیم. مثلاً بازی مباح است، امّا نه هر بازی ؛ قماربازی حرام است و نمی‌توان آن را انجام داد.

بیشتر بدانیم

در دوره‌ی راهنمایی درباره‌ی ضرورت مراجعه به یک فقیه دارای شرایط برای به‌دست‌آوردن احکام مطالبی خوانده‌اید. اکنون اضافه می‌کنیم که لازمه‌ی زندگی دینی، عمل به واجبات و دوری از محرّمات است و راه شناخت آن‌ها برای کسی که خودش متخصص در احکام نیست، سؤال از متخصص است که او را «فقیه و مجتهد» می‌گویند. ضروری است با مشورت کسانی که در این موضوع آگاه هستند، یکی از فقیهان را به‌عنوان مرجع تقلید انتخاب کنیم و مطابق با دستورهای وی وظایف خود را انجام دهیم. برای آسانی و سهولت کار می‌توانیم کتاب «رساله‌ی توضیح‌المسائل» مرجع خود را تهیه کنیم و مطابق با آن عمل نماییم.

اگر در مسیر زندگی سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی دارند، مانند دبیران دینی و قرآن و امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آن‌ها در میان بگذاریم*.

* برخی از پایگاه‌های قابل استفاده عبارتند از :

۱ــ واحد پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم	www. Pasokhgoo. ir
۲ــ پایگاه پاسخگویی به مسائل دینی	www. Porsojoo.ir
۳ــ مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم	www. andishe qom. com
۴ــ پایگاه جامع پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی	www. eporsesh. com
۵ــ دفتر مطالعات و تحقیقات زنان	www. womenrc. com
۶ــ مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان	www.Tebyan.net
۷ــ مرکز فرهنگ و معارف قرآن	www. Porsemaneqarun. com
۸ــ پایگاه اینترنتی حوزه	www. hawzeh. net
۹ــ معاونت آموزش و تبلیغ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	www. Porseman. org
۱۰ــ پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ	www. balagh. net

۲ـ تجدید عهد

هر صبحی که از راه می‌رسد و سپیده سر می‌زند، آغاز یک زندگی جدید و فرصتی دوباره برای برداشتن گامی دیگر است. در هر بامداد، با قیام در برابر پروردگار، عهد و میثاق خود را تجدید می‌کنیم و قرارهایی را که میان خود و خدا گذاشته‌ایم مرور می‌نماییم. این تجدید میثاق روزانه، غفلت و سهل‌انگاری را می‌زداید و ما را در عمل ثابت‌قدم‌تر می‌نماید.

۳ـ تکمیل عهد

به‌تدریج که در راه زندگی پیش می‌رویم و عزم و پشتکارمان فزونی می‌گیرد، درمی‌یابیم که حرکت‌های جدیدی را می‌توانیم در وجود خود آغاز کنیم و صفات پسندیده‌ای را در خود تقویت نماییم یا صفت ناپسندی را از خود دور سازیم. به‌طور مثال، تصمیم می‌گیریم از وقت خود برای مطالعه و تفکّر بیش‌تر استفاده کنیم، به والدین خود بیش‌تر احترام بگذاریم، به دیگران به‌ویژه بستگان و همسایگان، نیکی و احسان کنیم و نماز خود را در اوّل وقت بخوانیم. از همان روز برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم و با خدا عهد می‌بندیم که در انجام آن‌ها کوتاهی نکنیم.

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ کشف رابطه شرط و مشروط: به‌طورمثال، مشخص شد که شرط و لازمه‌ی وفای به عهد، بنابر آیات .... است.

۲ــ دریافت پاسخ از آیات: مانند این سؤال که «قرآن کریم چه کرامت‌هایی برای حضرت ابراهیم ذکر می‌کند؟»، که پاسخ آن از آیات درس به‌دست آمد.

۳ــ ارتباط میان چند آیه: به‌طورمثال برای دریافت فضیلت‌های حضرت ابراهیم آیات .... کنار هم قرار داده شد.

اندیشه و تحقیق

الف

۱ــ عزم چه رابطه‌ای با اختیار دارد؟

۲ــ چرا انسان‌های با اراده و مصمّم را دوست داریم و از انسان‌های بی‌اراده خوشمان نمی‌آید؟

ب

در آیات مبارکه‌ی ۱۳۰ طه، ۱۷ لقمان، ۶۰ و ۶۱ یس، تدبّر نموده و بیان کنید که هر آیه بر کدام یک از مراحل سه‌گانه‌ی عهد ناظر است.

پیشنهاد

۱ــ اگر داستان‌هایی از زندگی انسان‌های با اراده و مصمّم که در راه حق و حقیقت تلاش کرده‌اند، سراغ دارید، آن‌ها را یادداشت کنید و در کلاس برای دوستان خود بخوانید.

برای تحقیق در این باره می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

۱ــ خدا بود و دیگر هیچ، دکتر مصطفی چمران

۲ــ سفر به گرای ۲۷۰ درجه، احمد دهقان، سوره‌ی مهر

۳ــ مجموعه‌ی چلچراغ، انتشارات مدرسه

۴ــ رمز موفقیت بزرگان، رضا باقی‌زاده گیلانی

۵ ــ مجموعه‌های: «نیمه‌ی پنهان ماه»، «اینک شوکران»، «به مجنون گفتم زنده بمان» از انتشارات روایت فتح

تصمیم

با خود بیندیشید و مهم‌ترین پیمانی راکه باید با خداوند ببندید، مشخص کنید و در جمله‌ای زیبا با او در میان بگذارید. سپس تعیین کنید که :

۱ــ در چه زمان‌هایی با خداوند تجدید عهد می‌کنید؟

۲ــ با چه عهدهای دیگری آن را تکمیل می‌نمایید؟



درس دهم

پایداری در عزم

چه بسا انسان در آغاز گام نهادن در راه زندگی، چنان عزم و اراده‌ی قوی نداشته باشد که بتواند هر تصمیمی را به موقع و همواره انجام دهد. بنابراین لازم است با استفاده از راه‌های مختلف تصمیم خود را تقویت کند و از عواملی که سبب ضعف آن می‌شوند دوری جوید. همان‌طور که اجرای برنامه و استمرار آن برای نفس اطمینان می‌آورد و شادابی و نشاط می‌بخشد، شکستن پیمان و خلف وعده، سستی اراده و ضعف نفس را در پی دارد و کار به جایی می‌رسد که شخص با خود می‌گوید : «من نمی‌توانم، من ضعیف هستم.»

به همین جهت لازم است بدانیم :

دوام و پایداری در عزم به چه عواملی بستگی دارد؟

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

وَ سارِعوا اِلیٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ ....

وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّماواتُ وَ الْاَرْضُ ....

اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقینَ ....

آل‌عمران، ۱۳۳

اُولٰئِکَ یُسارِعونَ فِی الْخَیراتِ ....

وَ هُمْ لَها سابِقونَ — و آنان به سوی آن خیرات سبقت می‌گیرند.

مؤمنون، ۶۱

وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ اعْلَموا ....

اَنَّ اللّٰهَ بِما تَعْمَلونَ بَصیرٌ ....

بقره، ۲۳۳

لا تُدْرِکُهُ الْاَبْصارُ ....

وَ هُوَ یُدْرِکُ الْاَبْصارَ ....

وَ هُوَ اللَّطیفُ الْخَبیرُ — و او دقیق و آگاه است.

انعام، ۱۰۳

وَ اِنَّ عَلَیْکُمْ لَحافِظینَ	....
کِرامًا کاتِبینَ	(فرشتگان) بزرگواری که نویسندگان (اعمال شما) هستند.
یَعْلَمونَ ما تَفْعَلونَ	....

انفطار، ۱۰ تا ۱۲

اِنَّ الَّذینَ قالوا رَبُّنَا اللّٰهُ	....
ثُمَّ اسْتَقاموا	....
فَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ	....
وَلا هُمْ یَحْزَنونَ	....
اُولٰئِکَ اَصْحابُ الْجَنَّةِ	....
خالِدینَ فیها	....
جَزاءً بِما کانوا یَعْمَلونَ	....

اَحقاف، ۱۳ و ۱۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

وَالْعَصْرِ	....
اِنَّ الاِنْسانَ لَفی خُسْرٍ	....
اِلَّا الَّذینَ ءامَنوا	....
وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ	....
وَتَواصَوا بِالْحَقِّ	....
وَتَواصَوا بِالصَّبْرِ	....

عصر، ۱ تا ۳

اَلْاَخِلّاءُ یَومَئِذٍ	در آن روز، دوستان صمیمی
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ	....
اِلَّا الْمُتَّقینَ	....

زخرف، ۶۷

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

سارِعوا : بشتابید — اُعِدَّتْ : آماده شده است — اَبْصار : دیدگان

تُدْرِكُ : درک می‌کند — حافِظ : مراقب و ناظر — تَواصَوا : یکدیگر راسفارش کردند

عَرْض : وسعت — خُسر : زیانکاری

پیام آیات

با تفکّر و تدبّر در آیات قبل می‌توانیم به عوامل زیر برای تقویت عزم برسیم:

۱ــ تسریع در انجام تصمیم

آیات:

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند :

کسی که بر انجام کار خیری همت کرده، در عمل به آن تسریع کند و آن را به تأخیر نیندازد.[۱]

۱ــ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۷

بسیاری از انسان‌ها چون در شرایط روحی و معنوی خاصی واقع شوند، تصمیم جدیدی می‌گیرند. به‌طور مثال، کسی که وضع نابسامان فقیری را مشاهده می‌کند، تصمیم می‌گیرد بخشی از وقت خود را در راه کمک به نیازمندان اختصاص دهد، یا وقتی در حال و هوای شب‌های قدر قرار می‌گیرد و حال معنوی پیدا می کند، عهد می‌بندد که خطاهای خود را ترک نماید. در این میان، برخی از افراد هستند که چون از آن شرایط و حال و هوا بیرون آمدند، عزمشان سست می‌شود و تصمیم خود را فراموش می‌کنند. به همین خاطر نباید میان «تصمیم» و «عمل» فاصله بیفتد.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

تأمّل و درنگ از شتاب کردن بهتر است، مگر در فرصت‌هایی که برای انجام کار خیر به دست می‌آید[1].

۲ــ توجه به حضور در پیشگاه خداوند و فرشتگان

آیات:

احساس حضور در پیشگاه با عظمت خداوند سبب می‌شود که او را ناظر بر اعمال خود ببینیم و از برداشتن قدم‌های مخالف با عهد و پیمان منصرف شویم. همچنین توجه به حضور فرشتگان که نویسندگان اعمال ما هستند، مانع نقض عهد و پیمان است.

۳ــ توجه به عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم

آیات:

به یاد آوردن ثمره‌ی شیرین وفای به عهد و موفّقیّت‌های حاصل از آن و نیز توجه به عاقبت تلخ و تأسف‌بار شکستن پیمان، انسان را در عزم خود استوارتر می کند و نمی‌گذارد که پیمان شکسته شود و از دست برود.

همان‌طور که توجه به پیمان و عوامل تقویت‌کننده‌ی آن نتیجه بخش است، غفلت از آن‌ها نیز زیان‌آور است. غفلت، یعنی بی‌توجه بودن و سست شدن نسبت به هدف و راه رسیدن به آن و این را هم باید دانست که غفلت با فراموشی تفاوت دارد و لذا شخص فراموش‌کار مقصّر نیست. بلکه آن کسی سزاوار سرزنش است که فراموشی وی ناشی از غفلت و بی‌توجهی باشد.

غافل مباش ار عاقلی، دریاب اگر صاحب‌دلی
باشد که نتوان یافتن دیگر چنین ایّام را

۱ــ غررالحکم و دررالکلم، ج ۸۹/۲

۴ــ داشتن دوست همفکر و همراه

آیات:

بیش‌تر ما این تجربه را داشته‌ایم یا دیده‌ایم که وقتی تصمیم گرفته‌ایم شنا یاد بگیریم یا کوهنوردی کنیم یا کار مهمی را انجام دهیم، وجود دوستان همراه در پیشرفت کار و موفّقیّت ما مؤثر بوده است. تشویق دوستان، همراهی آنان با ما و نشان دادن راه‌حل‌های مناسب در مسیر کار سبب می‌شود که آن تصمیم بر ما آسان و با دلگرمی بیش‌تر راه را ادامه دهیم.

ارتباط آیات

با تفکّر در آیات سوره‌ی عصر و آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی زخرف و برقراری ارتباط میان آن‌ها، سه پیام اصلی را که مربوط به همراهی دوستان است، استخراج کنید.

پیشوایان دین که اسوه‌های حقیقی ما در زندگی هستند و موفّقیّت‌آمیزترین زندگی را سپری کرده‌اند، ما را به رعایت اصول دیگری دعوت کرده‌اند که دو اصل از آن‌ها را در ادامه‌ی اصل‌های قبل می‌آوریم.

۵ــ رعایت اصل اعتدال

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا علی، این دین استوار و متین است. به نرمی و ملایمت در آن وارد شو و کاری نکن که نفس تو از عبادت پروردگارت متنفر شود.»

آن‌گاه با یک مثال، پرهیز از افراط و تفریط را این گونه توضیح داد:

«سوارکاری که به مرکب خود زیاد فشار می‌آورد، نه مرکب را حفظ می‌کند و نه خود مسیر را طی می‌نماید (و به مقصد نمی‌رسد)»[1]

گاه فرد تصمیم به کاری می‌گیرد که فوق توان و طاقت اوست. همین امر سبب ناکام ماندن او می‌شود. بنابراین باید به توانایی جسمی و روحی خود توجه کنیم و تصمیم‌هایی متناسب با توانایی

۱ــ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۰ چاپ اسلامیه

خود بگیریم. در عبادت، کار، مطالعه، ورزش، بیدارماندن، خوابیدن و هر کار دیگری رعایت اعتدال و میانه‌روی ضروری است.

۶ــ رعایت اصل تدریج و تداوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید :

محبوب‌ترین کارها نزد خدای متعال، با دوام‌ترین آن‌هاست، گرچه اندک باشد.[۱]

برای این‌که تصمیم‌های ما پابرجا بمانند و تا پایان زمان تعیین شده ترک نگردند، رعایت اصل تدریج ضروری است. تدریجی عمل کردن است که سبب دوام عمل می‌شود. برای مثال، اگر تصمیم داریم یک کتاب را مطالعه کنیم، بهتر است صفحات آن را به گونه‌ای تقسیم کنیم که خسته نشویم و پس از مدتی مطالعه در وجودمان به یک رفتار دائمی تبدیل شود.

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ استخراج پیام : به‌طور مثال، از آیات .... اصل توجه به عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم استخراج شد.

۲ــ کشف ارتباط میان دو آیه : به‌طور مثال، با تفکّر در آیات سوره‌ی عصر و ۶۷ سوره‌ی زخرف این رابطه به‌دست آمد که ....

....

۱ــ امالی سید مرتضی، ج ۱، ص ۴۱

گام چهارم

عهد بستن با خدا

خدایا!
آهنگ آن دارم که از امروز
با همت خود به سوی انجام آنچه تو برایم
می‌پسندی بروم و از آنچه تو نمی‌پسندی دوری نمایم.
پروردگار من! با تو عهد می‌بندم در انجام واجبات
و دوری از محرمات کوشا باشم.

ای خدای مهربان!
از خطاها و لغزش‌های من در گذر و مرا در
این راه یاری فرما!

اندیشه و تحقیق

۱ــ آیا علاوه بر عوامل ذکر شده در این کتاب، عامل یا عوامل دیگری برای تقویت عزم می‌شناسید؟ آن‌ها را بیان کنید .

۲ــ به‌نظر شما چه عواملی ممکن است تصمیمات زیر را تهدید کند؟ هریک را جداگانه بنویسید.

الف ــ خواندن نمازهای روزانه در اوّل وقت

ب ــ مطالعه‌ی کتاب‌های مفید در هر هفته به میزان هفت ساعت

ج ــ کمک به نیازمندان از طریق همکاری با مؤسسات خیریه

۳ــ چرا امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند «سزاوار است کسی که همت برکار خیری کرده، در عمل به آن تسریع کند و آن را تأخیر نیندازد.»؟

پیشنهاد

خود را ارزیابی کنید:

با بعضی از عوامل تقویت یا تضعیف عزم آشنا شدید. اکنون با توجه به آن عوامل، خود را ارزیابی کنید و ببینید کدام یک از عوامل تقویت عزم در شما قوی‌تر و کدام‌یک ضعیف‌تر است و چه موانعی در زندگی برای اجرای عهدهای خود دارید. نتیجه‌ی بررسی را برای خود یادداشت کنید و مواردی را که قابل بیان است، در کلاس به بحث بگذارید.



درس یازدهم

در زمره‌ی بیداران

دانستیم که لازمه‌ی دین‌داری وفای به عهد خود با خداست. باقی ماندن بر پیمانی که با خدا بسته‌ایم، رشد و کمال ما و رضایت پروردگار را درپی دارد و شکستن پیمان به شرمندگی در مقابل او می‌انجامد. او پیوسته در انتظار ماست و صمیمی‌تر از مادر، آغوش مهرش را به روی ما گشوده است. این سخن خداست که :

> هر کس یک وجب به سوی من آید یک گام به سوی او خواهم رفت و هر کس گامی به سوی من آید، دو گام به سویش برخواهم داشت و هر کس آهسته به سویم آید، شتابان به جانبش خواهم شتافت.[1]

امّا آیا تا ابد برای برنامه‌ریزی و رسیدن به هدف‌های خود فرصت داریم؟ می‌دانیم که این‌گونه نیست. زمان به سرعت می‌گذرد و فرصت از دست می‌رود. پس :

۱ــ برای این که برنامه‌های خود را به اجرا درآوریم و از پیمان‌های خود محافظت کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم؟

۲ــ با چه روشی می‌توانیم تشخیص دهیم که در برنامه‌های خود موفق بوده‌ایم یا به موفّقیّت نرسیده‌ایم؟

۱ــ حدیث قدسی، عوالی اللآلی، ابن ابی‌جمهور احسایی، ج۱، ص ۵۶

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

وَ نَضَعُ الْموازینَ الْقِسْطَ	ما ترازوهای دادگری را می‌نهیم
لِیَوْمِ الْقیامَةِ	....
فَلاتُظْلَمُ نَفْسٌ شَیْئًا	....
وَاِنْ کانَ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ	و اگر به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی باشد
اَتَیْنا بِها	آن را می‌آوریم
وَکَفی بِنا حاسِبینَ	و ما برای حساب کافی هستیم.

انبیاء، ۴۷

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُکُمْ	....
بِالْاَخْسَرینَ اَعْمالًا	....
اَلَّذینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ	....
فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا	....
وَهُمْ یَحْسَبونَ	....
اَنَّهُمْ یُحْسِنونَ صُنْعًا	که کار نیکو می کنند.

کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴

یا اَیُّهَاالَّذینَ ءامَنُوا	....
اتَّقُوااللّٰهَ	....
وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ	و هرکس باید بنگرد

مـاقَـدَّمَـتْ لِـغَـدٍ	برای فردا چه آماده کرده است
وَاتَّـقُـوااللّٰـهَ	....
اِنَّ اللّٰـهَ خَـبـيـرٌ بِـما تَـعْـمَـلـونَ	....

حشر، ۱۸

ترجمه

به کمک عبارات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

لاتُـظْـلَـمُ : ظلم نشود به — نُـنَـبِّـئُ : خبر می دهیم، آگاه می کنیم

ضَلَّ : گم شد — يَـحْـسَـبـونَ : گمان می کنند.

پیام آیات

با اندیشه‌ی در آیات، پیام‌ها را تکمیل نمایید و آیات مربوط به هرکدام را مشخص کنید.

ردیف	پیام آیات	آیات
۱	در روز قیامت	
۲	امکان ندارد در محاسبه‌ی قیامت به کسی .... شود زیرا کسی که کارهای ما را ارزیابی می‌کند	
۳	برخی می‌پندارند .... در حالی که .... اینان کسانی هستند که در زندگی دنیایی خود،	
۴	هرکس باید مواظب باشد	

اگر میان این پیام‌ها ارتباط برقرار کنیم، می‌توانیم به این پیام کلی برای زندگی برسیم: شرط وفای به عهد و رسیدن به .... داشتن .... می‌باشد.

حال، این سؤال مطرح می‌شود که با چه برنامه‌ای می‌توان به این شرط جامه‌ی عمل پوشاند؟ برای پاسخ به این سؤال به پیشگاه پیشوایان خود می‌رویم و از راهنمایی آنان بهره می‌گیریم. آن بزرگواران برنامه‌ای بسیار دقیق عرضه داشته‌اند که مهم‌ترین ارکان آن برنامه «مراقبت» و «محاسبه» است.

مراقبت

مراقبت به معنای زیرنظر گرفتن، دقت و توجه داشتن است. عهدی که در ابتدا بسته می‌شود، مانند کودکی نوپا نیازمند مراقبت جدّی است تا از آسیب‌ها و تهدیدهای گوناگون درونی و بیرونی در امان ماند و استوار و محکم شود.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

گذشت ایّام آفاتی به دنبال دارد و موجب پراکندگی در تصمیم‌ها و کارها می‌شود.[1]

به طور مثال تصمیم می‌گیریم بعد از ظهر روزهای فرد به یک ورزشگاه برویم و ورزش کنیم. اگر در طول روز به این تصمیم توجه نکنیم و اهمیت آن را برای خود یادآور نشویم، چه بسا نسبت به تصمیم خود سست شویم یا کاری دیگر ما را به خود مشغول کند و از اهمیت این عهد بکاهد و مانع انجام ورزش شود. این مراقبت، ابعادی دارد که عبارتند از:

۱ــ مراقبت از اصل عمل: شخص باید مراقب باشد تا در درجه‌ی اول به اصل عهد و پیمانی که با خدا بسته، عمل کند، به‌طوری که هیچ‌یک از اجزای اصلی آن فروگذار نشود. به‌طور مثال، در هنگام ادای نماز باید دقت کند، تمام واجبات نماز را به درستی انجام دهد و نگذارد نماز او باطل شود.

تکمیل

برای انجام اصل نماز دو دسته عمل واجب است: رکن و غیر رکن.

رکن: عملی است که .... سبب باطل‌شدن نماز می‌شود.	غیررکن: عملی است که .... سبب باطل شدن نماز می‌شود.
۱ــ ۴ــ	۱ــ ..... ۴ــ .....
۲ــ ۵ــ	۲ــ ..... ۵ــ .....
۳ــ	۳ــ ..... ۶ــ .....

۱ــ غررالحکم و دررالکلم، ج ۴ ص ۶۲۶

۲ــ مراقبت از کیفیت انجام عمل: مقدار مؤثر بودن یک عمل به کیفیت انجام آن بستگی دارد. برای مثال، مطالعه‌ی مؤثر وقتی انجام می‌شود که در شرایط مناسب و همراه با دقت و توجه باشد. همچنین کسی که انفاق می‌کند باید مراقب باشد آبروی شخص مستحق را نریزد و بر او منّت نگذارد تا بدین‌وسیله کیفیت عمل او بالا رود.

پس برای این‌که در کارهای خود به نتیجه‌ی مطلوب برسیم و تأثیر آن‌ها را احساس کنیم، باید مراقب باشیم که آن‌ها را به بهترین صورت انجام دهیم.

بررسی

* برای این‌که نماز کیفیت مطلوب داشته باشد، به طوری که احساس کنیم تأثیر سازنده بر ما داشته است، چگونه باید آن را انجام دهیم؟

۱ــ..

۲ــ..

۳ــ..

۴ــ..

۳ــ مراقبت از نیت و انگیزه ی عمل: مهم‌ترین جنبه‌ی هر عمل، نیّت یا قصدی است که از انجام آن داریم. باید در عمل خود اخلاص داشته باشیم و آن را آلوده به هدف‌های دنیوی و پست نکنیم. برای مثال، اگر ما به دیگران کمک می‌کنیم، این کمک وقتی موجبات رستگاری ما را فراهم می‌آورد و به‌اصطلاح «ثواب دارد» که برای خودنمایی نباشد، بلکه آن را صرفاً به خاطر خدا و از روی وظیفه‌شناسی انجام دهیم. حال اگر هدف ما خودنمایی باشد، نه‌تنها به کمال ما کمک نمی‌کند، بلکه ما را از رسیدن به رستگاری هم بازمی‌دارد.

امیرمؤمنان می‌فرماید :

«آفت یک عمل، ترک اخلاص در آن است»[۱] و «اعمال انسان به وسیله‌ی اخلاص صعود می‌کند و بالا می‌رود.»[۲] و «خوشا به حال کسی که علم و عملش، دوستی و دشمنی‌اش، گرفتن و ترک کردنش، سخن گفتن و سکوتش را برای خداوند خالص کند.»[۳]

۱و۲ــ غررالحکم و دررالکلم، ج۳، ص ۱۰۸ ۳ــ همان، ج۴،ص ۲۴۳

تأثیر یک عمل در رشد معنوی انسان وابسته به قصد و نیّتی است که عمل‌کننده در دل دارد. لذا باید از نیّت خود در اعمال مراقبت نماییم و نگذاریم کارهای ارزشمند و متعالی، آلوده به هدف‌های کوچک و پست گردد. البته نباید فراموش کرد که نیّت‌های خوب می‌توانند همسوی با هم قرار گیرد. برای مثال، دانش‌آموزی که برای پیشرفت کشور و آسایش مردم درس می‌خواند، ازآن‌جا که می‌داند که خداوند این عمل را دوست دارد و در راستای رضایت اوست،سعی بیشتری می‌کند و چنین دانش‌آموزی نه‌تنها به جامعه کمک می‌کند، بلکه خودش به کمال معنوی و پاداش اخروی و رضایت خداوند هم می‌رسد.

امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

کسی که با مراقبت، قلب خود را از غفلت حفظ کند و نفسش را با نظارت از شهوت حفظ نماید و عقل خود را با کسب آگاهی از جهل مصون دارد، در زمره‌ی بیداران است.[1]

بررسی

برای این‌که نمازی با اخلاص داشته باشیم و واقعاً آن را به قصد قربت انجام دهیم، چه راه حلّی پیشنهاد می‌کنید.

....

....

محاسبه و ارزیابی

بعد از مراقبت، نوبت به محاسبه و ارزیابی می‌رسد تا میزان موفّقیّت در عمل به‌دست آید و عوامل موفّقیّت یا عدم موفّقیّت شناخته شود. درواقع، محاسبه برای این است که انسان نباید بر خود آسان بگیرد و نسبت به اشتباهات خویش بی‌توجه باشد. آن کس که از خطای دیگران می‌گذرد، کرامت و بزرگواری نشان داده، امّا کسی که خطا و گناه خود را نادیده می‌گیرد، ضعف و زبونی خود را در مقابل آن ثابت کرده است.

۱ــ بحارالانوار، ج ۷۰، ص۶۸

رسول خدا ﷺ فرمود :

به حساب خود رسیدگی کنید قبل از این‌که به حساب شما برسند.[1]

کشف ارتباط

سخن رسول خدا ﷺ دربارهٔ ضرورت محاسبه، با کدام یک از آیات ابتدای درس ارتباط دارد و این ارتباط چگونه است؟

....

....

....

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید :

کسی که در هر روز کارهای خود را ارزیابی و محاسبه نکند از ما نیست.[2]

از کلام اخیر نتیجه می‌گیریم که محاسبه‌ی اعمال باید روزانه باشد. بهترین زمان آن نیز، در پایان هر روز و قبل از خواب است. خوب است همیشه در آخرین لحظات روزی که پشت سر گذاشته‌ایم و برگی دیگر از عمرمان ورق می‌خورد، نگاهی به کارها و اعمال خود بیندازیم ؛ اگر موفّق بوده‌ایم سپاسگزار خداوند باشیم و اگر کوتاهی کرده‌ایم به درگاهش استغفار نماییم و با عزمی تازه و امیدی نو، خود را برای روز بعد آماده سازیم.

تفکّر در احادیث

در جدول صفحه‌ی بعد سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است. در این سخنان تأمّل کنید و آثاری را که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج نمایید.

۱ــ وسائل الشیعة، ج۱۶، ص۹۹ ۲ــ اصول کافی، ج۴، ص۱۹۰

حدیث	پیام
۱ــ مَنْ حاسَبَ نَفْسَهُ، وَقَفَ عَلیٰ عُیوبِهِ وَ اَحاطَ بِذُنوبِهِ وَ اسْتَقالَ الذُّنوبَ[۱] وَ اَصْلَحَ الْعُیوبَ	. . . .
۲ــ ثَمَرَةُ الْمُحاسَبَةِ صَلاحُ النَّفْسِ	. . . .
۳ــ مَنْ حاسَبَ نَفْسَهُ، سَعِدَ[۲]	. . . .

پیمان‌بستن با خدا + مراقبت از پیمان + محاسبه از خود برای انجام پیمان ⇐ موفقیت در پیمان و پیروزی در زندگی

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ ارتباط برقرار کردن میان چند آیه : مانند کاری که در فعالیت «ج» انجام گرفت.

۲ــ استفاده از حدیث در تبیین آیات : مانند احادیثی که در این درس مورد استفاده قرار گرفت و پایداری در عزم توضیح داده شد.

۱ــ اِستَقالَ الذُّنوبَ : از بند گناهان رها می‌شود.

۲ــ هر سه حدیث از میزان‌الحکمة، ج۱، ص۶۱۸

پیشنهاد

اگر بخواهیم «ورزش» و «مطالعه‌ی کتاب‌های غیر درسی» را در برنامه‌ی هفتگی خود قرار دهیم، برای هر یک از ابعاد مراقبت، چه کارهایی باید بکنیم؟

	ورزش	مطالعه
مراقبت از اصل عمل		
مراقبت از کیفیت عمل		
مراقبت از نیت عمل		



از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام پرسیدند:

زیرک‌ترین آدم‌ها کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره‌ی این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فروبسته‌ی مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟[1]

۱ــ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۶۹

گام پنجم

....

ای خدای من!
اکنون که آهنگ زندگی بر اساس
راهنمایی‌های تو را دارم، می‌کوشم در انجام عهدم با تو
پایدار بمانم و از آن مراقبت کنم.
خدایا! مرا یاری کن تا در ارزیابی و محاسبه‌ی کارهای
خود، سهل‌انگاری نکنم.

بارالها!
اگر غفلتی ورزیدم و در اجابت فرمان تو کوتاهی
کردم، از من درگذر و توفیقم ده تا دوباره
به سوی تو آیم.

اندیشه و تحقیق

۱ــ چرا مراقبت در ابتدای اجرای هر برنامه ضروری‌تر است؟

۲ــ بعضی از افراد می‌گویند : «ما اعمال و عباداتی را انجام می‌دهیم ولی تأثیر آن‌ها را در خود احساس نمی‌کنیم.» فکر می‌کنید اشکال کار این افراد در کجاست؟

۳ــ چه رابطه‌ای میان «مراقبت» و «محاسبه» برقرار است؟ آیا این دو به یکدیگر وابسته‌اند؟

۴ ــ چرا باید از نیّت و قصد خود در هنگام عمل مراقبت کنیم؟ آیا این موضوع با این سخن پیامبر ﷺ ارتباط دارد که می‌فرماید : «اِنَّمَا الْاَعْمالُ بِالنِّیّاتِ»[۱]؟

۵ــ آسان گرفتن و گذشت در چه صورتی پسندیده است و در چه صورتی ناپسند است؟

پیشنهاد

سخن امام صادق علیه‌السلام درباره بیداران یا کلام حضرت علی علیه‌السلام درباره زیرک‌ترین آدم‌ها و همچنین گام چهارم را با خطاطی و طراحی زیبا در کلاس نصب کنید.

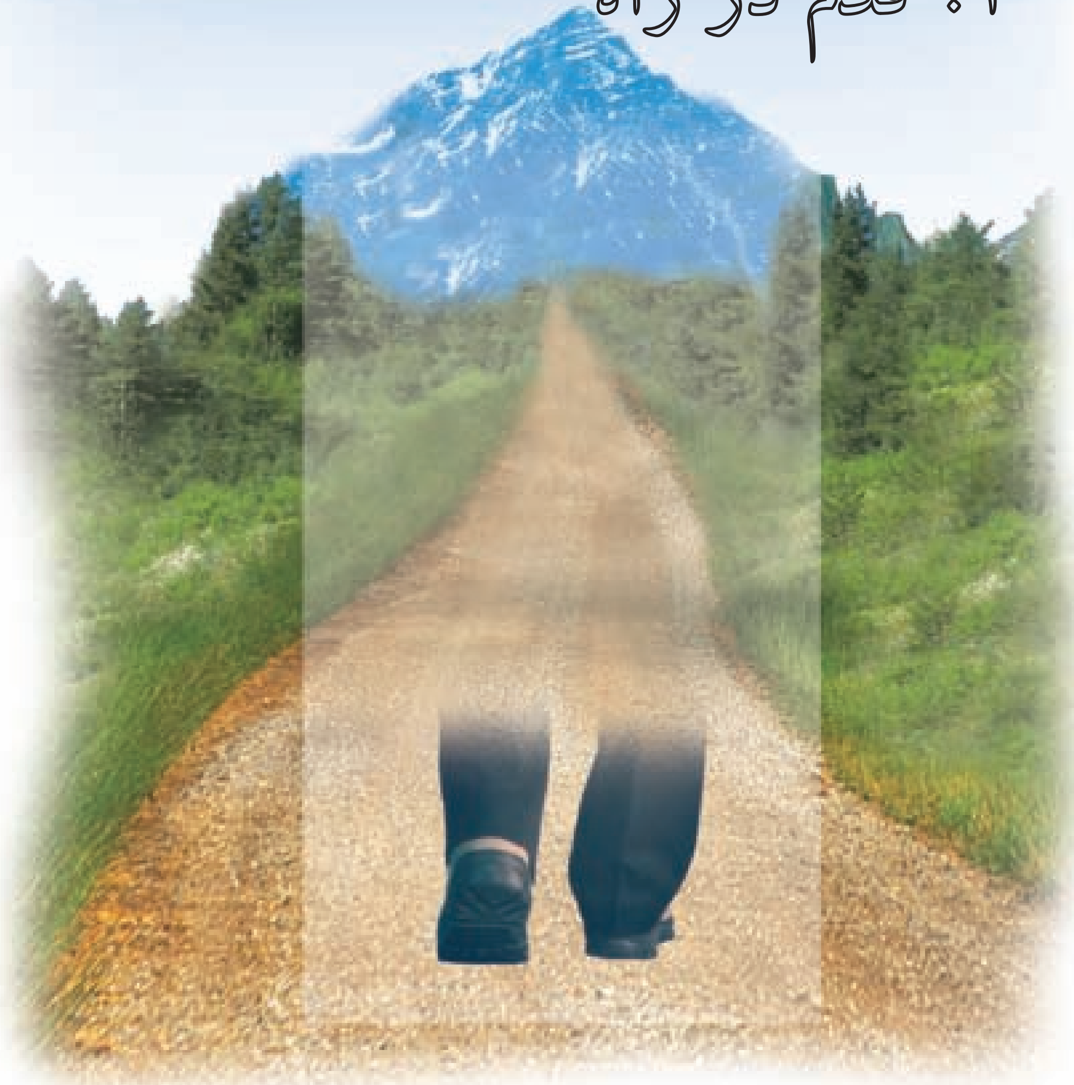
۱ــ التهذیب، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۸۳

فَأَمَّا الَّذينَ ءامَنوا بِاللّٰهِ وَ اعْتَصَموا بِهٖ
فَسَيُدْخِلُهُمْ فى رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ
وَ يَهْديهِمْ اِلَيْهِ صِراطًا مُسْتَقيمًا

نساء ۱۷۵

و امّا کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسک جستند، به زودی آنان را در رحمت و فضلی از جانب خویش درآوَرَد، و ایشان را به سوی خود، به راه راست، هدایت کند.

۳. قدم در راه





درس دوازدهم

آیین رهروی

راه زندگی را با تفکّر در هدف و غایت زندگی آغاز کردیم و با عبور از آمادگی و توجه قلبی (ایمان به هدف و غایت زندگی)، به عزم و آهنگ حرکت به سوی آن رسیدیم. اکنون می‌خواهیم قدم‌ها را برداریم و به سوی هدف پیش برویم. برای این کار به برنامه‌ریزی نیاز داریم. زیرا هر حرکتی با وجود یک برنامه‌ی منظم و دقیق به مقصد می‌رسد.

در این درس می‌خواهیم بدانیم :

۱ــ برنامه‌ی زندگی ما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

۲ــ در این برنامه چه کارهایی را باید درنظر بگیریم؟

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

مَنْ عَمِلَ صالِحًا	....
مِنْ ذَکَرٍ اَوْ اُنْثیٰ	....
وَهُوَ مُؤْمِنٌ	....
فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً	او را به زندگانی پاک زنده بداریم
وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ	و مزدشان را بدهیم
بِاَحْسَنِ ما کانوا يَعْمَلونَ	برپایه‌ی نیکوترین کاری که می‌کردند.

نحل، ۹۷

لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسولِ اللّٰهِ	....
اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ	....
لِمَنْ کانَ يَرْجُو اللّٰهَ	....
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ	....
وَذَکَرَ اللّٰهَ کَثيرًا	....

احزاب، ۲۱

وَهُوَ الَّذی سَخَّرَ الْبَحْرَ	....
لِتَأْکُلوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِیًّا	تا از آن، گوشت تازه بخورید.
وَتَسْتَخْرِجوا مِنْهُ	و از آن بیرون آورید
حِلْیَةً تَلْبَسونَها	زیوری را که می‌پوشید.
وَ تَرَی الْفُلْکَ	....
مَواخِرَ فیهِ	که شکافندگانِ [آب]اند
وَ لِتَبْتَغوا مِنْ فَضْلِهِ	....
وَ لَعَلَّکُم تَشْکُرونَ	....

نحل، ۱۴

وَقَضیٰ رَبُّکَ	....
اَلّا تَعْبُدوا اِلّا اِیّاهُ	....
وَ بِالْوالِدَیْنِ اِحْسانًا	....
اِمّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ	اگر به پیری رسیدند نزد تو
اَحَدُهُما اَوْ کِلاهُما	یکی از آن دو یا هردو
فَلاتَقُلْ لَهُما اُفٍّ	....
وَلا تَنْهَرْهُما	بر آن‌ها بانگ مزن
وَقُلْ لَهُما قَوْلًا کَریمًا	....

اسراء، ۲۳

یا بُنَیَّ اَقِمِ الصَّلاةَ	....
وَأْمُرْ بِالْمَعْروفِ	....
وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ	....
وَ اصْبِرْ عَلیٰ ما اَصابَكَ	....
اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمورِ	که این از عزم در کارهای مهم است.
وَ لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنّاسِ	و روی خود را از مردم [به تکبر] برمگردان،
وَلا تَمْشِ فِی الْاَرْضِ مَرَحًا	و در زمین مغرورانه راه مرو ؛
اِنَّ اللّٰهَ لا یُحِبُّ	....
کُلَّ مُخْتالٍ فَخورٍ	هرخودپسند فخرفروش
وَ اقْصِدْ فی مَشْیِكَ	و در راه رفتنت میانه‌رو باش،
وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ	و صدایت را پایین بیاور
اِنَّ اَنْکَرَ الْاَصْواتِ	که همانا ناخوش‌ترین صداها
لَصَوْتُ الْحَمیرِ	صدای خران است.

لقمان، ۱۷ تا ۱۹

ترجمه

با استفاده از عبارت‌های زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

ذَکَر : مرد	اُنْثیٰ : زن
ما اَصابَكَ : آن‌چه به تو رسید	بُنَیَّ : فرزندم، پسرم
اُسوَةٌ : سرمشق، الگو	کانَ یَرْجو : امید دارد، امید داشت
قَضیٰ: فرمان داد، حکم کرد	لاتَقُلْ : نگو
کَریم : زیبا، ارزشمند	

پیام آیات (۱)

با تدبّر در آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی نحل درمی‌یابیم که:

شرط رسیدن به «زندگی پاک» و «...........»، «...........» و «عمل صالح» است.

در قرآن کریم معمولاً کلمه‌ی «عمل»، با کلمه‌ی «صالح» همراه است. مقصود از «عمل صالح» چیست؟

«صالح» به معنای «دارای صلاحیت» و «شایسته» است. «عمل صالح» آن عملی است که شایستگی دارد انسان را به زندگی پاک و سعادت حقیقی برساند و از به‌هدردادن عمر جلوگیری کند.[۱]

ضرورت برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی به انسان کمک می‌کند که در شرایط مختلف همان عملی را انجام دهد که «صالح» باشد و او را به موفقیت برساند. به همین جهت است که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید :

۱ــ تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، تفسیر آیه‌ی ۱۳۰ سوره‌ی بقره

قوام و استحکام زندگی با داشتن یک نقشه‌ی زیبا میسر است و اساس آن نقشه‌ی زیبا نیز یک تدبّر زیباست.[1]

و تأکید می‌کند که :

وقت‌های تو اجزای عمر تو‌أند، پس هیچ زمانی را از دست مده، مگر برای آن چیزی که به رستگاریت کمک کند.[2]

برنامه، اهداف اصلی را از فرعی جدا می‌کند و میزان توجه و پرداختن به هر کدام را معیّن می‌سازد و راه رسیدن به اهداف را معرفی می‌نماید. برنامه، جایگاه هر عمل و هر وظیفه‌ای را متناسب با زمان و امکانات و استعدادهایی که انسان دارد، معین می‌کند. درواقع زمان، ظرفِ عمل ماست. هر بامداد که سپیده سر می‌زند و سلامِ روزِ تازه را ندا می‌دهد، تا بامداد دیگر دقایق و ساعات بسیاری در اختیار ما قرار می‌گیرد که هر زمانی مناسب برای کار خاصی است. به‌طور مثال، صبح زود برای نماز، تلاوت قرآن، مطالعه‌ی درس و ورزش صبحگاهی مناسب است و بخشی از روز برای کار و مدرسه و بخشی دیگر برای فعالیت‌های اجتماعی و ورزش و تفریح و مانند آن. آرامش شب نیز متناسب با استراحت، تفکّر و مطالعه و راز و نیاز با خداست.

حالات روحی و جسمی ما نیز در سنین مختلف متفاوت است که باید متناسب با همان حالات برنامه‌ریزی کرد.

دوره‌ی کودکی، دوره‌ی ظهور و بروز توانایی‌های طبیعی و بازی و سرگرمی است ؛ و دوره‌ی نوجوانی و جوانی، دوره‌ی کسب مهارت‌ها، دانش‌اندوزی، آمادگی برای حضور در جامعه و بخصوص دوره‌ی شکوفایی فکر و اندیشه و انتخاب‌های بزرگ است ؛ انتخاب‌هایی که شخصیت و منش انسان را رقم خواهند زد.

بنابراین، گرفتن تصمیم‌های متناسب با شرایط زمانی و سنی و روحی و خُلقی، نیازمند دقت و کاردانی و تنظیم نقشه‌ای حساب شده است تا در این فرصت عمر، بیشترین استعدادهای آدمی به رشد و کمال برسند و کمترین ضرر و زیان وارد شود.

۱ــ غررالحکم و دررالکلم، ج۴،ص۵۱۵ ۲ــ همان، ص ۶۰۲

بیشتر بدانیم

ما بسیار تواناتر از مخلوقات پیرامون خود هستیم

تمام مخلوقات پیرامون ما برای پیمودن راه خود و برای رسیدن به مقصدی که دنبال می‌کنند، از برنامه‌ای بسیار منظم و دقیق که خدا برای آن‌ها تنظیم کرده پیروی می‌کنند و هرکار خود را روی حساب انجام می‌دهند. شما می‌توانید کار برخی از این مخلوقات را زیرنظر بگیرید و برنامه‌ریزی آن‌ها را ثبت کنید. فیلم‌های مستندی که درباره‌ی زندگی حیوان‌ها و گیاهان تهیه شده، کمک فراوانی به شما می‌کند. در زندگی آنان هیچ لحظه‌ای برای تلف شدن و بی‌برنامه بودن وجود ندارد. تمام لحظات عمر آنان برای کار خاصی پیش‌بینی شده است. حتی دوران استراحت آنان هم جای مشخص خود را دارد. به دو نمونه‌ی زیر توجه کنید :

ساعت زیستی در چرخه‌ی زندگی یک نوع گنجشک، بسیار جالب و شگفت‌انگیز



است. او در هر فصلی چنان عمل می‌کند که گویی از هم‌اکنون می‌داند که چند ماه آینده چه خواهد شد. هماهنگی زمانی میان برنامه‌ی غذایی، تاریخ مهاجرت و مواظبت از نسل، نشان از آن دارد که هر حرکتی به منظور خاصی انجام گرفته، به طوری که اگر آن حرکت انجام نمی‌گرفت تمام کارهای بعدی بی‌نتیجه می‌ماند. اگر چرخه‌ی رفتار او را از بهار پی‌گیری کنیم، می‌بینیم که در این فصل میزان تغذیه‌ی خود را افزایش می‌دهد تا برای تابستان که می‌خواهد به سرزمین شمال مهاجرت کند، آماده باشد. وقتی به سرزمین جدید مهاجرت کرد، در این سرزمین تخم‌گذاری می‌کند و جوجه‌های خود را به دنیا می‌آورد. زیرا هوای تابستانیِ سرزمین جدید را برای نگه‌داری جوجه‌ها مناسب می‌بیند. کم‌کم جوجه‌های او بزرگ می‌شوند و فصل پاییز هم فرا می‌رسد. در ابتدای این فصل دوباره میزان تغذیه را افزایش می‌دهد تا خود را آماده‌ی مهاجرت به سرزمین‌های جنوب کند که در زمستان هوای معتدل‌تری دارند. این برنامه‌ریزی دقیق سبب می‌شود که هم خودش بتواند زندگی کند و هم نسل وی ادامه یابد.[1]

* * *

عسل یکی از سودمندترین غذاهای طبیعی است که خداوند در قرآن کریم از آن به عنوان غذایی شفابخش یاد کرده است. درباره‌ی فواید این غذا، دانشمندان سخن‌های فراوان گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند. زنبور، برای تهیه‌ی این ماده از نقشه‌ای بسیار دقیق پیروی می‌کند.

وقتی که گیاهان و درخت‌ها گل می‌دهند، زنبور روی شهد گل‌ها که اصلی‌ترین قسمت گل است، می‌نشیند و به جمع‌آوری شهد می‌پردازد و در کیسه‌ای مخصوص که در بدنش قرار دارد، ذخیره می‌نماید. بعد از این که حجم شهدها به ۴۰ میلی‌گرم رسید، به سوی کندو بازمی‌گردد. در هنگام بازگشت، مقداری «دیاستاز» که عامل رسوب عسل طبیعی است، به آن ترشح می‌کند. دیاستاز در جدار همان کیسه‌ای قرار دارد که شهدها در آن ذخیره می‌شود. زنبور، در همان حال، مقداری از آب شهد را جذب می‌کند تا عسل به غلظت موردنظر برسد. بعد از آن، این شهد غلیظ را که حالا عسل نام

۱ـ Claude a. Villee et al, Biology. Second edition. P 1251

دارد، به درون یکی از سلول‌هایی که به وسیله‌ی موم درست کرده می‌ریزد. به‌تدریج سلول‌های کندو از عسل پرمی‌شود تا هم خود زنبور از این ماده‌ی غذایی مفید بخورد و هم انسان‌ها و برخی حیوان‌ها از آن استفاده کنند.

زنبور یکی از پاکیزه‌ترین مخلوقات خدا نیز هست. او هرگز مدفوع خود را در کندو نمی‌ریزد و برای دفع آن به خارج از کندو می‌رود.

یک تقسیم کار دقیق نیز میان زنبورها صورت گرفته است. زنبورهای بزرگسال برای تهیه‌ی عسل به خارج از کندو می‌روند و زنبورهای جوان فقط به مراقبت نوزادان و ساختن موم و کارهای دیگر داخل کندو می‌پردازند.





می‌بینیم که هر مخلوقی در طبیعت، هرچند کوچک برای همه‌ی ایّام عمر خود برنامه دارد و از یک برنامه‌ی غریزی و خدادادی پیروی می‌کند و در هر زمانی به کاری مشغول است و زمان هرز رفته و تلف شده ندارد. ما نیز که از قدرت عقل و فکر برخورداریم، می‌توانیم این درس بزرگ را از مخلوقات پیرامون خود بگیریم و هر زمانی را به کار مناسب با آن اختصاص دهیم. هم خود از آن بهره بگیریم و هم به دیگران بهره برسانیم.

قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند

بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم

حافظ

ذکر نمونه‌ها

حتماً شما نیز در مطالعات خود با نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی هدفمند در طبیعت روبه‌رو شده اید. این نمونه‌ها را برای دوستان خود در کلاس بیان کنید و هماهنگی میان آن برنامه با زمان را توضیح دهید.

تطبیق

مشخص کنید که کدام یک از کارهای زیر عمل شایسته محسوب می‌شوند و کدام محسوب نمی‌شوند. دلیل آن را در کلاس توضیح دهید. دو جای خالی را نیز پرکنید.

عمل	شایسته	ناشایست
۱ــ دیدار از پدر بزرگ و مادربزرگ، سالی یک بار .		
۲ــ تأخیر در آموختن احکامی که در بیش‌تر مواقع نیاز به دانستن آن‌ها هست.		
۳ــ اختصاص وقت محدودی از شبانه‌روز برای دیدن تلویزیون.		
۴ــ بیدار بودن تا پاسی از شب و خواب ماندن تا بعد از طلوع آفتاب.		
۵ــ اختصاص وقت معینی به ورزش در هر هفته.		
۶ــ	×	
۷ــ مطالعه‌ی هر نوع کتاب به مدت دو ساعت در هفته.		
۸ــ		×
۹ــ قرائت چند آیه از قرآن کریم و تدبّر در آن آیات، بعد از نماز صبح.		
۱۰ــ کنار گذاشتن مقداری از پول خود برای کمک به مستمندان.		

پیام آیات (۲)

با تدبّر در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی احزاب درمی‌یابیم که:

به شرطی برنامه‌ی ما برای زندگی موفّقیّت آمیز خواهد بود که .... قرار داده باشیم.

رسول خدا و اهل‌بیت ایشان الگوی ما، در راه زندگی

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و اهل‌بیت ایشان علیهم‌السلام برنامه‌ی دقیقی برای زندگی خود داشته‌اند و سفارش‌های فراوانی به یاران و پیروان خود نموده‌اند که آنان نیز زندگی با برنامه و هدفمندی طراحی نمایند.

روزی امام حسین علیه‌السلام از پدر گرامی خود پرسید: وقتی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله به خانه می‌رفتند چه می‌کردند؟

فرمود:

در منزل اوقات خود را سه قسمت می‌کرد: قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای خود. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و عموم مردم را به‌حضور می‌پذیرفت.[1]

ابوذر می‌گوید که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمود:

برای عاقل و خردمند ضروری است که ساعات خود را چنین تقسیم کند: ساعتی برای مناجات با پروردگار، ساعتی جهت رسیدگی به اعمال خود، ساعتی برای تفکّر در آنچه خداوند به او عطا کرده است و ساعتی برای بهره‌بردن از نعمت‌های خدا.[2]

زندگی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و اهل‌بیت ایشان اسوه و الگوی کاملی برای ماست. ما می‌توانیم با نگاه به سیره‌ی آنان در زندگی بهترین برنامه‌ها را برای خود تنظیم کنیم و راه سعادت و خوشبختی را بپیماییم. به همین جهت خداوند رسول خدا صلی‌الله علیه و آله را اسوه‌ی ما قرارداده است و رسول خدا نیز از ما خواسته که اهل بیت گرامی ایشان را برای سرمشق انتخاب کنیم.

اسوه کسی است که می‌توان به راه او رفت و از او متابعت کرد. البته این بدان معنا نیست که حتماً عین او باشیم. ما می‌کوشیم که از الگوی کامل و نیکو یعنی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و اهل بیت گرامی‌ایشان علیهم‌السلام پیروی کنیم و در این راه، هر چه موفّق‌تر باشیم، به آن‌ها نزدیک‌تر شده و از نور وجودشان بیش‌تر بهره‌مند می‌شویم.

۱ــ نگاهی دوباره به سیمای پیامبر (ص)، ص۳۴

۲ــ بحارالانوار، ج۷۷، ص۷۳

امیرمؤمنان در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش چنین بیان می‌فرماید :

«آگاه باش که مردم، نیازمند امامی هستند که از وی پیروی کنند و به نور دانش او روشنی جویند. حال امام شما از دنیای خود به دو لباس کهنه و برای خوراکش به دو قرص نان اکتفا کرده. البته شما قادر به چنین زندگی سختی نیستید. ولی از شما می‌خواهم که با پرهیزگاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری مرا یاری کنید.»[1]

پیام آیات (۳)

با تدبّر در آیات ۱۴ سوره‌ی نحل، ۲۳ سوره‌ی اسراء و آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره‌ی لقمان و کنار هم قرار دادن آن‌ها درمی‌یابیم که:

۱ـ بخشی از برنامه‌های زندگی ما در ارتباط با .... است، مانند ....

۲ـ بخشی از برنامه‌های زندگی ما در ارتباط با .... است، مانند ....

۳ـ بخشی از برنامه‌های زندگی ما در ارتباط با خانواده است، مانند ....

۴ـ بخشی از برنامه‌های زندگی ما در ارتباط با .... است، مانند ....

۵ـ بخشی از برنامه‌های زندگی ما در ارتباط با خلقت است، مانند ....

می‌دانیم که تمام این پنج دسته اعمال و وظایف، وقتی ارزشمند هستند که به قصد رضایت دوست حقیقی و رسیدن به رستگاری انجام شوند، یعنی برای تقرب به خداوند باشند. برخی از برنامه‌ها، ممکن است فقط در ارتباط با یکی از موارد بالا باشد و برخی در ارتباط با بیش از آن، مثلاً نماز، وقتی که به صورت فرادیٰ انجام گیرد، فقط در ارتباط با خداست. زیرا فقط با او راز و نیاز می‌کنیم. امّا اگر همین نماز به جماعت برگزار شود، علاوه بر راز و نیاز با خدا، سبب اخوّت و همبستگی میان مردم هم می‌گردد و بنابراین در ارتباط با جامعه نیز می‌باشد. قرائت و تدبّر در قرآن، از آن جهت که قرآن کلام خداست، برنامه‌ای در ارتباط با خدا محسوب می‌شود و از آن جهت که به رشد تفکّر و به دست آوردن اعتقادات صحیح انسان می‌انجامد، برنامه‌ای در ارتباط با خود نیز می‌باشد.

۱ـ نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۵

تطبیق

دربارهٔ نمونه‌های زیر بیندیشید و ببینید که هریک از این‌ها با کدام بخش از برنامه‌های زندگی ارتباط دارد.

برنامه‌ها	ارتباط با خدا	ارتباط با خود	ارتباط با خانواده	ارتباط باجامعه	ارتباط با خلقت
قناعت در استفاده از منابع					
درختکاری					
پرداخت خمس					
بیداری و احیاء در شب قدر					
کار پدر برای کسب درآمد					
ورزش					
تلاش برای پیشرفت علمی کشور					
دعوت مردم به نیکی‌ها					
کرامت‌نفس					
شرکت در انتخابات					
دوستی با همسالان					
دستگیری از مستمندان					
حج					
مطالعهٔ کتاب					

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ ارتباط میان شرط و مشروط : مانند آن‌چه از آیهٔ ۹۷ سورهٔ نحل به‌دست آمد.

۲ــ استفاده از حدیث در تبیین آیات : مانند تبیین مفهوم «عمل صالح» با احادیث.

۳ــ ارتباط برقرار کردن میان چند آیه : مانند کنار هم قرار دادن آیات ۱۴ سورهٔ نحل، ۲۳ سورهٔ اسراء و ۱۷ تا ۱۹ سورهٔ لقمان برای رسیدن به تقسیم‌بندی برنامه‌ها.

بنابرآن‌چه ذکر شد، تمام دستورات الهی در یکی از این بخش‌های پنج‌گانه قرار می‌گیرد و هر برنامه‌ای که ما بخواهیم براساس این دستورات تنظیم کنیم، و هر عهدی که با خدا می‌بندیم مربوط به یکی از این بخش‌هاست. در درس‌های آینده و در سال‌های بعد، برخی از دستورات الهی بیان می‌گردد. از خدا می‌خواهیم به ما کمک کند مجموعه‌ی دستورهای او را در برنامه‌ی زندگی خود قرار دهیم، برسر آن‌ها با خدای خود پیمان ببندیم، به آن‌ها عمل کنیم و در مسیر رستگاری با همت بلند و عزم و اراده‌ای استوار قدم برداریم.



دفتر برنامه ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه‌های زندگی خود را به‌طور منظم در آن یادداشت نمایید.

این دفتر می‌تواند شامل دو قسمت باشد :

۱ــ عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می‌شود.

۲ــ برنامه‌ها و عهدهای روزانه یا هفتگی.

بهتراست هریک از این دو قسمت دارای بخش‌های معین باشد که بتوانید به راحتی آن‌ها را پی‌گیری کنید و اصلاحات لازم را به عمل آورید. به‌طور مثال برای برنامه‌های روزانه یا هفتگی می‌توانید مانند جدول زیر عمل کنید.

مورد عهد:	**تاریخ:**
مراقبت: نکاتی که در طول عمل به این عهد باید رعایت کنم : ۱ــ ۲ــ	
محاسبه :[1]	

زمان	میزان موفّقیّت	عوامل موفّقیّت	عوامل شکست	راه‌های کسب موفّقیّت بیش‌تر

۱ــ محاسبه به‌طور متناوب، در زمان‌های معین انجام می‌شود.

گام ششم

....

اکنون که به نگاه تازه‌ای
در زندگی رسیده‌ام و مقصد و راه رسیدن به آن
را شناخته‌ام، می‌کوشم با تنظیم برنامه‌ای روشن، مسیر رفتن و
رسیدن به مقصد را با راهنمایی قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام،
هموار سازم. برنامه‌ای که همه‌ی ابعاد زندگی و تمام مراحل
عمر را دربرگیرد.

خدایا!

در همه‌ی کارها تو یار و یاورم باش!

اندیشه و تحقیق

۱ــ چرا در میان موجودات، فقط انسان ممکن است زمان هرز رفته و تلف شده داشته باشد؟

۲ــ مقصود از این‌که رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟

۳ــ داشتن برنامه و نقشه برای زندگی چه فوایدی دارد؟

پیشنهاد

۱ ــ به نهج البلاغه، بخش کلمات قصار مراجعه کنید و ببینید که حضرت علی علیه‌السلام در کلمه‌ی ۳۸۲ که با «للمؤمن...» شروع می‌شود، اوقات شبانه‌روز را برای چه کارهایی تنظیم فرموده است. (توجه شود که شماره‌ی کلمات قصار مربوط به نهج البلاغه ترجمه‌ی فیض الاسلام است)

۲ــ با تحقیق در کتاب‌های درسی، مانند زیست‌شناسی، شواهدی از برنامه‌ریزی و هدف‌دار بودن در زندگی موجودات را بررسی کنید. بهتر است گزارش خود را با تصویر و عکس همراه نمایید.

۳ــ با توجه به آرزوها و شرایط خاص خودتان، اگر بخواهید برای زندگی روزانه‌ی خود برنامه‌ریزی کنید، ویژگی‌های کلی این برنامه چیست؟ باید دارای چه مشخصاتی باشد؟



درس سیزدهم

در حضور دوست

خدای متعال خالق ما و دیگر مخلوقات جهان است، مالک وجود ما و محبوب و مقصود ما نیز هست. خدایی که تدبیر امور به دست قدرت اوست. اقتدارش جهان را فراگرفته و رحمتش در آسمان‌ها و زمین گسترده است. سرچشمه‌ی زیبایی‌ها و مبدأ خوبی‌هاست. هرخیر و خوبی از اوست و هر نعمتی عطای اوست. از هر بدی و نقصی مبرا و از هر عیبی منزّه است. الطاف بیکرانش وجود ما را دربرگرفته و مهر و عطوفتش برسر ما سایه افکنده است.

هر انسانی به‌طور طبیعی چنین خدایی را ستایش می‌کند (حمد) و از بدی‌ها منزّه می‌دارد (تسبیح) این همان نکته‌ای بود که در درس پنجم آموختیم. در این درس می‌خواهیم بدانیم :

۱ــ جلوه‌های دیگر یاد خدا کدامند؟

۲ــ کدام عبادت است که بیش از هر برنامه‌ای تحقق بخش یاد خدا در زندگی ماست؟

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

یا اَیُّهَاالَّذینَ ءامَنُوا ....

اذْكُرُوااللّٰهَ ذِكْرًاكَثیرًا ....

وَسَبِّحوهُ — و او را تسبیح گویید

بُكْرَةً وَ اَصیلًا — بامدادان و شامگاهان.

احزاب، ۴۱ و ۴۲

وَ مَنْ یَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ — و هر کس از یاد خدای رحمان روی برتابد

نُقَیِّضْ لَهُ شَیطانًا — شیطانی را برای او می‌گماریم

فَهُوَ لَهُ قَرینٌ — که همنشین او باشد.

زُخْرُف ۳۶

اِنَّنی اَنَا اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنا ....

فَاعْبُدْنی ....

وَ اَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْری ....

طه ۱۴

وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ	و هیچ موجودی نیست
اِلّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ	مگر این‌که با حمد خود او را تسبیح می کند.
وَ لٰکِنْ لا تَفْقَهونَ تَسْبیحَهُمْ	....
اِنَّه، کانَ حَلیمًا غَفورًا	....

اِسراء ۴۴

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی	....
لَه، ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ	....
وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْآخِرَةِ	....
وَ هُوَ الْحَکیمُ الْخَبیرُ	....

سَبَأ ۱

اُدْعوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْیَةً	....
اِنَّه، لا یُحِبُّ الْمُعْتَدینَ	....

اَعراف ۵۵

یا اَیُّهَاالَّذینَ ءامَنوا	....
کُلوا مِنْ طَیِّباتِ	....
ما رَزَقْناکُمْ	....
وَاشْکُروا لِلّٰهِ	....
اِنْ کُنْتُمْ اِیّاهُ تَعْبُدونَ	اگر تنها او را می‌پرستید.

بقره، ۱۷۲

ترجمه

به کمک عبارات زیر ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

أُعْبُدْ : عبادت کن	حَـلـیـم : بردبار	لا تَـفْـقَـهـونَ : نمی‌فهمید	أُدْعوا : بخوانید
تَـضَـرُّعًا : به زاری	خُـفْـیَـة : نهانی	مُـعْـتَـدین : تجاوزگران	

پیام آیات

الف ــ با تدبّر در آیات ۴۱ سوره‌ی احزاب، ۳۶ سوره‌ی زخرف و ۱۴ سوره‌ی طه گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

۱ــ سزاوار است که ما ....

۲ــ هرکس از .... خدا ....

۳ــ نماز ....

با ذکر نمونه‌هایی از عبارت‌های نماز توضیح دهید که چرا نماز بهترین مصداق یاد خداست؟

۱ــ

۲ــ

۳ــ

ب ــ با تدبّر در آیات ۴۴ سوره‌ی اسراء، ۴۲ سوره‌ی احزاب و یک سوره‌ی سَبَأ گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

۱ــ همه‌ی موجودات، خدا را .... و ....

۲ــ شایسته است که ما نیز .... و ....

۳ــ .... و .... نمونه‌هایی از یاد و ذکر خداوند است.

عبارت‌هایی از نماز را که درباره‌ی حمد و تسبیح خداوند است، بنویسید.

١ــ	۴ــ
٢ــ	۵ــ
٣ــ	۶ــ

ج ــ با تدبّر در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی اعراف گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

١ــ در هنگام نیاز همواره ... را می‌خوانیم، زیرا ....

٢ــ درخواست‌های خود را با .... و .... با او درمیان می‌گذاریم.

عبارت‌هایی از نماز را که بیانگر دعا و درخواست از خداست، بنویسید.

١ــ

٢ــ

٣ــ

د ــ با تدبّر در آیه‌ی ١٧٢ سوره‌ی بقره گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

١ــ مؤمنان باید .... بهره‌مند شوند.

٢ــ به پاس نعمت‌هایی که .... داده است باید .... او باشیم.

٣ــ سپاسگزاری از .... یکی از مصداق‌های .... اوست.

با انجام عبادتی مانند .... خداوند را به خاطر نعمت‌هایش ....

یاد محبوب

هریک از ما دوستانی داریم که از نظر شدت دوستی با یکدیگر تفاوت دارند. هرقدر دوستی عمیق‌تر باشد یاد دوست تداوم بیشتری می‌یابد و به آن‌جا می‌رسد که انسان همواره به یاد دوست است و از او غافل نمی‌شود. در عین حال، همین تکرار یاد دوست سبب تقویت دوستی و استحکام آن می‌گردد.

نیز این‌گونه است : یاد خدا هم نشانه‌ی عشق و محبت ما به خدا و هم تقویت‌کننده‌ی آن است. یاد خدا، همچنین احساس حضور او در زندگی را افزایش می‌دهد و وقتی که انسان حضور خداوند را در زندگی حس کرد و او را حاضر و ناظر بر خود یافت، می‌کوشد که در حضور او ادب را رعایت کند و کارهایی را انجام دهد که او می‌پسندد و از آن‌چه او را ناخشنود می‌کند، دوری نماید.

نماز، نمونه‌ی کامل چنین امری است. هریک از ما، حداقل پنج نوبت در شبانه‌روز به پیشگاه خدا نماز می‌گزاریم و یاد او را در دل تقویت می‌کنیم.

در نماز خداوند را «تسبیح» می‌گوییم و او را از هر بدی و زشتی منزّه می‌داریم.

در نماز خداوند را «حمد» می‌کنیم و همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هایش را می‌ستاییم.

نماز، زیباترین شکل «شکرگزاری» از خداست. تمام نعمت‌هایی را که در زندگی داریم، او به ما عنایت کرده و ما با انجام نماز شکر آن نعمت‌ها را به‌جا می‌آوریم و او را سپاس می‌گوییم.

در نماز، به پیشگاه خداوند «دعا» می‌کنیم و حاجات خود را از او طلب می‌نماییم.[1]

تکمیل احکام

الف ــ در سال‌های قبل آموخته‌ایم که برای انجام نماز لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده شده، باید قبل از نماز طاهر گردد. بنابراین لازم است که هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند. توجه کنید که :

همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آن‌چه براثر برخورد با آن‌ها نجس می‌شود.

۱ــ برای کسب اطلاعات بیش‌تر از حقیقت پرستش و ابعاد آن به جهان‌بینی توحیدی از استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۴ و ۸۵ مراجعه کنید.

برخی از نجاسات عبارت‌اند از :

۱ــ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.[۱]

بنابراین خون گوسفند و مرغ .... است و خون ماهی .... است.

۲ــ ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام‌گوشتی که خون جهنده دارند.

پس ادرار و مدفوع گربه و موش .... است و ادرار و مدفوع مرغ و گوسفند و گنجشک .... است.

۳ــ مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

پس مردار گربه، موش و گوسفند ...... است و مار و ماهی .... است.

توجه: اجزای بدون روح این حیوان‌ها، یعنی مو و پشم و شاخ آن‌ها، بعد از مردار شدن پاک است.

۴ و ۵ــ سگ و خوک، زنده و مرده‌ی آن‌ها نجس است.

پس اگر کسی دست خیس به بدن سگ بزند یا بدن خیس سگ را لمس کند یا سگ دست و لباس او را لیس بزند، باید برای نماز، آن‌ها را تطهیر کند.

برای دانستن چگونگی تطهیر چیزهای نجس به رساله‌ی توضیح‌المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

ب ــ علاوه بر پاک بودن بدن و لباس، باید برای انجام نماز وضو بگیریم و در برخی موارد هم باید غسل کنیم.

کارهای وضو، به ترتیب عبارت‌اند از :

۱ــ نیّت : نیّت می‌کنیم که وضو را به قصد قربت می‌گیریم.

۲ــ شستن صورت : از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه به اندازه‌ی فاصله‌ی بین انگشت شست و انگشت میانه، از بالا به پایین.

۳ــ ....

۴ــ ....

۵ــ ....

۱ــ حیوانی که اگر رگ آن را ببرند، خون آن جستن کند، خون جهنده دارد.

۶ــ ....

۷ــ ....

غسل به دو گونه است :

الف ــ غسل ارتماسی: در غسل ارتماسی کارهای زیر را انجام می‌دهیم :

۱ــ نیّت

۲ــ ....

ب ــ غسل ترتیبی: غسل ترتیبی را به صورت زیر انجام می‌دهیم :

۱ــ نیّت

۲ــ ....

۳ــ ....

۴ــ ....

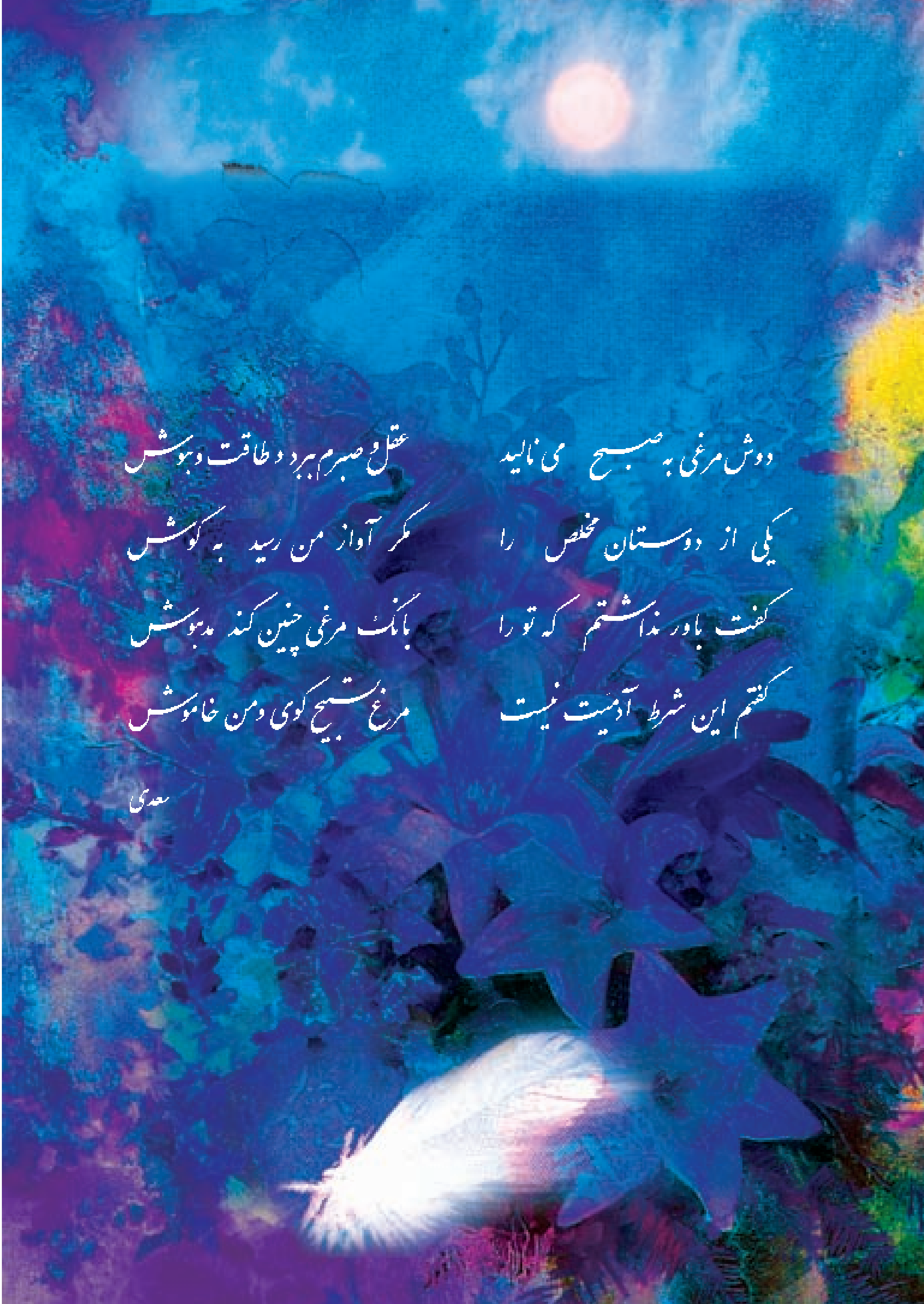
توجه: برای دست زدن یا گذاردن صورت به خط قرآن کریم و اسم خداوند و نیز نام پیامبر اکرم و معصومین بزرگوار (صلوات‌الله علیهم) باید با وضو بود.

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱ــ ارتباط برقرار کردن میان چند آیه : به‌طور مثال، با ایجاد ارتباط میان آیه‌ی ۴۱ و ۴۲ سوره‌ی احزاب و ۳۶ سوره‌ی زخرف دریافتیم که ....

۲ــ یافتن مصداق‌ها و نمونه‌ها : به‌طور مثال عبارت‌های نماز مصداقی از مفهوم یاد خداست که در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی احزاب آمده است.

۳ــ استخراج پیام : با تفکر در آیات ۴۴ سوره‌ی اسراء، ۴۲ سوره‌ی احزاب و یک سوره‌ی سبأ پیام‌هایی درباره‌ی یاد خدا و حمد و تسبیح او به دست آوردیم.



دوش مرغی به صبح می نالید — عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش

یکی از دوستان مخلص را — مگر آواز من رسید به گوش

گفت باور نداشتم که تو را — بانگ مرغی چنین کند مدهوش

گفتم این شرط آدمیت نیست — مرغ تسبیح گوی و من خاموش

سعدی

بیشتر بدانیم

درست است که نماز زیباترین و کامل‌ترین شکل یاد خداوند و پرستش محبوب و راز و نیاز با اوست که اگر با معرفت و توجه برگزار شود، اشتیاق به او را در وجود ما شعله‌ور می‌کند، اما پیشوایان ما که اسوه‌های بندگی و پرستش‌اند، برنامه‌های تکمیلی دیگری را توصیه کرده‌اند که هر یک از ما می‌توانیم مناسب شرایط خود، برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم. برای بهره‌مندی بیش‌تر از این برنامه‌ها شایسته است به نکات زیر توجه نماییم :

۱ــ کتاب صحیفه‌ی سجّادیّه، مجموعه‌ی دعاهای امام سجاد(ع) است. این کتاب که به «زبور آل محمد(ص)» مشهور است، در عین حال که یک کتاب دعاست، در بردارنده‌ی معارف اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام است و می‌تواند راهنمای ما در زندگی باشد.

۲ــ کتاب مفاتیح‌الجنان، توسط مرحوم حاج شیخ‌عباس قمی گردآوری شده است. این کتاب با یک دسته‌بندی خاص، اعمال عبادی، دعاها و زیارت‌نامه‌ها را متناسب با زمان‌های هر یک آورده است. ما می‌توانیم برخی از دعاهای آن را مشخص کنیم و در زمان‌های مناسب بخوانیم و زمزمه کنیم ؛ مانند دعاهای بعد از نمازهای روزانه، دعای کمیل، دعای ندبه، دعای عهد، دعای سلامتی امام عصر(ع)و دعاهای ماه رمضان.

۳ــ شاعران بزرگ ما اشعاری در راز و نیاز با خداوند سروده‌اند که عشق به خداوند را در ما تقویت می‌کند. نمونه‌هایی از این اشعار در کتاب‌های درسی شما آمده است. خوب است برخی از این اشعار را در دفتری جمع‌آوری کنیم و به حفظ کردن آن‌ها بپردازیم.

۴ــ خوب است برنامه‌ای تنظیم کنیم که برخی از دعاها را به همراه اعضای خانواده به صورت دسته‌جمعی بخوانیم. مثلاً در شب‌های جمعه دور هم جمع شویم و دعای کمیل را زمزمه کنیم. این کار تأثیر دعا را بیش‌تر می‌کند و فضای خانواده را معنوی‌تر می‌نماید.

۵ــ از هم‌اکنون برنامه‌ریزی کنیم که به تدریج با معنای برخی دعاهای مشهور آشنا شویم. برای این کار، بهتر است از دعایی که بیشتر می‌خوانیم شروع کنیم و معنای قسمتی از آن را فرا گیریم و مرحله به مرحله پیش رویم تا به آخر دعا برسیم. با این روش، بتدریج معنای دعا در ذهن ما می‌ماند و لذّت بیش‌تری از دعا می‌بریم.

گام هفتم

....

ای محبوب و معبود من!
سال‌هاست که در نمازم با تو سخن می‌گویم
و روی نیایش به سوی تو می‌آورم. دفتر خاطرم
یاد شیرین نجوای با تو را ثبت کرده است، آن رازهای سر به مُهر
که تو می‌دانی و من، آن حرف‌هایی که تو شنیدی و من، آن
اشک‌هایی که تو دیدی و من، همه باقی است.
اما امروز آگاهانه‌تر از پیش با تو تجدید عهد می‌کنم آن دَرِ
دوستی را که تو به رویم گشودی هرگز نبندم.

خدایا!
می‌کوشم که نمازم را «صحیح»، «به‌موقع»
و با «حضور قلب» اقامه کنم.

اندیشه و تحقیق

۱ــ «توضیح‌المسائل» یا «رساله‌ی عملیّه» چیست؟ و ما چه نیازی به آن داریم؟

۲ــ وضوی جبیره در چه مواردی و چگونه انجام می‌گیرد؟

۳ــ عوامل مختلفی در علاقه‌ی ما به نماز و نیایش در مقابل پروردگار دخالت دارند، آن عوامل را مشخص کنید و درباره‌ی هریک توضیح دهید.

پیشنهاد

الف ــ آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی عنکبوت، ۱۴ سوره‌ی طه و ۲۸ سوره‌ی رعد را تلاوت کنید و با تدبّر در آن‌ها نقش نماز در زندگی انسان را توضیح دهید.

ب ــ احساس خود را درباره‌ی نماز و تأثیرات آن در زندگی خودتان، در قالب مقاله‌ای ادبی، شعر، طرح و نقاشی ابراز کنید.

ج ــ پیرامون سؤال‌های زیر تحقیق کنید.

ــ چه نمازی مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد؟

ــ ترک نماز چه آثار و نتایجی برای ما دارد؟

د ــ در هنگام خواندن نماز، برخی از اوقات تعداد رکعت‌های نماز را فراموش می‌کنیم و نمی‌دانیم که چند رکعت نماز خوانده‌ایم. آیا می‌دانید در این موقع چه باید بکنیم؟ در این مورد تحقیق کرده و نتیجه را در جدولی تنظیم کنید و در دفتر خود یادداشت نمایید.

دعای وضو

استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب «آزادی معنوی» از قول یکی از یاران امیرمؤمنان علی علیه‌السلام که شاهد وضوی ایشان بوده است، می‌نویسد :

وقتی آن حضرت خواست دست‌ها را بشوید، خطاب به خداوند عرض کرد :

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ	به‌نام خدا و با یاری خدا
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ	خدایا! مرا از توبه‌کنندگان
وَ اجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ	و پاکان قرار ده.

چون خواست صورت را بشوید، عرض کرد :

اَللّٰهُمَّ بَیِّضْ وَجْهی	خدایا! مرا روسفید گردان
یَوْمَ تَسْوَدُّ فیهِ الْوُجوهُ	در آن روزی که چهره‌ها سیاه می‌شوند،
وَ لا تُسَوِّدْ وَجْهی	و مرا رو سیاه مگردان،
یَوْمَ تَبْیَضُّ فیهِ الْوُجوهُ	در آن روز که انسان‌هایی روسفید می‌گردند.

وقتی خواست دست راست را بشوید، عرض کرد :

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنی کِتابی بِیَمینی	خدایا! کتاب اعمالم را به دست راستم بده
وَ الْخُلْدَ فِی الْجِنانِ بِیَساری	و جاودانگی در بهشت را به دست چپ
وَ حاسِبْنی حِسابًا یَسیرًا	و در حساب‌رسی بر من آسان بگیر.

آن‌گاه که دست چپ را می‌شست، گفت :

اللّٰهُمَّ لا تُعْطِنی کِتابی بِشِمالی	خدایا! کتاب اعمالم را به‌دست چپ
وَ لا مِنْ وَراءِ ظَهْری	و از پشت سرم به من مده
وَ لا تَجْعَلْها مَغْلولَةً اِلیٰ عُنُقی	و دست‌هایم را با زنجیر به گردنم مبند
وَاَعوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّیرانِ	و از پاره‌های آتش عذاب به تو پناه می‌برم.

هنگام مسح سر عرض کرد :

اللّٰهُمَّ غَشِّنی بِرَحْمَتِكَ	خدایا! مرا در پوشش رحمت
وَ بَرَکاتِكَ وَ عَفْوِكَ	و برکت‌ها و گذشت خویش قرار ده.

هنگام مسح پاها عرض کرد :

اللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَیَّ عَلَی الصِّراطِ	خدایا! گام‌هایم بر صراط را ثابت و استوار بدار
یَوْمَ تَزِلُّ فیهِ الْاَقْدامُ	در آن روز که قدم‌ها بر صراط می‌لرزد
وَاجْعَلْ سَعْیی فیما یُرْضیكَ عَنّی	و تلاش مرا در راه رضای خودت قرار ده.
یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ	ای صاحب عظمت و بزرگی!

چه زیباست که این دعا را حفظ کنیم و در هنگام وضو بخوانیم
تا اقتدایی باشد به پیشوای بزرگمان حضرت علی علیه‌السلام.

دعای بعد از نماز



اِلٰهی هٰذِهِ صَلاتی صَلَّیْتُها	خداوندا! این نمازی بود که به درگاه تو گزاردم
لا لِحاجَةٍ مِنْكَ اِلَیْها	نه به خاطر آن که تو نیازمند آن هستی
وَلا رَغْبَةٍ مِنْكَ فیها	و یا رغبت و تمایلی بدان داری
اِلّا تَعْظیمًا وَ طاعَةً	بلکه برای بزرگداشت و طاعت تو
و اِجابَةً لَكَ	و پذیرش
اِلیٰ ما اَمَرْتَنی بِهِ	آن چیزی که مرا بدان فرمان دادی
اِلٰهی اِنْ کانَ فیها	خداوندا اگر در نماز من
خَلَلٌ اَوْ نَقْصٌ	کژی و کاستی دیدی،
مِنْ رُکوعِها	چه در رکوع آن
اَوْ سُجودِها	و چه در سجود آن،
فَلا تُؤاخِذْنی	مرا مؤاخذه نکن
وَ تَفَضَّلْ عَلَیَّ	و مرا مشمول فضل خود قرار ده.
بِالْقَبولِ وَ الْغُفْرانِ*	با پذیرفتن نماز من و مغفرت خویش

* مفاتیح الجِنان، تعقیبات مشترکه نماز

درس چهاردهم

همدلی و همراهی*

کوه‌نوردی، برای فتح قله‌های رفیع، تمثیل مناسبی برای زندگی است. حرکت از دشت‌ها، گذشتن از تپه‌ها، عبور از درّه‌ها، و راه‌سپردن در گردنه‌های پرپیچ‌و خم، برخورد با خطرات، درگیرشدن با حوادث و رسیدن به بلندترین قله، هنر کوه‌نوردان مصمّم و با پشتکاری است که دست به دست هم داده، با اعتماد به خدا راه می‌پیمایند. راه کمال نیز راه عبور از پیچ و خم‌های زندگی و صعود به قله‌ی خوشبختی است و روشن است که این راه را با رفیقان و همراهان هم‌عهد بسیار آسان‌تر و شیرین‌تر می‌توان پیمود. پویندگان راه سعادت، با یاری یکدیگر ناهمواری‌های زندگی را هموار می‌کنند، شور و شوق رسیدن به مقصد را زنده نگه می‌دارند و دستان خود را وسیله‌ی نجات همراهان از سقوط قرار می‌دهند تا امیدوار و مطمئن به اهداف خود برسند.

راستی، چرا ما به دوست نیازمندیم؟

به کدام دوست می‌توان اعتماد کرد؟

* این درس با الهام و استفاده از کتاب «از همراهی تا همدلی، ج ۱» تألیف آقای جواد محدثی تدوین شده است.

قرائت

آیات زیر را به دقّت و زیبا قرائت کنید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

وَالْمُؤْمِنونَ وَالْمُؤْمِناتُ	....
بَعْضُهُمْ اَوْلیاءُ بَعْضٍ	دوستان و یاوران یکدیگرند
یَأْمُرونَ بِالْمَعْروفِ	....
وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ	....

توبه، ۷۱

اَلْاَخِلّاءُ یَوْمَئِذٍ	دوستان، در آن روز (قیامت)
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ	....
اِلَّا الْمُتَّقینَ	....

زخرف، ۶۷

وَ یَوْمَ یَعَضُّ الظّالِمُ	و روزی که ظالم به دندان می‌گزد
عَلیٰ یَدَیْهِ	دو دست خویش را
یَقولُ یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ	می‌گوید ای کاش با پیامبر
مَعَ الرَّسولِ سَبیلًا	همراه می‌شدم

فرقان، ۲۷

یا وَیْلَتیٰ لَیْتَنی	وای بر من، کاش
لَمْ اَتَّخِذْ فُلانًا خَلیلًا	....

فرقان، ۲۸

لَقَدْ اَضَلَّنی عَنِ الذِّکْرِ	او مرا از یاد و پند [قرآن] گمراه کرد
بَعْدَ اِذْجاءَنی	بعد از آن که آن [قرآن] به من رسید
وَکانَ الشَّیْطانُ	و شیطان، همواره
لِلْاِنْسانِ خَذولًا	خوارکننده‌ی انسان است.

فرقان، ۲۹

ترجمه

با استفاده از عبارت‌های زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

یَنْهَوْنَ : نهی می کنند   لَمْ اَتَّخِذْ : نمی گرفتم

پیام آیات

۱ــ بنابر آیه‌ی .... سوره‌ی .... مردان و زنان مؤمن در صورتی در مسیر زندگی یکدیگر را یاری و پشتیبانی خواهند کرد که .... همدیگر باشند.

۲ــ بنابر آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی توبه مردان و زنان مؤمن خیرخواه واقعی یکدیگر هستند و همواره دوستان خود را به .... و .... سفارش می‌کنند.

۳ــ با برقراری رابطه میان آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی توبه و ۶۷ سوره‌ی زخرف در می‌یابیم که این دوستان مؤمن از یک صفت نیکو به نام .... برخوردار هستند. دوستانی که چنین صفتی را ندارند و در نتیجه .... یکدیگر نیستند و فقط به راضی کردن ظاهری دوست خود می‌اندیشند، اینان در واقع در دوستی فقط نفع دنیایی خود را می‌طلبند، در حقیقت باهم دشمنی می‌کنند. به همین جهت در روز قیامت خود را .... دیگری می‌یابند.

۴ــ از آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره‌ی فرقان در می‌یابیم که علت حسرت و افسوس انسان ستمکار و بدبختی او و علت پیروی نکردن او از رسولان الهی دوستانی بوده‌اند که از .... برخوردار نبودند و برایش خیر خواهی نمی‌کردند و چون دشمن واقعی او بوده‌اند، او را به سوی .... سوق می‌دادند.

* * *

اکنون که با پیام‌های قرآن کریم درباره‌ی دوستی آشنا شدیم، یادداشت یک دانش‌آموز موفق در دوستی را می‌خوانیم و پیرامون آن گفت‌وگو می‌کنیم.

نیاز به دوست

هنوز نمی‌دانم از شروع دوستی با او چقدر از راه را پیموده‌ام و تا چه میزان در مسیر سعادت و کمال پیش‌رفته‌ام. همین‌قدر می‌دانم که دشت‌ها و کوه‌هایی را در نوردیده و از آن جا که بودم بسیار فاصله گرفته‌ام.

پیش از این نمی‌توانستم حدس بزنم که این دوستی این‌همه خیر و برکت داشته باشد. با او خود را شناختم و با یاری او در اصلاح خود کوشیدم، بر پاهای خود ایستادم، گام برداشتم، پیش‌رفتم و اینک نهال حیات و امید در وجودم جوانه زده و شکوفا شده است.

با یاد ایّام تنهایی، معنای تهیدستی و فقر را بهتر فهمیدم و دریافتم که آدم بی‌دوست، فقیرترین آدم‌هاست. عاجزترین مردم کسی است که نتواند با دیگران دوست شود و بنابر سخن امام علی علیه‌السلام ناتوان‌تر و عاجزتر از او کسی است که دوستانی را هم که دارد از دست بدهد.[1]

خیلی‌ها میان مردمند، ولی تنهایند، درجمع‌اند، امّا احساس غریبی می‌کنند. نه خود دستی برای دوستی پیش‌می‌آورند، نه به‌گونه‌ای هستند که دیگران دست‌دوستی به سوی آن‌ها دراز نمایند. اشکال کار در کجاست؟ نکند این تنهایی ریشه در خودخواهی یا خودکم‌بینی داشته باشد؟

قطره دریاست اگر بـا دریاست   ور نه آن قطره و دریا دریاست[2]

یادآوری تجربه‌ها (۱)

* چه عواملی سبب می‌شوند که برخی افراد نتوانند با دیگران دوست شوند و یا در حفظ دوستی موفق باشند؟

ویژگی‌های دوست

راستی، چرا کسی یا چیزی را دوست می‌داریم؟ روزی این سؤال را از او پرسیدم. او در پاسخ گفت :

ما زیبایی‌ها و خوبی‌ها را دوست داریم و وقتی در کسی یا چیزی زیبایی و خوبی می‌یابیم، بدان علاقه‌مند می‌شویم. گل زیبا، نقاشی زیبا، یکرنگی و صداقت، شجاعت و دلاوری، جوانمردی و پهلوانی، همه دوست‌داشتنی‌اند و همین‌ها سبب می‌شوند که صاحب این زیبایی‌ها را هم دوست بداریم.

۱ــ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۲

۲ ــ اقبال لاهوری

اکنون می‌بینم که او صاحب بسیاری از خوبی‌ها و زیبایی‌هاست.

او آمد و در آیینه‌ی با صفا و شفاف گفتار و رفتارش، واقعیت خود را دیدم و به حقیقت خود پی‌بردم.

شناخت ضعف‌های خود، ناشی از عیب‌گرفتن‌های او نبود، بلکه رفتار صمیمانه و مخلصانه‌ی او به من نشان می‌داد که نقص کارم در کجاست.

اگر لباسم خاکی شده باشد یا بر صورتم سیاهی نشسته باشد، سپاس‌گزار آیینه خواهم بود که زشتی‌هایم را به من نشان دهد و اگر دوستی هم مرا متوجه بی‌سروسامانی احوالم کند، با او دشمنی نخواهم کرد و سپاس‌گزار او خواهم بود.

آینه چون عیب تو بنمود راست　　　خودشکن، آیینه شکستن خطاست[1]

این نشانه‌ی رشد فکری است که یادآوری عیبم را به‌عنوان «هدیه» از دوست بپذیرم و ممنون او باشم.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

اَحَبُّ اِخْوانی اِلَیَّ مَنْ اَهْدیٰ اِلَیَّ عُیوبی

«محبوب‌ترین برادران نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد.»[2]

هیچ‌گاه بی‌جهت از من تعریف و تمجید نمی‌کند و اگرچه از تذکر نقص‌ها دریغ ندارد، امّا هرگز با ایرادهای بی‌مورد به تحقیر من نمی‌پردازد. هدف او در دوستی منافع شخصی و سوء استفاده از روابط دوستی نیست. او نه اهل تملق است و نه به دیگران زور می‌گوید، او برتر از آن است که دیگری را برای رسیدن به خواسته‌هایش به‌بازی گیرد و نردبان ترقی قرار دهد.

وقتی به قرآن کریم می‌اندیشم و در کلمات پیشوایان دین نظر می‌کنم، می‌بینم که با حکیمانه‌ترین عبارات ویژگی‌های دوست را بیان کرده‌اند. لذا با تأمّل در کلمات این راهنمایان بود که دانستم:

دوست واقعی آن کسی است که:

یاد خدا را در دل زنده کند و ما را به سوی آرزوهای کوچک نکشاند،[3]

۱ــ مخزن‌الاسرار نظامی

۲ ــ اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۹

۳ــ نجم ۲۹

به زیبایی خرد آراسته و اهل فکر و اندیشه باشد،[۱]
به خاطر زشتی‌هایش مورد خشم خدا قرار نگرفته باشد،[۲]
دشمنی با خدا و مردم را در دل نداشته باشد،[۳]
خیانت نورزد، سخن چینی نکند و ستم روا ندارد،[۴]
در دوستی خود ثابت قدم و پایدار باشد،[۵]
و بالاخره دوستی و محبت خداوند زینت‌بخش قلب او باشد.

به دوستی اعتماد می‌کنم که:
نه‌تنها خود اهل گناه نیست بلکه از گناه دیگران نیز ناراحت می‌شود،[۶]
اهل شرارت و بی باکی نیست و با کارهای خود دوستان را به هلاکت نمی‌اندازد،[۷]
اهل دروغ نیست و با صداقت سخن می‌گوید.[۸]

آنان که به این ویژگی‌ها توجه نکردند و با هر کسی که سر راهشان قرار گرفت، دوست شدند، سرنوشت خوبی پیدا نکردند. اگر به زندان‌ها برویم و از مجرمانی که جرم‌های بزرگ مرتکب شده‌اند، علت انحرفشان را بپرسیم، اکثر آنان می‌گویند دوستان بد ما را به اینجا کشاندند. در قیامت، گفت‌وگویی میان برخی گناهکاران صورت می‌گیرد. بعضی به بعضی دیگر می‌گویند اگر شما نبودید، ما ایمان داشتیم. دوستان بد جواب می‌دهند هرگز، بلکه در خودتان انحراف بود.

و من به خود می‌بالم که دوستم انسانی بزرگوار و با کرامت است. نمی‌خواهم بگویم او بی‌عیب و نقص است. واقع بینی اجازه‌ی چنین کاری نمی‌دهد. خود او نیز می‌گوید «هیچ‌گاه دوستان خود را بی‌عیب ندان، ما همه عیب و نقص‌هایی داریم. تنها دوستان و محبوبان تامّ و تمام ما رسول خدا و اهل‌بیت پاک ایشان صلوات‌اللّه علیهم هستند. سایر آدم‌ها به میزان نزدیکی و عشق به آن‌ها قدر و منزلت می‌یابند و شایسته دوستی می‌گردند.»
اما می‌توانم بگویم او یک دوست واقعی است.

۱ـ اعراف ۱۹۹ و امام علی (ع) اصول کافی ج ۴، ص ۸۵
۲ـ ممتحنه ۱۳
۳ ـ ممتحنه ۱
۴ـ امام صادق (ع)، میزان‌الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۸۲
۵ ـ رسول خدا (ص)، میزان‌الحکمه، ج ۲، ۱۵۹۱
۶ـ امام علی، میزان‌الحکمه ج ۲، ص ۱۵۸۴
۷ـ امام علی (ع)، میزان‌الحکمه، ج ۲، ۱۵۸۴
۸ـ امام علی (ع)، اصول کافی، ج ۴، ص ۸۵

عرضه بر آیات

ویژگی‌هایی را که این دانش‌آموز برای دوست خود بیان کرده بر پیام‌هایی که از آیات قرآن کریم به دست آوردیم، عرضه کنید و ببینید که چقدر با آن پیام‌ها هماهنگی دارد.

یادآوری تجربه‌ها (۲)

* آیا تاکنون توجه کرده اید که چه ویژگی‌هایی در دوستانتان بوده که سبب نزدیکی و دوستی شما با آن‌ها شده است؟ آیا می‌توانید خوبی‌های آن‌ها را بشمارید؟ احتمالاً دوستان شما عیب‌ها و نقص‌هایی هم دارند. آیا تلاش کرده اید که در رفع آن عیب‌ها به آن‌ها کمک کنید؟

تأثیر دوستی

در تجربه‌ی دوستی با او به تأثیر عمیق دوست بر انسان پی بردم. دوستی پیوند قلب‌هاست و اگر قلبی مجذوب کلام و نگاه و رفتار کسی شد، می‌کوشد تا صاحب خویش را همانند او سازد. لذا گاه پیوند دوستی تا آنجا پیش می‌رود که شخص می‌کوشد مانند دوست خود قدم بردارد، بپسندد، حرف بزند و زندگی کند.

عمق سخن رسول‌خدا ﷺ اکنون آشکار می‌شود که فرمود:

آدمی بر آیین دوست و رفیق خود است.[1]

از طرف دیگر، وقتی به میزان تأثیر دوست می‌اندیشم، هراسی وجودم را فرا می‌گیرد. ما نوجوانان و جوانان که دنبال یکرنگی و صداقتیم و دورویی را خصلت آدم‌های فرومایه می‌دانیم، کمتر تصور می‌کنیم که انسان‌هایی با ظاهری دل‌فریب و کلامی شیرین، باطنی نفرت‌انگیز داشته باشند. لذا این

۱ــ المرء علی دین خلیله و قرینه (وسائل‌الشیعه،ج ۲ ص ۲۰۷)

هراس همیشه آزارم می‌دهد که دوستان صادق و باصفای من در دام گرگ‌هایی بیفتند که برای فریب دیگران در چهره‌ی یوسفان ظاهر می‌شوند و در کمین‌اند تا جوان یا نوجوانی را به دام اندازند و کاخ تجملات و شادی خود را بر ویرانه‌های زندگی آنان بنا نهند.

دوستان من، دشمنان ما گوهر ناب جوانی طلب می‌کنند، باشد که با هوشیاری و خردمندی، تصمیم بگیریم که این گوهر ناب را جز به بهای بهشت نفروشیم.[1]

آنان در انتظار یک بار خطای ما هستند تا ما را برای همیشه از پاک‌ماندن ناامید کنند. فریب این نیرنگ را نخوریم. خدا نکند که با یک اشتباه، دل آن‌ها را شاد کنیم؛ امّا اگر چنین شد، راه بازگشت بسته نیست. در توطئه‌ی دشمن گرفتار نشویم و فکر نکنیم که دیگر نمی‌توان خوب بود. خدا، خواهان بازگشت ماست. او با اکسیر آمرزش خود، توبه‌کننده را چون کودک از مادر متولد شده، پاک می‌کند.

مَنشین با بدان که صحبت بد　　گرچه پاکی، تو را پلید کند
آفتابی بدین بزرگی را　　پاره‌ای ابر ناپدید کند

سنایی

یادآوری تجربه‌ها (۳)

* شاید شما نیز نمونه‌هایی از دوستی‌های زیانبار را در پیرامون زندگی خود دیده باشید. این نمونه‌ها را طرح کنید و علت زیانبار بودن آن‌ها را بیان نمایید.

پیشنهاد

۱ـ اگر در مورد دوستی‌های موفّق تجربه‌ای دارید، آن تجربه را در کلاس بیان کنید.

۲ـ آیا نمونه‌ای از دوستی‌های ناموفّق را تجربه کرده‌اید؟ این تجربه را، بدون ذکر نام افراد، بیان کنید و علت ناموفّق بودن آن را توضیح دهید.

۱ـ امام علی (ع) : اِنَّه لَیْسَ لِاَنْفُسِکُمْ ثَمَنٌ اِلَّاالْجَنَّةَ فَلا تَبیعوها اِلّا بِها. بهای وجود شما جز بهشت رضوان نیست، آگاه باشید آن را جز به بهشت نفروشید. (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴۸)

درس پانزدهم

ادبِ دوستی

در درس قبل با ضرورت انتخاب دوست و ویژگی‌های دوست خوب و نیز تأثیر اخلاق و رفتار دوستان بر یکدیگر آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم پیرامون این سؤال بیندیشیم که :
با انجام چه وظایف و مسئولیت‌هایی می‌توانیم دوستی‌های خود را تحکیم بخشیم؟

نگهداری برخی چیزها از به‌دست‌آوردن آن‌ها مشکل‌تر است. این مشکل‌بودن دو جهت دارد: یکی از جهت گران‌بها و با ارزش‌بودن و دیگری از جهت ظرافت و شکنندگی. اگر چیز گران‌بها و با ارزش گم شود یا از دست برود، علاوه بر مشکلات فراوان برای به دست‌آوردنِ مجددِ آن، ناراحت‌کننده نیز هست. چیز ظریف و شکننده نیز با یک لحظه غفلت می‌شکند و ریز می‌شود.

حفظ دوستی نیز مشکل‌تر از پیداکردن دوست است. چه بسا که انسان بعد از سال‌ها دوست مناسبی پیدا می‌کند و بعد از مدتی مودّت و هم‌نشینی، با یک رفتار نسنجیده او را از دست بدهد. پایداری رابطه‌ی دوستی و رسیدن به ثمرات و نتایج آن بستگی به انجام مسئولیت‌های متقابل دارد. پیشوایان دین که ما را در انتخاب دوست هدایت کرده‌اند، درباره‌ی این مسئولیت‌ها و وظایف نیز سخن گفته‌اند. بار دیگر به پیشگاه آن بزرگواران می‌رویم و از راهنمایی‌هایشان بهره‌مند می‌شویم. آن‌گاه با نظر به رابطه‌ی خود با دوستانمان، بررسی خواهیم کرد که تا چه میزان این وظایف را در دوستی‌های خود مراعات کرده‌ایم.

بنابراین هریک از ما باید بکوشیم تجربه‌های دوستی خود را مرور کنیم؛ همچنین تجربه‌ی سایر همکلاسی‌ها را نیز بشنویم و با به‌دست‌آوردن آگاهی‌های جدید، درخت دوستی را پرثمرتر سازیم.

وظایف ما نسبت به دوست

اگر بخواهیم دوستی ما با دیگران دوام داشته باشد و به دوستی‌های عمیق و صمیمی تبدیل شود به‌طوری که از ثمرات مثبت و سازنده‌ی آن در زندگی بهره ببریم، باید وظایف خود را نسبت به دوست انجام دهیم. برخی از این وظایف عبارتند از:

۱ــ احترام به دوست: امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «همان‌طور که دوستت به تو احترام می‌گذارد، تو نیز باید او را محترم شماری.»[۱]

کوچک‌شمردن دوست و نام ناپسند بر او نهادن، عزّتش را خدشه‌دار می‌کند و این از نمونه‌های بی‌احترامی است. مسخره نکردن وی و پرهیز از غیبت‌کردن نیز از نمونه‌های احترام گذاشتن به دوست است.

۱ــ تحف العقول، ص۲۶۶

یادآوری تجربه‌ها (۱)

* نمونه‌هایی از احترام گذاشتن به دوست و نیز نمونه‌هایی از بی‌احترامی را که تاکنون مشاهده کرده‌اید، در کلاس بیان کنید و تأثیر سوء آن‌ها را نیز شرح دهید.
مصادیق دیگری از احترام گذاشتن را که در درس نیامده است، ذکر کنید.

۲ــ رعایت حقوق متقابل: امام علی علیه‌السلام به فرزند گرامی خود امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:
«به اتکای رابطه‌ی صمیمانه و دوستانه، حق برادرت را ضایع مکن. زیرا این عمل رابطه‌ی دوستی را از بین می‌برد و کسی که حقش را ضایع ساخته‌ای دیگر دوست تو نخواهد ماند.»[1]

به زحمت انداختن دوست، ظلم به او، شوخی‌های آزاردهنده با او، استفاده بیش از حد و بدون اجازه از وسایل وی، از مواردی است که حق دوستی را از بین می‌برد و درنتیجه پیوند دوستی را سست می‌کند.

یادآوری تجربه‌ها (۲)

* نمونه‌هایی از رعایت حقوق دوست یا عدم مراعات آن را که مشاهده و تجربه کرده‌اید یادداشت کنید و در کلاس طرح نمایید.

۳ــ توقع بجا و منصفانه: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که از دوست خود جز فداکاری انتظار ندارد، همواره خشمگین و ناراحت است.»[2]

از این سخن چنین به‌دست می‌آید که نباید انتظار داشته باشیم دوست ما هرگونه خواسته‌ی ما را برآورده سازد. برخی از افراد توقع ایثار و فداکاری یک طرفه از دوست خود دارند تا جایی که انتظار دارند در هر امر باطل و ناحقی هم از آنان حمایت کند.

۱ــ نهج‌البلاغه، نامه ۳۱

۲ــ غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص۴۱۲

یادآوری تجربه‌ها (۳)

* آیا در مورد توقعات بین خود و دوستانتان اندیشیده اید؟ کدام بجا بوده و کدام نابجا؟ نمونه‌هایی را در کلاس مطرح نمایید.

۴ــ خیرخواهی و نصیحت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «دو دوست خوب مانند دو دست هستند که به هنگام شستن، یکدیگر را تمیز می‌کنند و از آلودگی‌ها پاک می‌سازند.»[۱]

دوستان ناصح، خوبی یکدیگر را می‌خواهند، گرچه در این میان ممکن است یکی از آن‌ها متوجه خیرخواهی دوستش نباشد و از اینکه مطابق میل او عمل نمی‌کند ناراحت شود.

۵ــ میانه‌روی در دوستی: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مودّت خود را نثار دوست کن، و در عین حال به طور مطلق به او اعتماد و اطمینان مکن. همان‌گونه که می‌خواهی با تو رفتار نماید با او رفتار کن، امّا همه‌ی اسرارت را با او در میان مگذار.»[۲]

بنابراین، حد دوستی را باید رعایت کرد و از اعتدال خارج نشد تا دوستی تداوم یابد. شیفتگی فوق‌العاده به دوست از عوامل اصلی خروج از میانه‌روی است. میانه‌روی ایجاب می‌کند که در عین اعتماد به دوست، از گفتن همه‌ی اسرار خود به او پرهیز کنیم. زیرا بسیار اتفاق می‌افتد که بعدها این دوست از ما جدا شود و از آن اعتماد مطلقی که به او کرده‌بودیم سوء استفاده نماید و به غیبت و بدگویی ما بپردازد.



۱ــ مستدرک الوسائل، ج ۹ ص ۴۹ ۲ــ میزان الحکمه، ج ۲ ص ۱۵۹۰

چند مورد دیگر از وظایف ما نسبت به دوست :

۱ــ در دوستی خود با دوست صادق باشیم، چه در حضور و چه در غیاب او.

۲ــ برای خدا او را دوست داشته باشیم، نه به‌خاطر منفعت خود.

۳ــ میان دوستان تفاوت و تبعیض نگذاریم که سبب حسادت میان آن‌ها شود.

۴ــ به‌خاطر خوبی‌ها و امتیازاتی که دارد، به او حسادت نورزیم.

۵ــ به عهدها و پیمان‌های خود با دوست عمل کنیم.

۶ــ همواره یار و کمک کار او باشیم. در درس، کار و مشکلات زندگی به او کمک کنیم.

اندیشه و تحقیق

آیا شناخت خانواده‌ی دوست تأثیری در انتخاب او دارد؟ چرا؟

پیشنهاد

در تخیل خود درخت دوستی را تصور کنید و آنچه را در خیال پرورده اید در محل تعیین شده زیر رسم نموده ، مشخص کنید در این درخت چه چیزی را ریشه، چه چیزهایی را تنه و شاخه و برگ، و چه چیزهایی را میوه قرار می‌دهید؟

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد　　　نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد

حافظ

گام هشتم

....

بر اساس آنچه از پیشوایان بزرگوار
آموخته‌ام، دوستان و معاشرین خود را بار دیگر
ارزیابی می‌کنم و آن‌ها را با معیارهای ارائه شده می‌سنجم
و دوستان صمیمی و یکرنگ خود را از میان کسانی برمی‌گزینم که
ویژگی‌های یک دوست را دارند و می‌توانیم یار و مددکار یکدیگر
در راه زندگی باشیم.
هم‌چنین می‌کوشم با سایر دوستان و بستگان
با صداقت و درستی معاشرت کنم.

خدایا ! مرا یاری فرما



درس شانزدهم

کار، گوهر زندگی

تلاش و پشتکار و ایفای نقشی مفید در زندگی اجتماعی از ارکان مهم زندگی و برنامه‌ی ماست. وقتی از کار سخن می‌گوییم، مقصودمان تنها داشتن شغل نیست بلکه باید در هر سن و در هر موقعیت، اهل کار و تلاش باشیم و در شکوفایی مادّی و معنوی جامعه خود را متعهد و مسئول بدانیم.

در این درس می‌کوشیم تا بدانیم :

۱ــ یکی از راه‌های قدردانی از نعمت‌های خدا کدام است؟

۲ــ کار و تلاش چه جایگاهی در برنامه‌ی زندگی ما دارد؟

۳ــ آیا اکنون هم که دانش‌آموز هستیم، باید اهل کار و تلاش باشیم؟

قرائت

آیات ۱۰ تا ۱۴ سوره‌ی نحل را به دقّت و زیبا بخوانید.

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

هُوَ الَّذی اَنزَلَ	....
مِنَ السَّماءِ ماءً	....
لَکُم مِنهُ شَرابٌ	....
وَ مِنهُ شَجَرٌ	و از آن، گیاه و درخت می‌روید.
فیهِ تُسیمونَ	که در آن (چارپایان را) می‌چرانید.
۱۰	
یُنبِتُ لَکُم بِهِ الزَّرعَ	و با آن برای شما کِشت برویاند
وَالزَّیتونَ وَالنَّخیلَ وَالاَعنابَ	....
وَ مِن کُلِّ الثَّمَراتِ	....
اِنَّ فی ذٰلِکَ لَآیَةً	....
لِقَومٍ یَتَفَکَّرونَ	....
۱۱	
وَسَخَّرَ لَکُمُ اللَّیلَ وَالنَّهارَ	....
وَالشَّمسَ وَالقَمَرَ	....

وَالنُّجومُ مُسَخَّراتٌ بِاَمْرِهِ	و ستارگان در تسخیر فرمان اویند
اِنَّ فی ذٰلِكَ لَأیاتٍ	....
لِقَوْمٍ یَعْقِلونَ	....
۱۲	
وَ ما ذَرَاَ لَکُمْ فِی الْاَرْضِ	و آنچه در زمین برای شما آفرید
مُخْتَلِفًا اَلْوانُهُ	به رنگ‌های گوناگون
اِنَّ فی ذٰلِكَ لَأیَةً	....
لِقَوْمٍ یَذَّکَّرونَ	....
۱۳	
وَ هُوَ الَّذی سَخَّرَ الْبَحْرَ	....
لِتَأکُلوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِیًّا	تا از آن، گوشت تازه بخورید
وَ تَسْتَخْرِجوا مِنْهُ حِلْیَةً	و از آن زیوری بیرون آرید
تَلْبَسونَها	که آن را می‌پوشید
وَ تَرَی الْفُلْكَ مَواخِرَ فیهِ	و در آن کشتی‌ها را بینی که آب را می‌شکافند
وَ لِتَبْتَغوا مِنْ فَضْلِهِ	....
وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرونَ	....
۱۴	

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

شَراب : نوشیدنی　　الْأَعْناب : درختان انگور　　ثَمَرات : میوه‌ها

پیام آیات

با تفکر در آیات، پاسخ سؤال‌های زیر را به دست آورید.

چرا قرآن کریم از تسخیر شب و روز، ستارگان و دریاها برای ما سخن می‌گوید؟

چرا از آب، از درخت، از کشت و زرع، از انواع میوه‌ها، از ماهی‌های خوردنی دریا و از زیورهای گران‌بهای دریایی یاد می‌کند؟

ذکر نمونه‌هایی از نعمت‌ها و بخشش‌های بی‌شمار خداوند در زمین و آسمان و محیط زندگی ما برای چیست؟

خداوند، در مقابل این نعمت‌ها، از ما چه خواسته است؟

....

....

....

....

راه سربلندی

داشتن هدف‌ها و آرمان‌های بزرگ از ویژگی‌های دوره‌ی نوجوانی و جوانی و امید و تلاش برای رسیدن به آن‌ها ویژگی دیگر این دوران است. شما می‌دانید که با کار و تلاش و پشتکار می‌توان به هدف رسید. بسیاری از افراد در رؤیاها و خیالات خود به‌طور مکرر پیروزی را جشن می‌گیرند امّا در زندگی واقعی قدمی به سوی هدف برنمی‌دارند. در نتیجه، پس از مدتی دچار یأس و ناامیدی می‌شوند. تحرک، جنب و جوش و پویایی است که به هدف‌های بلند واقعیت می‌بخشد و کام آدمی را شیرین می‌کند.

فضل و بخشش خداوند در گستره‌ی زمین، در زیر کوه‌ها و خاک‌ها، عمق دریاها و در هر نقطه‌ی دیگر آن پراکنده است. ملتی که به دنبال سربلندی است، باید عمران و آبادانی را یکی از هدف‌های بزرگ خود قرار دهد، و با تن دادن به سختی‌ها، بهره‌ی خود را از نعمت‌های الهی به‌دست آورد.

بررسی

۱ــ به نظر شما، پیشرفت جامعه‌ی ما در گرو کار و فعالیت سازنده در چه زمینه‌هایی است؟ فهرستی از این فعالیت‌ها را مشخص کنید و تعیین کنید که خودتان مایلید در کدام زمینه فعالیت کنید.

....

....

....

....

۲ــ برخی به‌جای تکیه بر کار و کوشش سالم، با سوءاستفاده از فرصت‌ها، ثروتی کسب می‌کنند و بر دیگران فخر می‌فروشند. برخی دیگر نیز با الگو قرار دادن آنان در این اندیشه‌اند که یک شبه و بی‌دردسر راه طولانی کسب ثروت را بپیمایند. با بررسی این پدیده، پاسخ دهید که این طرز فکر:

۱ــ چه عواقبی برای آن افراد دارد؟

۲ــ چه آثار و نتایجی برای جامعه دارد؟

۳ــ این افراد دارای چه ویژگی‌های شخصیتی هستند؟

....

....

....

....

....

....

کار و تلاش در سیره‌ی معصومین (ع)

رسول خدا (ص) می‌فرماید :

کسی که روزی خود را با کار و تلاش تهیه کند، در قیامت در شمار انبیا قرار می‌گیرد و ثواب آنان را دریافت می‌کند.[1]

و نیز می‌فرماید :

کسی که شب را در حال خستگی ناشی از کار بگذراند، کاری که برای درآمد حلال بوده است، شب را آمرزیده به سرآورده است.

با این‌که امام صادق (ع) در گسترش علم و دانش در زمان خود، مهم‌ترین نقش را داشتند و شاگردانی که از محضر ایشان بهره برده‌اند، بالغ بر چهار هزار نفر بودند، در عین حال در بسیاری از اوقات به کشاورزی هم می‌پرداختند. روزی در گرمای تابستان در مزرعه به‌کار مشغول بودند و عرق از سر و رویشان می‌ریخت. یکی از دوستان امام به نام ابوعمرو شیبانی ایشان را دید. جلو آمد و گفت :

بیل را به من بدهید تا من به جای شما کار کنم.

امام (ع) فرمود : نه، من دوست دارم که برای به‌دست آوردن روزی رنج بکشم و آفتاب بخورم.[2]

امام کاظم (ع) در زمین خودشان، به شدت مشغول کار بودند. یکی از یاران ایشان رسید و گفت : چرا این کار را برعهده‌ی دیگران نمی‌گذارید؟

امام (ع) فرمود : چرا برعهده‌ی دیگران بگذارم؟ افراد برتر از من هم این کارها را می‌کردند.

مرد پرسید : مثلاً چه کسانی؟

امام (ع) فرمود : رسول خدا (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) و همه‌ی پدران و اجدادم. کار و فعالیت، سیره‌ی پیامبران، اوصیای آنان و بندگان شایسته‌ی خداست.[3]

از طرف دیگر، پیشوایان ما از بیکارگی و تنبلی و سربار دیگران بودن متنفر بودند و بیزاری خود را به صورت‌های مختلف نشان می‌دادند. روزی در حضور رسول خدا(ص) از عبادت‌ها و زهد و تقوای شخصی بسیار سخن گفتند. رسول خدا (ص) پرسید : کارش چیست؟

گفتند : کاری ندارد.

۱ــ مستدرک‌الوسائل، ج ۲، باب ۸، حدیث ۸

۲ــ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۲۰ (به نقل از کتاب داستان راستان)

۳ــ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۶ (به نقل از کتاب داستان راستان)

فرمود : از چشم من افتاد.[۱]

به یارانش می‌فرمود : مَلْعونٌ مَنْ اَلْقیٰ کَلَّه، عَلَی النّاسِ ـ هرکس بار زندگی خود را بر دوش مردم اندازد، ملعون است.[۲]

همچنین به آنان می‌فرمود : بر امت خویش، بیش از هر چیز از شکم‌پرستی، پرخوابی، بیکارگی و ضعف در ایمان بیمناکم.[۳]

امام علی (ع) نیز فرموده است : هنگامی که چیزهای مختلف با هم همراه می‌شدند، تنبلی و ناتوانی با هم عقد زوجیت بستند و فرزندی به نام «فقر» از آنان متولد شد.[۴]

تفکّر

* با توجه به آنچه تاکنون بیان شد و بر اساس آنچه خود مطالعه کرده‌اید، در مورد موضوعات زیر اندیشه کنید و سپس آن را بنویسید.

۱ــ آثار کار و تلاش برای یک ملت و یک فرد

۲ــ نتایج بیکاری و تنبلی برای یک ملت و یک فرد

۱ــ ....

....

....

....

....

۲ــ ....

....

....

۱ــ تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۴۱۱

۲ــ وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸

۳ــ نهج‌الفصاحة، ص ۱۰۹

۴ــ وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶

آثار تربیتی کار

کار، سازنده‌ی انسان و بیکارگی و تنبلی فاسد کننده‌ی اوست ؛ لذا ارزش کار نه صرفاً از جهت کسب درآمد یا شکوفایی اقتصادی بلکه در تأثیری است که بر انسان می‌گذارد و شخصیت او را پرورش می‌دهد.

برخی از آثار کار در انسان عبارتند از :[1]

۱ــ شکوفایی استعدادها: وجود آدمی سرشار از استعدادهای گوناگون است که باید آن‌ها را شکوفا کند. این استعدادها وقتی ظهور می‌کند که آدمی از جای خود برخیزد، حرکت کند، با سختی‌ها درگیر شود و در دل حوادث قرار گیرد. انسان در کار، خود را می‌آزماید، کشف می‌کند و به توانایی‌های وجودی خود پی می‌برد.

۲ــ لطافت احساس: بیکاری، تنبلی و سستی، قساوت می‌آورد امّا کار، کیمیاست و مس وجود انسان را زر می‌کند. کسی که اهل کار است، قدر زحمت و کار را می‌داند، از رنج مردم به رنج می‌افتد، شادمانی مردم او را شاد می‌کند. کار، کارخانه‌ی سازندگی و تربیت و تعالی‌بخش احساسات انسانی است.

۳ــ تمرکز قوه‌ی خیال: در هنگام بیکاری، پرنده‌ی خیال به هر سو پرواز می‌کند و انسان را به‌دنبال خود می‌کشاند و چه بسا او را به سمت افکار و اوهام فاسد و شیطانی رهنمون شود. امیرمؤمنان می‌فرماید : اگر نفس خود را به کاری مشغول نکنی، او تو را مشغول می‌کند.[2] اما آن کس که به کاری مشغول است، فکر و خیالش متوجه آن کار است و به امور بیهوده نمی‌اندیشد.

۴ــ احساس عزّت نفس: کسی که کار می‌کند و دستش را پیش دیگران دراز نمی‌کند احساس عزّت و کرامت می‌کند، هرچند درآمد او اندک باشد و یک زندگی معمولی را بگذراند. امام علی(ع) به کارهای سخت تن می‌داد ؛ چاه و قنات حفر می‌کرد، باغبانی می‌کرد، حتی به ازای دریافت مزد و اجرت برای دیگران کار می‌کرد ؛ این همه را انجام می‌داد تا عزّت نفس خود را حفظ کند و دست نیاز به سوی دیگران دراز نکند و به مردم نیز درس عزّت و کرامت بیاموزد.

اتقان در کار[3]

کسی که اهل کار و تلاش است، در هر کاری وارد شود، قواعد آن را به درستی رعایت می‌کند و

۱ــ اقتباس از کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، اثر استاد شهید مطهری

۲ــ تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۴۱۵

۳ــ درستی در کار، محکم‌کاری

محصولی بدون نقص عرضه می‌کند. او یک تلاشگر شرافتمند است که مصالح عمومی، اقتدار و عزت جامعه و رضایت خداوند را دوست دارد و آن را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد. وی آنان را که با دزدیدن از کار به جمع ثروت می‌پردازند، انسان‌های حقیر و زبونی می‌داند که آبادانی در زندگی شخصی را با بهای سنگین خرابی و ویرانی جامعه و ضایع کردن حقّ مردم خریداری می‌کنند و ضرباتی جبران‌ناپذیر بر اقتصاد کشور وارد می‌سازند.

تطبیق

* ۱ــ با بررسی کیفیت برخی از محصولات صنعتی و غیر صنعتی پیرامون خود، توضیح دهید که تا چه اندازه اتقان در کار در آن‌ها رعایت شده است.

....

....

....

۲ــ با توجه به این که کار اصلی شما علم آموزی است، به محاسبه و ارزیابی خود بپردازید و ببینید که تا چه اندازه کار خود را با اتقان انجام می‌دهید.

بیشتر بدانیم

دو رباعی بسیار زیبا از امام علی (ع) نقل کرده‌اند، که ترجمه‌ی آن‌ها چنین است :

حمل صخره‌های سترگ از قله‌های رفیع
از بار منّت آدمیان برایم دوست داشتنی‌تر است.
برخی چنین می‌گویند: کسب و کار برای تو ننگ است.
اما ننگ و عار در ذلت و خواری درخواست از دیگران است.
اگر می‌خواهی آزادوار زندگی کنی، چون بردگان تن به کار بده.
طمعت را از مال بنی آدم به کلی قطع کن
نگو آن کار مرا کوچک و پست می‌کند
بلکه گدایی و درخواست از مردم ذلت آور است
آن گاه که از مردم بی‌نیازی.
هر کاری که خواهی داشته باش.
چه در این صورت از همه‌ی مردم بلند قدرتر و ارجمندتری.[1]

درود بر امیر مؤمنان و پیشوای صالحان ؛ ایشان شاگرد آن پیامبر بزرگی است که وقتی دست پینه بسته‌ی کارگری را دید، بر آن بوسه زد و فرمود :
این دستی است که آتش آن را لمس نخواهد کرد.

۱ــ تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۴۲۴

اندیشه و تحقیق

۱ــ پیام‌های اصلی این درس را ذکر کنید.

۲ــ یک انسانِ اهل کار و تلاش از نظر شخصیتی چه تفاوتی با انسان کم‌تحرک و بیکاره دارد؟

۳ــ چرا امام صادق (ع) به کسی که تقاضا کرد به جای ایشان کار کند، فرمود دوست دارم خودم برای کسب روزی رنج بکشم و آفتاب بخورم؟

پیشنهاد

۱ــ یکی از جنبه‌های زیبای زندگی انسان‌های بزرگ، کار و تلاش آن‌هاست. اگر در این مورد داستانی می‌دانید یا نکته‌ای آموزنده سراغ دارید، آن را در کلاس بیان کنید.

۲ــ از کارگاه یا کارخانه یا مزرعه‌ای بازدید کنید و از میزان تأثیر کار و تلاش بر روحیه‌ی افراد مشغول به‌کار گزارشی تهیه نمایید.

گام نهم

....

خدایا به پاس نعمت‌هایی که به من بخشیدی، می‌کوشم :

۱ــ انسانی فعال و پرتلاش باشم و از تنبلی و تن‌پروری دوری نمایم.

۲ــ هر کاری را که برعهده می‌گیرم، در کامل‌ترین شکل انجام دهم و در استحکام آن چیزی را فروگذار نکنم.

۳ــ اکنون که کار اصلی من علم آموزی است، همه‌ی استعداد و توان خود را برای آموختن به کار برم تا انسانی موفق برای خود و مفید برای جامعه شوم.

خدایا، خودت مرا یاری کن و پشتیبانی نما.

پیشنهاد

براساس آنچه در این کتاب آموخته‌اید، نمودار زیر را کامل کنید.

مرحله‌ی اول (اندیشه و قلب)

- ۱ــ انسان شناسی
  - ۱ــ بی‌نهایت طلبی انسان
  - ۲ــ خدا، محبوب حقیقی انسان
  - ....
  - ....
  - ....
  - ....
- ۲ــ خداشناسی
  - ....
  - ....
  - ....
  - ....
  - ....

مرحله‌ی دوم (آهنگ سفر)

- ۱ــ تصمیم گیری
- ۲ــ عزم قوی داشتن
- ....
- ....
- ....
- ....

مرحله‌ی سوم (قدم در راه)

- ۱ــ در رابطه با خدا
  - ۱ــ تسبیح خداوند
  - ....
  - ....
- ۲ــ در رابطه با خود
  - ....
  - ....
  - ....
- ۳ــ در رابطه با خانواده
  - ....
  - ....
  - ....
- ۴ــ در رابطه با جامعه
  - ....
  - ....
  - ....
- ۵ــ در رابطه با خلقت
  - ....
  - ....
  - ....

فهرست کلمات معنا شده

در کتاب دین و زندگی (۱)

کلمه، درس	معنا
الف	
ءاتِنا ۲	به ما ببخش، به ما بده
اَبْصار ۱۰	دیدگان
اَخافُ ۲	می‌ترسم
اِخْتِلاف ۸	آمد و شد
اُدعوا ۱۳	بخوانید
اَراكَ (اَرىٰ + كَ) ۲	تو را می‌بینم
اُسوَةٌ ۱۲	سرمشق، الگو
اَصابَ ۱۲	رسید
اِصْبِر ۹	صبر و پایداری کن
اُعْبُدْ ۱۳	عبادت کن
اُعِدَّتْ ۱۰	آماده شده است
اَعْناب ۵	درختان انگور
اَفَلَ ۲	افول کرد، ناپدید شد
اُنْثىٰ ۱۲	زن
اَوْفىٰ ۹	وفا کرد، وفا کند
اُولُوا الْاَلْبابِ ۱	خردمندان
اُولِى الْاَلْباب ۸	خردمندان
ب	
بارِئ ۶	هستی‌بخش
بازِغًا، بازِغَةً ۲	درخشان
بُنَیَّ ۱۲	فرزندم، پسرم
ت	
تِبیان ۱	روشن‌کننده
(لِـ) تُبَیِّنَ ۱	روشن کنی
تَجْری ۵	روان است
تُدْرِكُ ۱۰	درک می‌کند
تُشْرِكونَ ۲	شریک قرار می‌دهید
تَصْبِروا ۹	پایداری کنید
تَضَرُّعًا ۱۳	با زاری
تُطیعوا ۷	اطاعت کنید
تَعالىٰ ۶	برتر است
تَفْقَهونَ ۱۳	می‌فهمید
تَقْدیر ۵	اندازه‌گیری، تقدیر
تَواصَوا ۱۰	یکدیگر را سفارش کردند

ث

ثَمَرات ۱۶	میوه‌ها

ح

حافِظ ۱۰	مراقب و ناظر
حَبّ ۵	دانه
حَسَنَة ۹	نیکو، خوب
حُسنیٰ ۴	نیکو، نیکوتر، بهترین
حَلیم ۱۳	بردبار

خ

خُسر ۱۰	زیانکاری
خُفیَة ۱۳	نهانی
خَلیل ۹	دوست

ذ ــ ر

ذَکَر ۱۲	مرد
رِضوان ۴	خشنودی، رضایت

س ــ ش

سارِعوا ۱۰	بشتابید
سَعیٰ ۳	سعی کرد، تلاش کرد
شَراب ۱۶	نوشیدنی
شَهادَة ۶	ظاهر، آشکار

ض

ضَلَّ ۱۱	گم شد

ع

عاجِلَة ۳	امر زودگذر، دنیا
عَرَض ۱۰	وسعت
عُیون ۵	چشمه‌ها

ف ــ ق

فاطِر ۵	آفریننده
فَجَّرنا ۵	روان کردیم
فَطَرَ ۲	پدید آورد
قَضیٰ ۱۲	فرمان داد، حکم کرد

ک

کانَ یَرجو ۱۲	امید دارد، امید داشت
کَریم ۱۲	زیبا، ارزشمند
کَفور ۳	ناسپاس
کَما ۱	همان‌طور که

ل

لا تُـظْـلَـمْ ۱۱	ظلم نشود به
لا تَـقُـلْ ۱۲	نگو
لَـمْ اَتَّـخِـذْ ۱۴	نمی‌گرفتم، نگرفتم

م

مُـبـيـن ۱	روشن، روشن‌کننده
مُـصَـوِّر ۶	صورت‌بخش، صورتگر
مُـعْـتَـديـنَ ۱۳	تجاوزگران
مِـلَّـة ۹	کیش، آیین
مَـيْـتَـة ۵	مرده

ن

نَخيل ۵	درختان خرما
نُـريـدُ ۳	می‌خواهم
نُـزِّلَ ۱	نازل شد
نُـنَـبِّـأُ ۱۱	آگاه می‌کنیم

هـ

هَـدانِ (هَـدانی) ۲	هدایت کرد مرا

ی

يَـأكُـلـونَ ۵	می‌خورند
يُـبَـشِّـرُ ۷	بشارت می‌دهد، مژده می‌دهد
يَـتَـذَكَّـرَ ۱	پند گیرد
يَـحْـسَـبـونَ ۱۱	گمان می‌کنند
(لِـ) يَـدَّبَّـروا ۱	(تا) تدبر کنند
يُـزَكّـی ۹	پاک می‌گرداند
يَـشْـتَـرونَ ۹	می‌فروشند
يُـشْـرِكـونَ ۶	شریک قرار می‌دهند
يُـكَـلِّـمُ ۹	سخن می‌گوید
(لِـ) يَـكـونَ ۲	(تا) باشد
يَـنْـظُـرُ ۹	نگاه می‌کند
يَـنْـفَـدُ ۴	فانی می‌شود
يَـنْـهَـوْنَ ۱۴	نهی می‌کنند
يُـؤْتـی ۹	می‌دهد

کتاب شناسی

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱	آداب تلاوت قرآن	مهدی مشایخی	مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی	قرآن کریم	درس ۱	معلم/ دانش‌آموز
۲	آداب نماز	امام خمینی	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم/ دانش‌آموز
۳	آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین	اصغر طاهرزاده	لب المیزان	خودشناسی، خدا شناسی	درس ۲	دانش‌آموز
۴	آشنایی با قرآن	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	قرآن کریم	درس ۱	معلم/ دانش‌آموز
۵	آموزش احکام	محمد حسین فلاح زاده	دلیل ما	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۶	آنچه یک جوان باید بداند.	رضا فرهادیان	مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۷	آنچه یک نوجوان باید درباره‌ی بلوغ بداند	محمدرضا شرفی	مؤسسه فرهنگی منادی تربیت	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۸	آیین خردپروری	سعید بهشتی	مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر	تفکر	تمام درس‌ها	معلم
۹	آیین عقل ورزی	حسین مهدی‌زاده	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	تفکر	تمام درس‌ها	معلم/ دانش‌آموز
۱۰	احکام خانواده	عبدالرحیم موگهی	مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و۱۶	معلم/ دانش‌آموز
۱۱	اخلاق معاشرت	جواد محدثی	بوستان کتاب قم	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۱۲	ارزش دنیا	حسنعلی علی اکبریان	کانون اندیشه جوان	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	دانش‌آموز
۱۳	از راه تا راز	سید یحیی یثربی	نشر معارف	خودسازی	درس ۱۱	دانش‌آموز
۱۴	استقامت	سیدرضا صدر	بوستان کتاب قم	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش‌آموز
۱۵	اسرار الصلوة	میرزا جواد آقا ملکی تبریزی	کیش مهر	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم/ دانش‌آموز
۱۶	اسرارنماز	گردآوری : علی شیروانی	دارالفکر	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم/ دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱۷	اسماء الحسنیٰ	محمد شجاعی	سروش	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم/ دانش‌آموز
۱۸	افق‌های کمال	محمد حیدر علوی نژاد	بوستان کتاب قم	هدف زندگی	درس۲	دانش‌آموز
۱۹	امام در سنگر نماز	ستاد اقامه نماز_ مؤسسه تنظیم و نشرآثارامام‌خمینی	ستاد اقامه نماز	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	دانش‌آموز
۲۰	انسان‌شناسی دینی (پرسش‌ها و پاسخ‌های دینی جلد۶)	حسین سوزنچی	انتشارات مدرسه	انسان شناسی	درس ۲ و ۱۵ و۱۶	معلم/ دانش‌آموز
۲۱	انسان کامل	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	انسان شناسی	درس ۲	معلم
۲۲	انسان و ایمان	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	ایمان	درس ۷و۸	معلم/ دانش‌آموز
۲۳	انسان و خلافت الهی	محمد شجاعی	مؤسسه خدمات فرهنگی رسا	انسان شناسی	درس۲	معلم/ دانش‌آموز
۲۴	اهمال‌کاری (بررسی علل وراهکارهای درمان)	مرتضی آقا تهرانی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	پایداری در عزم	درس ۱۰	معلم/ دانش‌آموز
۲۵	ای بی‌نشان محض (مجموعه شعر نیایش)	قربان ولیئی_سید اکبر میرجعفری	اسوه	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم/ دانش‌آموز
۲۶	به قول پرستو	قیصر امین پور	افق	شعر	درس ۲	دانش‌آموز
۲۷	بیست گفتار (گفتار«نظر دین درباره دنیا»)	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	هدف زندگی	درس ۳ و۴	معلم/ دانش‌آموز
۲۸	پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی(نگاه وپوشش)	سیدمجتبی حسینی	نشر معارف	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۲۹	پرواز تا بی‌نهایت	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	اسوه‌های موفق	درس ۹ و۱۱	دانش‌آموز
۳۰	پژوهشی در فرهنگ حیا	عباس پسندیده	دارالحدیث	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و۱۶	دانش‌آموز
۳۱	پشت دیوار ندامت	ابراهیم ایمانی‌فر	کیهان	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و۱۶	دانش‌آموز
۳۲	پیامبر (۲۰جلد)	میثاق امیر فجر	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و۱۷	دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۳۳	تحلیلی‌تربیتی بر: روابط دختر و پسر در ایران	علی اصغر احمدی	انجمن اولیاء و مربیان جمهوری‌اسلامی‌ایران	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	معلم
۳۴	تدبّر در قرآن	ولی اللّه نقی‌پورفر	اسوه	قرآن کریم	تمام درس‌ها	معلم/ دانش‌آموز
۳۵	تعلیم و تربیت در اسلام	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	برنامه‌ی زندگی	درس ۲	معلم
۳۶	تکامل اجتماعی انسان (مقاله هدف زندگی)	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	هدف زندگی	درس ۲	معلم/ دانش‌آموز
۳۷	جوانان و پرسش‌های عرفانی	محمدرضا متقیان	انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم	خودسازی	درس ۱۱	دانش‌آموز
۳۸	جوان و انتخاب بزرگ در زندگی	اصغر طاهر زاده	لب المیزان	هدف زندگی	درس ۲	دانش‌آموز
۳۹	جوان و تلفن همراه	مؤسسه پژوهش‌های دینی‌امام‌امیرالمؤمنین	شهاب الدین	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۴۰	جوان و دین	رجبعلی مظلومی	نشر آفاق	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	معلم/ دانش‌آموز
۴۱	چالش فقر و غنا در کشورهای سرمایه‌داری	ناصر جهانیان	کانون اندیشه جوان	کار	درس ۱۶	معلم/ دانش‌آموز
۴۲	حرفی برای تمام فصول (قرآن در بیان رهبر معظم انقلاب)	مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی	سروش ملل	قرآن کریم	درس ۱	معلم/ دانش‌آموز
۴۳	حکمت عبادات (گفتارهای ۱ تا۴)	عبداللّه جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم
۴۴	حیات حقیقی انسان در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱۵)	عبداللّه جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	انسان شناسی	درس ۳ و ۴	معلم
۴۵	خاطرات احمد احمد	محسن کاظمی	انتشارات سوره مهر	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش‌آموز
۴۶	خاطرات‌عزت‌شاهی (مطهری)	محسن کاظمی	انتشارات سوره مهر	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش‌آموز
۴۷	خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)	محسن کاظمی	انتشارات سوره مهر	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش‌آموز
۴۸	خاک‌های نرم کوشک	سعید عاکف	مُلک اعظم	اسوه‌های موفّق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۴۹	خدا (پرسش‌ها و پاسخ‌های دینی جلد۱)	حسین سوزنچی	انتشارات مدرسه	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم/ دانش‌آموز
۵۰	خدا و خلقت من، چرا؟	محسن عباسی	نشر و پژوهش معناگرا	هدف زندگی	درس ۲ تا ۴	دانش‌آموز
۵۱	خودشناسی برای خودسازی	محمد تقی مصباح یزدی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	خودسازی	درس ۲	معلم
۵۲	خودسازی یا تزکیه و تهذیب نفس	ابراهیم امینی	شفق	خودسازی	درس ۱۱	معلم/ دانش‌آموز
۵۳	دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه	عبداللّه جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	معلم
۵۴	دنیای نوجوان	محمدرضا شرفی	مؤسسه فرهنگی منادی تربیت	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم/ دانش‌آموز
۵۵	دوست اگر این گونه بود.	راضیه محمد زاده	منیر	دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۵۶	ده نکته از معرفت النفس	اصغر طاهر زاده	لب المیزان	خودسازی	درس ۲	دانش‌آموز
۵۷	رساله لب اللباب در سیر وسلوک اولی الالباب	سیدمحمد حسین حسینی‌تهرانی	حکمت	خودسازی	درس ۱۱	معلم
۵۸	رساله لقاء اللّه	میرزا جواد آقا ملکی تبریزی	آل علی	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم
۵۹	رستاخیزی در تاریکی	سوسن صفارودی	بهینه	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۰	رضایت از زندگی	عباس پسندیده	دارالحدیث	برنامه‌ی زندگی	درس ۳ و ۴	دانش‌آموز
۶۱	رمز موفّقیّت استاد مطهری	علی باقی‌نصرآبادی ــ حمید نگارش	امام عصر	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۲	رمز موفّقیّت بزرگان	رضا باقی‌زاده گیلانی	پیام حجّت	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۳	رمز موفّقیّت علامه طباطبایی	حمید نگارش ــ علی باقی‌نصرآبادی	امام عصر	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۴	روان‌شناسی نوجوانان	اسماعیل بیابانگرد	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۵ و ۱۶	معلم
۶۵	روش برداشت از قرآن	علی صفایی حائری	لیلة القدر	قرآن کریم	تمام درس‌ها	معلم/ دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۶۶	روش دوست‌یابی	محمد الحیدری	بنیادپژوهش‌های اسلامی	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۶۷	روی ماه خداوند را ببوس	مصطفی مستور	نشر مرکز	خداشناسی	درس ۵ و ۶	دانش‌آموز
۶۸	سانتاماریا	سید مهدی شجاعی	کتاب نیستان	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۶۹	سرشت انسان (پژوهشی در خداشناسی فطری)	علی شیروانی	نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها	انسان شناسی	درس ۲	معلم
۷۰	سفر به‌گرای ۲۷۰ درجه	احمد دهقان	انتشارات سوره مهر	اسوه‌های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز
۷۱	سیاحت جمال : سیری در سیره اخلاقی و عملی پیامبر اکرم ﷺ	محمد جواد حاج علی اکبری	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۷۲	سیره اقتصادی امام علی علیه‌السلام	سیدرضا حسینی	کانون اندیشه جوان	کار و تلاش	درس ۱۶	معلم/ دانش‌آموز
۷۳	سیری در سیره‌ی نبوی	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم/ دانش‌آموز
۷۴	شرح حدیث جنود عقل و جهل	امام خمینی	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی	انسان شناسی	تمام درس‌ها	معلم
۷۵	ظهور	علی مؤذنی	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمان	اسوه‌های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز
۷۶	فطرت	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	انسان‌شناسی	درس ۲	معلم
۷۷	فطرت در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم جلد ۱۲)	عبداللّه جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	انسان‌شناسی	درس ۲	معلم
۷۸	فطرت و دین	علی ربانی گلپایگانی	مؤسسه فرهنگی دانش واندیشه‌معاصر	انسان‌شناسی	درس ۲	معلم
۷۹	کار و تولید	حسن نظری	کانون اندیشه جوان	کار	درس ۱۶	دانش‌آموز
۸۰	کار و دین	مجید رضایی	کانون اندیشه جوان	کار	درس ۱۶	دانش‌آموز
۸۱	کرانه‌های پاکی (خودسازی)	کریم خطیبی	کانون اندیشه جوان	خودسازی	درس ۱۱	دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۸۲	کمالات وجودی انسان	محمد شجاعی	مؤسسه فرهنگی دانش‌واندیشه معاصر	هدف زندگی	درس ۲	معلم/ دانش‌آموز
۸۳	کیش پارسایان	مجتبی تهرانی	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	ایمان	درس ۷ و ۸	معلم
۸۴	گوهر وقت	سیدحسن مطلبی	شرکت چاپ و نشر بین الملل	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۸۵	ماهیت دنیا	عبدالحسین جلالی	امیر کبیر	هدف زندگی	درس ۳و۴	معلم
۸۶	مجموعه«برداشت‌هایی از سیره‌امام خمینی»	غلامعلی رجائی	مرکز چاپ و نشر عروج	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۸۷	مجموعه «چلچراغ»	جمعی از نویسندگان	انتشارات مدرسه	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۸۸	مجموعه «چهره‌های درخشان»	جمعی از نویسندگان	انتشارات مدرسه	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۸۹	مجموعه «نیمه پنهان ماه»	جمعی‌از نویسندگان	روایت فتح	اسوه‌های موفّق	درس ۹	دانش‌آموز
۹۰	مقالات (۳ جلد)	محمد شجاعی	سروش	خودسازی	درس ۱۱	معلم
۹۱	مقدمه‌ی تفسیر تسنیم (جلد اول)	عبداللّه جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	قرآن کریم	درس ۱	معلم
۹۲	مناجات	سید مهدی شجاعی	کتاب نیستان	خداشناسی	درس۵ و ۶	دانش‌آموز
۹۳	منزلت‌عقل در هندسه‌ی معرفت دینی	عبداللّه جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	انسان‌شناسی	تمام درس‌ها	معلم
۹۴	من نوجوانم	علی اصغر احمدی	انتشارات‌مهدی رضایی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم
۹۵	مهارت‌های زندگی	حسین خنیفر، مژده پورحسینی	مرکز نشر هاجر	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۹۶	مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی	فریبا علاسوند	سروش هدایت	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۹۷	مهر و قهر	محمدرضا سبحانی‌نیا ـ سعید رضا علی عسگری	مرکز فرهنگی شهید مدرس	دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	معلم/ دانش‌آموز
۹۸	نامه‌های خط خطی	عرفان نظرآهاری	صابرین، کتاب‌های‌دانه	خداشناسی	درس۵ و۶	دانش‌آموز
۹۹	نامه‌های عرفانی	به‌اهتمام :علی‌محمدی	نشر معارف	خودسازی	درس ۱۱	دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱۰۰	نامه‌های فهیمه	فهیمه بابائیان پور ــ به اهتمام علیرضا کمری	انتشارات سوره مهر	اسوه‌های موفّق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز
۱۰۱	نظریه‌ایمان در عرصه کلام و قرآن	محسن جوادی	نهاد نمایندگی‌مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	ایمان	درس۷ و ۸	معلم
۱۰۲	نظم و انضباط	مرکز پژوهش‌های اسلامی‌صداوسیما	بوستان کتاب قم	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و۱۷	دانش‌آموز
۱۰۳	نقطه سر خط	محسن عباسی	بوستان کتاب	هدف زندگی	درس ۲ تا ۴	دانش‌آموز
۱۰۴	نگاهی دوباره به سیمای پیامبر ﷺ	رضا رجب‌زاده	رستگار	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم/ دانش‌آموز
۱۰۵	نگاهی‌قرآنی به‌حیات‌معنوی	اسداللّه جمشیدی	کانون اندیشه‌ی جوان	هدف زندگی	درس۳و۴	دانش‌آموز
۱۰۶	نگاهی قرآنی به دوست و دشمن	محمدرضا کاشفی	کانون اندیشه‌ی جوان	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و۱۶	دانش‌آموز
۱۰۷	نگاهی قرآنی به فشار روانی	اسحاق حسینی کوهساری	کانون اندیشه‌ی جوان	برنامه‌ی زندگی	درس ۳ و ۴	دانش‌آموز
۱۰۸	نه آبی نه خاکی	علی مؤذنی	انتشارات سوره مهر	اسوه‌های موفّق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز
۱۰۹	هدایت در قرآن (تفسیر موضوعی‌قرآن کریم‌جلد۱۶)	عبداللّه جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	خداشناسی	درس ۵ و۶	معلم
۱۱۰	هدف خلقت	سیدابوالحسن‌مهدوی	محبّان	هدف زندگی	درس ۲	دانش‌آموز
۱۱۱	هدیه‌ی مسیح (سیری درزندگی ادواردوآنیلی)	مصطفی غفاری ساروی	مرکز اسناد انقلاب اسلامی	پایداری درعزم	درس۱۰	دانش‌آموز
۱۱۲	و خدایی که همین نزدیکی است(گذری‌بر مناجات‌های دیروز و امروز)	علی دژاکام ــ محمد قلعه‌وند	نشر معارف	خداشناسی	درس ۵ و ۶	دانش‌آموز
۱۱۳	جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور	حمیدرضا مظاهری سیف	انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	آیین رهروی	درس۱۲	معلم
۱۱۴	آفتاب و سایه‌ها (نگرشی بر جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا)	محمد تقی فعالی	نجم‌الهدی	آیین رهروی	درس۱۲	معلم

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره ی مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵ ـ گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی